



اهمیت نسخه های خطی برای مطالعه تاریخ تشیع

پدیدآورده (ها) : رحمتی، محمد کاظم

کنابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: میراث شهاب :: تابستان و پاییز 1395 - شماره 84 و 85
از 159 تا 250

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1258641>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان

تاریخ دانلود : 25/11/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

اهمیت نسخه های خطی برای مطالعه تاریخ تشیع

— محمد کاظم رحمتی^۱ —

مقدمه

نسخه های خطی و اهمیت آنها در مطالعات اسلامی به نحو عام و تاریخ تشیع به نحو خاص، موضوعی است که به ما امکان می دهد، صفحات تازه ای در مطالعات تاریخ تشیع بگشاییم. به عنوان مثال بررسی نسخه های خطی کتابت شده توسط عالمان امامی ایرانی پیش از صفویه، به روشنی وجود شیعیان را در حوزه های خاص جغرافیایی در نواحی مرکزی ایران و خاصه در شهرهای چون قم، کاشان و روستاهای میان دوشهر اخیر نشان می دهد. از نام روستاهای میان قم و کاشان نام روستاهای جوشقان، جاست^۲، سرابشونوه که ظاهراً همان

۱. استادیار بنیاد دائرة المعارف اسلامی.

۲. درباره اهمیت جاست و عالمان امامی آن همچنین بنگرید به: سید حسین مدرسی طباطبائی، «مناظره ای منظوم میان قم و کاشان»، قیامت (مجموعه مقالات درباره قم) (نیوجرسی: مؤسسه انتشاراتی زاگرس، ۱۳۸۶ش)، ص ۷۵-۸۴ که متن اشعاری از عزالدین علی بن فضل الله حسینی راوندی آمده در برگ آخر نسخه ۴۰۹۵ مرعشی را تصحیح کرده است. نسخه ای از شرح دیوان الحماسة ابی تمام تألیف ابوزکریا بجمی بن علی تبریزی در کتابخانه مرحوم مهدوی است که کاتب آن حسین بن حسن بن حسین ابی القاسم رزی جاستی - در متن چاپ شده جاسبی آمده - است که در روز پنجشنبه یکم رجب ۵۹۳ در قم از کتابت آن فراغت حاصل کرده است. به احتمال بسیار وی با کاتب نسخه ۴۰۹۵ مرعشی یکی است اما ظاهراً خطای در قرائت

و شنوه کتونی باشد و خوچجان^۱ را باید برشمرد که بر اساس نسخه های خطی موجود، عالمان مختلفی در سده های پیشین خاصه قرون ششم تا هفتم هجری از میان آنها برخاسته اند. روستای جاست که در گذشته از توابع بلوکات قم به حساب می آمده در نزدیکی دلیجان قرار

تاریخ کتابت نسخه و یا حتی شهرت رزی آمده برای او رخ داده باشد که باید به اصل نسخه مراجعه کرد. بنگرید به: محمد تقی دانش پژوه، فهرست میکروفیلم های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱، ص ۳۴۲-۳۴۳. دوست عزیزم آقای جواد بشری در مقاله ای نکاتی درباره کاتبان جاستی آورده است. بنگرید به: جواد بشری، «گناه بخت من است این گناه دریا نیست (بررسی قطعه ای منسوب به فردسی)»، نامه فرهنگستان، شماره ۳۹ (پاییز ۱۳۸۷ش)، ص ۶۱-۶۶.

۱. نسخه ای کهن از کتاب خصائص الأئمة در دست است که عبد الجبار بن الحسین بن ابی القاسم الحاج الفراهانی ساکن در قریه خوچجان در ۵۵۳ کتابت کرده است (...تمت کتابة کتاب خصائص الأئمة عليهم السلام و فرغ من کتبه العبد المذنب الراجی الی غفران الله و عفوه عبد الجبار بن الحسین بن ابی القاسم الحاج الفراهانی الساکن بقریة خوچجان عمّرها الله یوم الاربعاء الرابع من شوال سنة ثلاث و خمسين و خمس مائة غفر الله له و لوالديه و لجميع المؤمنین و المسلمات انه هو الغفور الرحیم...)). در بخش زیادات نسخه کاتب اشاره کرده که همراه با سید ابوالرضا راوندی و به قصد تفریح به روستای جوشقان رفته است (انتهت الزیادة... بحمد الله و منه، و صلواته علی نبیه محمد و آله أجمعین و فرغ من کتبه العبد المذنب عبد الجبار بن الحسین بن ابی القاسم الحاجی الفراهانی یوم الأربعاء التاسع عشر من جمادی الأولى من سنة ثلاث و خمسين و خمسمائة فی خدمة مولانا الأمير الأجل السید ضیاء الدین تاج الإسلام أبی الرضا فضل الله بن علی بن عبید الله الحسینی أدام الله ظلّه و قد آوی الی قریة جوشقان راوند متفرجاً حامداً لله و مصلياً علی النبی و آله أجمعین و السلام). از دیگر عالمان خوچجانی، حسین بن ابی عبد الله بن ابراهیم خوچجانی رامی شناسیم که نسخه ای نفیس از امالی سید مرتضی که در سال ۵۶۷ کتابت شده را در تملک داشته که اکنون به شماره ۱۴۵ در کتابخانه اسکوریال موجود است و اساس تصحیح امالی سید مرتضی توسط محمد ابوالفضل ابراهیم بوده است. خوچجانی نسخه را نزد سید فضل الله بن علی بن عبید الله بن محمد بن عبید الله بن حسین راوندی خوانده و از وی در سال ۵۶۸ اجازه روایت آن را دریافت کرده است. سید ابوالرضا راوندی کتاب امالی را به روایت استادش عبد الرحیم بن احمد بن اخوه بغدادی از ابو غانم عصمی از سید مرتضی روایت کرده است. همچنین ابوالرضا کتاب را به روایت ابن اخوه از نقیب حمزه بن ابی اعز حسینی از ابوالعالی احمد بن قدامه از سید مرتضی و از سید مرتضی بن داعی حسنی از ابو عبد الله جعفر بن محمد دوریستی در روایت داشته است. خوچجانی در ظهر نسخه و در صفحه عنوان اجازه ای برای کمال الدین مرتضی مرعشی در ۵۸۴ نوشته است (قرأ علیّ اول هذا الكتاب الی المجلس الحادی و الثلاثین فی تأویل قوله عز من قائل... صاحبہ الامیر السید العالم کمال الدین محمد.. المرتضی بن الرضی... الحسینی المرعشی وقاه الله... و اجزت له روايته عنی عن... الامام العلامة باسنادہ المثبت بخطه هذا الی المرتضی رضی الله عنه، کتبه الحسین بن ابی عبد الله بن ابراهیم الخوچجانی بیمنه فی اول شعبان عمت برکته سنة اربع و ثمانین و خمس مائة متوکلاً علی الله تعالی).

دارد. صورت ضبط کهن آن برخلاف آنچه امروزه به شکل جاسب رایج است، جاست بوده و شواهد مختلفی از قرن ششم و هفتم در دست است که نام کهن آن جاست است. سوای مواردی که استاد ارجمند علی اشرف صادقی از آن بحث کرده اند^۱، نسخه ای کهن از شرحی بر کتاب المراسم العلویة فی الاحکام النبویة تألیف شده از قرن ششم در کتابخانه کاشف الغطاء به شماره ۳۱۶ موجود است. نسخه اخیر ضمن مجموعه ای است مشتمل بر سه رساله؛ الجواهر فی الفقه ابن براج طرابلسی (متوفی ۴۸۱) که دارای اجازه ای از سعید بن هبة الدین راوندی که از خواندن متن توسط پسرش در نزد خود سخن گفته است (کتاب الجواهر فی الفقه، تألیف القاضی ابی القاسم عبدالعزیز بن نحریر ابن البراج رضی الله عنه قرأ علی ولدی نصیر الدین أبو عبد الله الحسین - أبیاه الله و متعنی به - قراءة إتقان، و أجزت له أن یرویہ عنی، عن الشیخ أبی جعفر محمد بن المحسن الحلبی عنه کتبه سعید بن هبة الله)؛ المراسم العلویة و سرانجام شرحی بر کتاب اخیر بدون اشاره به نام شارح نخست. شخصی به نام محمد بن محمد ابن علی الفراهانی محمد آبادی در شعبان ۶۱۸ آن را کتابت کرده و از روی آن ابوجعفر علی بن الحسن بن ابی العباس جاستی وارانانی در رمضان ۶۱۸ از روی آن در مجموعه حاضر کتابت کرده است. عبارت کاتب اول در انجامة کتاب چنین است: «انتسخ منه أضعف عباد الله وأحوجهم إلى رحمة محمد بن محمد بن علی الفراهانی محمد آبادی فی عشر الأواخر من شهر الله المبارک شعبان سنة ثمان عشر و ستمائة داعياً لصاحبه و مستغفراً لمصنّفه». کاتب دوم نیز در انجامة نوشته است: «انتسخ من هذا الكتاب العبد الضعیف الفقیر المحتاج إلى رحمة الله تعالی أبو جعفر علی بن الحسن بن ابی العباس الجاستی الوارانانی فی شهر الله المبارک رمضان عظیم الله برکته سنة ثمان عشر و ستمائة داعياً لصاحبه بالخیر» (این شرح را فاضل ارجمند حجت الاسلام و المسلمین سید محمد جواد الغریفی با عنوان «شرح المراسم العلویة فی الأحکام النبویة» تحقیق کرده و در مجله دراسات علمیه، العددان التاسع و العاشر، ۱۴۳۷، ص ۴۵۹ - ۵۷۵ منتشر کرده است). از عالمان اهل جاست در قرن هفتم، حسین بن حسن بن حسین جاستی وارانانی را می

۱. بنگرید به: علی اشرف صادقی، «جاسبی یا جاستی؟»، یغمای سی و دوم: یادنامه حبیب یغمائی، گردآوری ایرج افشار با همکاری قدرت الله روشنی (زغفرانلو) (تهران، ۱۳۷۱ش)، ص ۲۸۵-۲۸۹.

شناسیم که در روز جمعه چهارم ربیع الاول ۶۷۳ از کتابت الايضاح فی شرح المقامات ابوالفتح ناصر بن عبدالسید مطرزی (متوفی ۶۱۰) که شرح خود را در ۵۶۳ به پایان رسانده، فراغت حاصل کرده است. این نسخه به شماره ۴۰۹۵ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است. کاتب در پایان نسخه خود را چنین معرفی کرده است:

«...ووقع الفراغ من تنميقة على يدي صاحبه اضعف عباد الله خليقة واسوءهم طريقة الحسين بن الحسن بن الحسين الجاستي الواراني ضحوة يوم الجمعة الرابع من ربيع الاول سنة ثلاث و سبعين و ستمائة اللهم اغفر له ولوالديه و لجميع المؤمنين و المؤمنات برحمتك يا ارحم الراحمين».

این مطلب که وی خود را جاستی و نه جاسبی معرفی کرده نشان می دهد که در قرن هفتم نام آن مکان جاست بوده و تغییر آن به جاست در ادوار بعدی رخ داده است. درباره نام روستای جاست و تفاوت تلفظ کهن و متداول کنونی آن به تفصیل در آغاز مقاله صحبت شده است، جز آنکه در کتابخانه مدرسه صدر بازار به شماره ۲۵۴ نسخه ای از کتاب اللمعة الدمشقية شهید اول موجود است که در سال ۹۷۸ کتابت شده است. نام کاتب اسعد بن احمد بن اسعد الانجدانی الجاستی است و شاهی از تداول نام روستای در قرن دهم به صورت جاست. عبارت کامل انجامة نسخه چنین است:

«..هذا تمام كلام شيخنا الشهيد - رضوان الله عنه و غفرانه عليه و له بحق المجيد - قد خدم بكتابها لاجل حضرت المولى الاعظم، حاوى المعقول و المنقول، جامع الفروع و الاصول، عمدة الافاضل و الاماجد، المستغنى عن الالقباب بذاته الشريف المحمود، القاضى جلال الملة و الدين مسعود - روح الله روح والده المغفور المحروم، المستريح الى جوار رحمة الله فتوحاً للدنيا و الدين، فتح الله الكاشانى فى دار السلطنة قزوين - حفظه الله تعالى مقيمه من المؤمنين عن كيود المفسدين - فى السنة الثامنة من العشر السابعة من المائة التاسعة من الهجرة النبوية المصطفوية صلوة الله عليه و آله و انا المفتقر الى الله الصمد ابن احمد بن اسعد بن اسعد الانجدانى مولداً الجاستى محتداً غفر ذنوبهم بمحمد و آله»^۱.

۱. این نسخه بعدها در اختیار میرداماد بوده است. برای توصیفی از نسخه و تصویر انجامة و برگى از نسخه داراى

همچنین نسخه ای از کتاب تحصیل النجاة فخرالمحققین در کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۱۷۷۱ موجود است که آن را به خواهشی یکی از علویان به نام ناصرالدین حمزه بن حمزه بن محمد علوی حسینی تألیف کرده است. فخرالمحققین در مقدمه کتاب به خواهش سید حمزه برای نگارش کتاب تحصیل النجاة از خودش اشاره کرده و درباره سید و مکان اقامتش نوشته است:

«...أما بعد فهذا كتاب تحصيل النجاة في اصول الدين وفروعه صنفته خدمة للسيد المعظم الشريف المكرم سلالة الأئمة المعصومين، خلف أجداده الطاهرين، السيد ناصر الملة والحق والدين حمزة بن حمزة العلوي المتوطن بقرية شريف آباد من ناحية جاست من اعمال قم...»
(طبقات اعلام الشيعة: الحقائق الراهنة في المائة الثامنة، ص ۶۴-۶۵).

فخرالمحققین کتاب را باید در مدّت کوتاهی و ایامی که خود و سید ناصرالدین در نجف بوده اند، و به احتمال زیاد در رجب ۷۳۶ به رشته تحریر درآورده باشد. نسخه را یکی از پنج خواهرزاده علامه حلی یعنی سید غیاث الدین عبدالکریم بن محمد بن الاعرج حسینی در آخر ظهر یکشنبه بیست و چهارم رجب سال ۷۳۶ در نجف کتابت کرده است (...فرغ من نسخها اضعف عباد الله تعالی عبدالکریم بن محمد بن الاعرج الحسینی بالحضرة الشريف الغرورية صلوات الله على مشرفها في آخر نهار السبت رابع عشرين رجب المبارك من سنة ست و ثلاثين و سبعمائة و الحمد لله وحده). در کنار انجامه نسخه انهاء قرائتی است که ممکن است برای کاتب نسخه که نسخه را نزد فخرالمحققین خوانده، باشد اما از آنجایی بر ظهر نسخه اجازه عامه روایتی از فخرالمحققین به خط خودش کما اینکه خط انهاء نیز به دستخط اوست، ظاهراً باید انهاء قرائت برای سید ناصرالدین نوشته شده باشد (انهاه أیده الله تعالی قراءة و بحثاً و فهماً و ضبطاً و استشرحاً و ذلك في مجالس آخرها سبع عشرين رجب سنة ست و ثلاثين و

دارای بلاغ سماع میرداماد بنگرید به: سید جعفر حسینی اشکوری، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مدرسه صدر بازار (اصفهان - ایران) (قم، ۱۳۸۴ ش/۱۴۲۶)، دقتراول، ص ۱۷۸، ۱۷۹-۱۸۰. فتح الله بن شکرالله کاشانی که از نگارش تفسیر زبدة التفاسیر خود در میانه ماه ذی القعدة الحرام سال ۹۷۷ فراغت حاصل کرده به شهادت گفته کاتب نسخه پیش از تاریخ کتابت نسخه اللعة الدمشقية در ۹۷۸ درگذشته است. برای شرح حال فتح الله کاشانی بنگرید به: افندی، ریاض العلماء، ج ۴، ص ۳۱۸-۳۱۹.

سبعمائه، والحمد لله وحده وصلى الله على محمد سيدنا وآله وكتب محمد بن المطهر). نسخه توسط شخصی که شاید سید ناصرالدین باشد چرا که دست خط عبارت مورد بحث با دست خط نسخه تفاوت دارد، با مقابله نسخه حاضر با اصل که به خط فخرالمحققین بوده، تصریح کرده است (بلغت المقابلة بنسخة اصل بخط المصنف فى المشهد المقدس الغرورى صلوات الله على مشرفها فى تاريخ سنة ست وثلاثين وسبعمئة هجرية والحمد لله رب العالمين). افندى نسخه حاضر را دیده و گفته که منضم به آن پرسش و پاسخ های میان فخرالمحققین و سید ناصرالدین به خط هر دو تن بوده که اکنون این بخش همراه نسخه حاضر تحصیل النجاة نیست. این نسخه زمانی در تملک علی بن محمد بن حسن بن زین الدین عاملی، یعنی شیخ علی کبیر نواده شهید ثانی بوده و او بر ظهر نسخه نوشته است: «فی نوبة اقل العباد علی بن محمد بن حسن بن زین الدین العاملی». افندى (ریاض العلماء، ج ۲، ص ۱۹۹) گفته که کتاب اخیر از جمله کتابهای شهید ثانی بوده است و در معرفی نسخه اشاره شده که تملکی به سال ۹۲۳ بر نسخه موجود است. بر این اساس کتاب اخیر از جمله کتابهای متعلق به کتابخانه شهید ثانی است که در روزگار شیخ علی کبیر به ایران آمده است. افندى (ریاض العلماء، ج ۲، ص ۱۹۹-۲۰۰) اجازه فخرالمحققین به سید ناصرالدین را آورده و تصویر اجازه که در متن ریاض چند کلمه افتادگی دارد، در فهرست نسخه های خطی دانشگاه تهران موجود است.^۱

شهرکاشان در قرن ششم به یمن وجود عالم برجسته ای چون سید ابوالرضا راوندی و حامیان قدرتمند و ثروتمندی که در آن شهر داشته، مرکزیت علمی در عراق عجم داشته است. همچنین بر اساس اطلاعات آمده در انجامة نسخه های خطی می دانیم که عالمان امامی در مراکز دیگری چون فراهان، ری و ورامین، آوه / آبه و گاه طبرستان و برخی شهرهای آن چون آمل حضور داشته اند.^۲ شهر استرآباد نیز از قرن هفتم به بعد یکی از مراکز مهم علمی شیعیان بوده و

۱. توجه به این نسخه را و امداار اطلاع دوست گرامی آقای مصطفی احمدی هستم. بنگرید به: الذریعة، ج ۲۶، ص ۱۵۷؛ محمد تقی دانش پژوه، فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (تهران، ۱۳۳۹ش)، ج ۸، ص ۳۰۵، ۳۰۹-۳۱۱.

۲. نسخه ای از کتاب النهایة شیخ طوسی که محمد بن حسین بن محمد بن حسن متعلم در روز دوشنبه محرم ۶۲۷ کتاب آن را به پایان رسانده به شماره ۳۹۷۰ در کتابخانه ملک موجود است که در سال ۶۴۴ از آن نور

علمان بسیاری از آن را می‌شناسیم که برخی از آنها از شاگردان علامه حلی بوده‌اند. علیرغم آنکه اطلاعات تاریخی اندکی درباره شهر استرآباد در دست است اما مطالب فراوانی درباره علمان امامی شهر استرآباد از قرن هفتم تا دهم را می‌توان در انجامة‌های نسخه‌های خطی که علمان استرآبادی کتابت کرده و نزد استادان خود در عراق یا حتی در جبل عامل خوانده‌اند، گردآوری کرد که بخشی از این مطالب را افندی در شرح حال این علمان و آقا بزرگ در مجلدات طبقات اعلام الشيعة مربوط به قرون هفتم تا دهم گردآوری کرده است. هر چند گاه علیرغم گسترش تشیع و غلبه آنها در برخی مکان‌های ذکر شده، گاه در ادوار بعدی تشیع از آن شهرها رخت بر بسته و در نواحی اطراف و روستای به حیات خود ادامه داده است؛ نمونه‌ای بارز از این موارد تشیع در شهر کاشان و حلب است که ظاهراً باید به یک دلیل یعنی توجّه حاکمان سنی در تقویت اهل سنت این شهرها، تشیع به حاشیه رانده شده باشد.^۱

در قرون ششم تا هفتم مرکزیت علمی شیعیان نواحی جبال ظاهرا همان شهر کاشان بوده و حتی خاندان‌های علمی چون فتحان از قم به آنجا مهاجرت کرده و در همانجا ساکن شده‌اند، هر چند علمان قمی چندی را نیز می‌شناسیم که در همین ادوار در قید حیات بوده‌اند و داشتن

الدین ابراهیم بن افراسیاب طبری افروزآبادی کیان کلادی بوده است. این نسخه را محمد بن حسین بن محمد بن حسن متعلم نزد ابوطالب ابن الحسین حسینی از شاگردان قطب الدین راوندی خوانده است. حسینی اجازه‌ای به متعلم داده و در آن طریق خود به کتاب‌نویسی را چنین ذکر کرده است: «قرأ علیّ هذا الكتاب من اوله الی آخره صاحبه الامام الحافظ تاج الدین، فخر الفقهاء و الامراء محمد بن الحسین - آدم الله سعاده - قراءة باحث عن معانيه، مستكشف عن مطاويه و أنا قرأته علی الامام السعيد المجتهد، شيخنا الامام محمد الراوندی و هو أجازني عن الشيخ السعيد ابی جعفر الطوسی... مولانا امیر المؤمنین صلی الله علیه و أنا بیریء من التحريف و التصحيف و الحمد لله كثيرًا، كتبه ابوطالب ابن الحسین الحسيني بحظه في غرة جمادى الاولى سنة ثلاث و ثلاثين و ستمائة هجرية». در صفحه عنوان این معلم متذکر شده که او کاتب و مالک نسخه است (صاحبه و کاتبه و مالک محمد بن الحسین بن محمد بن الحسن المتعلم رزقه الله علم ما فيه و عمله بحق محمد و آله الابرار).

۱. عبدالکریم بن محمد سمعانی (متوفی ۵۶۲) در کتاب الانساب خود در ذیل عنوان «القاسانی» یعنی کاشان امروز به اقامت خود در آنجا برای دوروز اشاره کرده و گفته که اهل آنجا جمله از شیعیان هستند (و أهلها من الشيعة) و از سید ابوالرضا راوندی یاد کرده و به سماع حدیث از او نیز اشاره کرده است. هر چند کاشان خالی از اهل سنت نیز نبوده و عالم ناموری چون احمد بن علی بن بابا قاشی را می‌شناسیم که مؤلفات مختلفی داشته و سمعانی خود به یک واسطه از او روایت کرده است. بنگرید به: سمعانی، الانساب، ج ۴، ص ۴۲۶-۴۲۷.

شهرت قمی توسط آنها دلالت بر اقامت آنها علی القاعده در شهر قم دارد. به عنوان مثال نسخه ای مشتمل بر جلد اول کتاب قواعد الاحکام علامه حلی به شماره ۴۲۷۳ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است که محمد بن محمد بن مهدی ابن مخلص قمی از کتابت آن در هنگام طلوع خورشید در روز پنج شنبه هفتم رمضان ۷۱۸ فراغت حاصل کرده است (تم النصف الاول من کتاب قواعد الاحکام فی مسائل الحلال والحرام ویتلوه النصف الثانی بعون الملک... و فرغ من تنمیقه العبد الضعیف المحتاج الی رحمة ربه اللطیف محمد بن محمد بن مهدی ابن مخلص القمی راجیاً رحمة الله وشفاعة النبی الامی عند طلوع الشمس من یوم الخمیس سابع شهر الله المعظم رمضان المکرم عظم الله برکته و عقب رحمته حول سنة ۷۱۸ من هجرة سید الابرار محمد المختار و یسأله ان یرزق لصاحبه و کاتبه علم ما فیهما مع العمل علیها وان ینتهی الختم بالسلامة و الکرامة و النعم المستدامة وان یرزق لصاحبه و کاتبه علم ما فیهما مع العمل علیها وان ینتهی المؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات انه قاضی الحاجات و محیب الدعوات). کاتب در انجامه تصریح دارد که مالک نسخه خود اوست و با توجه به جایگاه کتاب قواعد الاحکام او تنها کاتبی معمولی نیست و باید از عالمان امامی باشد. نسخه در تملک عالمان بعدی بوده از جمله آنها عطاء الله بن معین الدین سروی است که تاریخ ۸۹۶ در پایان عبارت تملک او در انجامه آمده است. جلد دوم که ابن مخلص کتابت کرده در مدرسه فیضیه به شماره ۳۴ موجود است و تاریخ فراغت از کتابت نسخه یازدهم ربیع الثانی ۷۱۷ آمده است. احتمال دارد که تاریخ اخیر تصحیفی از ۷۱۸ باشد که فهرست نگاران را به خطا خوانده است.^۱

حضور عالم نامور امامی سید ابوالرضا راوندی و ساخت مدرسه مجدییه توسط مجد الدین ابوالقاسم عبیدالله بن فضل بن محمود قاشانی (متوفی روز جمعه ششم جمادی الآخر ۵۳۵) که پس از غاز گزاردن بر پیکر او توسط ابوالرضا در مشهد بارکسرف (مشهد اردهال) به خاک سپرده شد، نقش مهمی در رونق علمی کاشان داشته است. مدرسه اخیر در قرن هفتم همچنان

۱. بنگرید به: السید عبدالعزیز الطباطبائی، مکتبه العلامة الحلی، ص ۱۳۸. شهرری نیز که ظاهراً قطب الدین ابوالحسین سعید بن هبة الله راوندی (متوفی ۵۷۳) در آنجا اقامت داشته، یکی از مراکز علمی شیعه در این دوران است.

پایرجا بوده است و با داشتن به احتمال بسیار موقوفاتی و متولی، امکان تداوم حیات علمی آن را فراهم کرده بود. در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۸۱۹۰ نسخه ای مشتمل بر مجموعه ای کتابت شده در قرن هفتم موجود است که کاتب به نگارش مطالبی در حاشیه نسخه خود در مدرسه مجدی شهر کاشان تصریح کرده است. رساله اول که دفع المضار الكلية عن الابدان الانسانية ابن سینا می باشد در محرم ۶۲۸ و در شهر کاشان با نسخه ای مغلوط مقابله شده است. رساله دوم منهاج البیان فیما یستعمله الانسان از یحیی بن عیسی بن علی بن جزله طبیب مشهور به ابن جزله (متوفی ۴۹۳) است که کتابت آن در روز یکشنبه ۱۵ ذی القعدة ۶۱۵ در نوشاباد کاشان پایان یافته است (فرغت من تحشیه فی الثانی عشر من ربیع الاول سنة ست و عشرين و ستمائة و ذلك ببلدة قاشان فی المدرسة المجدیة - این نام را مرحوم زریاب خویی که گزارشی از نسخه اخیر آورده، الحممدیة خوانده که نباید درست باشد و مراد مدرسه مجدی است - عمرها الله ببقاء بانها و کتبه الحسن بن علی بن الحسن الطیب غفر الله له ذنوبه و ستر عیوبه) و بعد افزوده است: «صَحَّتْ الْفَائِئَةُ مِنْ نَسْخَةِ الْاَصْلِ فِي سَلْخِ جَمَادِي الْاٰخِرَةِ سَنَةِ سِتِّ و عَشْرِيْنَ و سِتْمِائَةِ بِنُوشَابَاذِ عَمَّرَهَا اللهُ بِاَنْبِیْهَا و کتبه الحسن بن علی حامد الله و مصلیاً علی نبیه» (بنگرید به: ابوریحان بیرونی، کتاب الصیدنة فی الطب، به تصحیح و مقدمه و تحشیه عباس زریاب (تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰ ش)، ص سی و شش - سی و نه. با سپاس از دوست گرامی آقای جواد بشری برای معرفی منبع اخیر). حسن بن علی بن حسن طیب جاستی در مدرسه مجدی کاشان در ۱۲ ربیع الاول ۶۲۶ بر آن حواشی نوشته است. همونسخه را در پایان جمادی الثانی ۶۲۶ در نوشاپاد تصحیح کرده است. جاستی بخش ادویه کتاب اخیر را با کتاب الثبات ابوحنیفه دینوری که تصمیم داشته گزیده آن را در پایان بیاورد در همان نوشاباد در دهه نخستین رجب ۶۲۶ مقابله کرده است. جاستی در محرم ۶۳۳ در یادداشتی متذکر شده که علامت «مو» در حاشیه نسخه اشاره به کتاب الموازنة بین العربية و الفارسیة حسن بن حمزة اصفهانی است که وی در حواشی مطالب متعددی از آن نقل کرده است (برای مطالب اخیر به همراه توصیف کاملتری از نسخه بنگرید به: علی اشرف صادقی، «قطعه هایی یاز یافته از کتاب الموازنه حمزة اصفهانی»، نامه ایران باستان، سال دوم،

شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۱ ش، ص ۳-۶۲). جاستی همچنین فوایدی از کتاب عبدالله بن محمد بن عیسی باوردی در ربیع الاول ۶۲۷ در حاشیه نسخه نوشته است. وی در یادداشتی گفته که در صفر ۶۲۷ و هنگام اقامت در شهر کاشان کتاب عبید الله بن جبرائیل در منافع الاعضاء را دیده و بیشتر مطالب آن را بیهوده و تباہ توصیف کرده است. حسین بن حسن طبیب که ظاهراً باید پسر جاستی باشد در ۶۲۰ و اندی - یکانهای آن محوشده - می نویسد که کتاب را مقابله کرده است. در رمضان ۶۳۷ نسخه با نسخه ای که متعلق به امام ظهیرالدین ابوالقاسم بوده، مقابله شده است.^۱

هر چند شواهد روشنی در دست نیست اما باید تولیت آن در دست خاندان ابوالرضا راوندی بوده باشد که خود سرشناس ترین عالم کاشان در روزگار مجدالدین بوده و اعقاب و فرزندان او تا چند قرن بعد نیز در کاشان حضور داشته‌اند.^۲

۱. بنگرید به: محمد تقی دانش پژوه، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران (تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۴ ش)، ج ۱۷، ص ۴۹-۵۰. آخرین اطلاع از مدرسه مجدییه، در قرن یازدهم است که میر تقی کاشانی به اقامت خود در این مدرسه اشاره کرده و نسخه ای نیز به کتابت وی باقی است که او در این مدرسه کتابت نموده است. بخشی از کتاب ذکری الشیعة فی احکام الشریعة به شماره ۱۳۴۸ در کتابخانه مرعشی مشتمل بر کتاب طهارت تا صلاة دیگر اثری است که از تقی الدین در اختیار داریم و او در روز چهارشنبه سه روز مانده به پایان ذی الحجه ۹۸۰ در مدرسه مجدییه کاشان از کتابت آن فراغت حاصل کرده است (... و فرغ من کتابته ضحی یوم الاربعاء لثلاث بقین من ذی الحجة الحرام سنة ثمانین و تسعمائة فی مدرسة المجدیة - ماها الله عن التخریب لسبب فتن اهل الزمان و برع اهل الظلم و الطغیان بحق محمد و آله - و أنا اضعف عباد الله جرماً و اکثر خلق الله جرماً تقی الدین محمد بن شرف الدین علی الحسینی غفر ذنوبهما و ستر عیوبهما بحق محمد و آله اجمعین و سلم تسلیماً کثیراً). بنگرید به: مهدی رحیم پور، «چند نسخه به خط تقی الدین محمد کاشانی صاحب خلاصة الاشعار و زیدة الافکار»، اوراق عتیق، دفتر چهارم، به کوشش سید محمد حسین حکیم (تهران، ۱۳۸۹ ش)، ص ۲۸۹-۳۰۴.

۲. بنگرید به: حسن نراقی، تاریخ اجتماعی کاشان (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵ ش)، ص ۶۴-۶۵. اطلاعات تاریخی چندانی در منابع درباره مدرسه مجدییه و بانی آن نیامده است و بیشترین مطالب دانسته درباره مجدالدین، اشعاری است که سید ابوالرضا راوندی در دیوان خود آورده است. مجدالدین همچنین به تعمیر و بازسازی امام زاده علی بن محمد باقر در بارکسرف که اکنون به مشهد اردهال شهرت دارد، اقدام کرده است (برای بحثی درباره مجدالدین بنگرید به: حسن نراقی، تاریخ اجتماعی کاشان، ص ۵۹-۶۰؛ پرویز رجیبی، کاشان نگین انگشتی تاریخ ایران (تهران: نشر پژواک کیوان، ۱۳۹۰ ش)، ص ۹۴-۱۰۶). اطلاعات آمده درباره مدرسه

اطلاعات آمده در انجامة نسخه‌ها از جهات چندی قابل توجه است. به عنوان مثال بر اساس شواهد مختلف از نسخه‌های کهن آثار سید رضی و سید مرتضی علم الهدی دانسته است که روایت و تداول آثار وی در میان عالمان امامی کاشان اساساً به روایت سید ابوالرضا راوندی که خود سفری در سال ۵۱۱ به بغداد داشته و نسخه‌های مختلف آثار دو برادر را کتابت کرده و اجازه روایت آنها را به سماع از عالمان امامی و غیر امامی به دست اخذ کرده، متداول بوده است. به دیگر سخن نسخه‌های از قضا بسیار کهن آثار سید مرتضی و رضی موجود، اکنون نسخه‌های هستند که از روی نسخه‌های سید ابوالرضا راوندی کتابت شده و نزد او سماع شده که از میان این نسخه‌ها، نسخه‌ای کهن از خصائص الأئمة^۱، نهج البلاغه^۱ و

مجدیه اندک است اما بر اساس انجامة برخی نسخه‌ها می‌توانیم مطالب بیشتری در باب آن بدست بیاوریم. امیر معزی ملک الشعراء دربار سنجر نیز اشارات کوتاهی به مجدالدین کرده است.

۱. سید ابوالرضا راوندی در بیان طریق روایت کتاب خصائص الأئمة به شیخ روایت خود ابوالفتح اسماعیل بن فضل بن احمد بن اخشید سراج اشاره کرده و گفته که او خصائص الأئمة را به روایت ابومظفر عبدالله بن شیب از ابوالفضل خزاعی از سید رضی روایت کرده است. ابوالفتح اسماعیل بن فضل بن احمد بن محمد بن اخشید تاجر اصفهانی معروف به سراج در شب پانزدهم شعبان سال ۴۳۶ دیده به جهان گشود. سمعانی از وی در کتاب التخبیر (ج ۱، ص ۱۰۱-۱۰۴) نام برده و گفته که سراج خود نسخه‌های خطی فراوانی را کتابت کرده و فردی «واسع الروایة» و «موثوقاً به» بوده است. سمعانی خود از سراج اجازه داشته است (کتب إلى الإجازة). وی در رمضان یا شعبان ۵۲۴ درگذشت. همچنین بنگرید به: محمد بن احمد ذهبی، تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر و الأعلام، تحقیق بشار عواد معروف (بیروت: دار الغرب الإسلامي، ۲۰۰۳/۱۴۲۴)، ج ۱۱، ص ۳۹۷-۳۹۸. سراج خود خصائص الأئمة را به روایت ابومظفر عبدالله بن شیب بن عبدالله اصفهانی ضبی مقری (متوفی ۴۵۱) که به عنوان «إمام أصهبان و خطیبها و واعظها و مقرئها» یاد شده روایت کرده است. ضبی کتاب خصائص الأئمة را به روایت ابوالفضل محمد بن جعفر خزاعی از سید رضی روایت کرده است (بنگرید به: ذهبی، تاریخ الإسلام، ج ۱۰، ص ۱۹-۲۰). ابوالفضل محمد بن جعفر بن عبدالکریم خزاعی (متوفی ۴۰۸) مقری نویسنده کتاب الواضح فی القراءات است که یک چندی در بغداد ساکن بوده و بعدها به آمل رفته و در همانجا ساکن شده است (بنگرید به: خطیب بغدادی، تاریخ مدینة السلام، ج ۲، ص ۵۴۱-۵۴۲). اطلاعات اخیر در نسخه بسیار کهن خصائص الأئمة که در کتابخانه رضا شهر رامپور به شماره ۱۱۹۰ آمده است. نسخه اخیر را فردی به نام عبدالجبار ابن الحسین بن ابی القاسم الحاج الفراهانی ساکن در روستای خوجمان بوده، در روز چهارشنبه چهارم شوال ۵۵۳ کتابت کرده است. فراهانی نسخه را نزد ابوالرضا راوندی خوانده و ابوالرضا در صفحه عنوان نسخه اجازه روایت کتاب را به او داده است (قرأ الخصائص علیّ الشیخ رئیس الولد وجیه الدین، فخر العلماء أبوعلی عبدالجبار بن الحسین بن ابی القاسم - دامت نعمتهما - ورویتها له عن شیخی أبی الفتح إسماعیل بن الفضل بن أحمد بن

تلخیص البیان سید رضی و امالی سید مرتضی رامی شناسیم.^۲

الأخشیذ السراج، عن أبی المظفر عبدالله بن شیب، عن أبی الفضل الخزاعی، عن الرضی -رضی الله عنه- و کتب فضل الله بن علی الحسنی أبوالرضا الرواندی فی ذی القعدة، من سنة خمس و خمسين و خمسائة).
 ۱. فهرست نسخه های خطی منتشر شده کتابخانه رضا شهر رامپور توسط امتیاز علی عرشی به صورت بسیار موجز نوشته شده است. نسخه اعلام نهج البلاغه به شماره ۱۱۹۹ و به عنوان نسخه ای کتابت شده از قرن یازدهم معرفی شده و در توضیح بیشتر در خصوص آن گفته شده که شرحی بر نهج البلاغه است که به خطا مؤلف آن علی بن ناصر معاصر مؤلف معرفی شده است که نشان می دهد فهرست نگار شناخت روشنی از علی بن ناصر سرخسی که نامش در نسخه همراه به نام کتاب اعلام نهج البلاغه علی بن ناصر آمده، نداشته است. بنگرید به:

Imtiy AUYAIDYArshD Catalogue of The Arabic Manuscripts in Reza Library (Rampur, 1963), vol.1, pp.632-633.

نسخه کهن نهج البلاغه به شماره ۱۱۹۰، برگ های ۱۸ الف - ۱۶۹ الف که عبد الجبار بن حسین بن ابوالقاسم حاجی فراهانی در ۵۵۳ کتابت کرده و نزد فضل الله بن علی بن عبیدالله حسنی راوندی خوانده نیز در همین مقدار معرفی شده است. بنگرید به:

Imtiy AUYAIDYArshD vol. 1, pp.630-631.

ادامه همین مجموعه ۱۱۹۰، برگ های ۱۷۲ ب - ۲۱۱، همان کاتب خصائص الائمة را کتابت کرده که تنها به تاریخ کتابت آن در ۵۵۳ و نام کاتب یعنی عبد الجبار بن حسین بن ابوالقاسم حاجی فراهانی اشاره شده است. بنگرید به:

Imtiy AUYAIDYArshD Catalogue of The Arabic Manuscripts in Reza Library (Rampur, 1977), vol. 6, pp.146-147.

صفحات میانی و پایانی نسخه ۱۱۹۰ مشتمل بر برخی نکات مهم دیگر نیز هست که مرحوم امتیاز علی عرشی، دقتی به آنها نکرده است. میکروفیلمی از نسخه اخیر در دانشگاه تهران موجود است و مرحوم دانش پژوه به برخی از این موارد اشاره کرده است که اهمیت خاص خود را دارد و اطلاعات جالب توجهی در خصوص کاشان و توجه عالمان آن به موارث کهن امامیه دارد و گاه اشعار فارسی نیز در این میان آمده است. بنگرید به: محمد تقی دانش پژوه، فهرست میکروفیلم های کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران (تهران، ۱۳۶۳ ش)، ج ۳، ص ۱۲۶-۱۲۸. در گذشته هنگامی که دانشگاه تهران میکروفیلم های از کتابخانه ها درخواست می کرد، هنگام دریافت تمام آنها را در کنار هم قرار می داده اند، از این رو مجموعه اخیر مشتمل بر برخی سفارش های از کتابخانه رضا رامپور است و مشتمل بر چند نسخه با شماره های مختلف است. با تشکر از دوست گرامی آقای دکتر جواد بشری که این مطلب را متذکر شدند چرا که برای من عجیب بود مجموعه معرفی شده تاریخ کتابتهای دارد که از قرون مختلف است.

۲. در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۵۴۷۰ مجموعه ای مشتمل بر چهار اثر به نام های الکشف و نکت المعانی و الاعراب و علل القراءات از علی بن حسین باقولی مشهور به جامع العلوم (متوفی ۵۴۳)؛ الوجوه و

النظار ابو هلال حسن بن عبدالله عسکری؛ تلخیص البیان فی مجاز القرآن شریف رضی (متوفی ۴۰۶) و الاستدراک علی کتاب الحجۃ از جامع العلوم در دست است که محمد بن حسن بن محمد حافظ رهقی کتابت کرده است. وی کتاب نخست را در روز جمعه نیمه شوال ۵۴۲ در آبه، کتاب دوم را در دهه آخر ربیع الاول ۵۴۷ در همان آبه و کتاب سوم را در روز جمعه ۲۹ رجب ۵۴۷ کتابت کرده است. وی کتاب سوم را بعدها با نسخه‌هایی که از آن سید ضیاء الدین تاج الاسلام ابوالرضا فضل الله بن علی بن عبدالله حسنی راوندی بوده در شهر راوند در سلخ جمادی الآخرة ۵۶۴ مقابله کرده است (قابلت هذه النسخة بالأصل الذي كان لمولانا الأمير السيد الإمام الأجل، العالم الزاهد، ضياء الدين، تاج الإسلام، أبي الرضا فضل الله بن علي بن عبد الله الحسني الراوندي دامت أيامه، بمدينة اندوزوهي قاسان، في سلخ جمادی الآخرة سنة أربع وستين و خمسمائة حامداً مصلياً. بنگرید به: السيد عبدالعزيز الطباطبائي، «المتبقي من مخطوطات نهج البلاغة حتى نهاية القرن الثامن»، ص ۴۷) در چند جای نسخه تملک مالک بعدی با امضاء «صاحبه و مالکه العبد مطهر بن اسحاق بن موفق بن محمد الحموی اصلح الله شأنه» آمده است. تصویری از این مجموعه به شماره ۱۵۱ در مرکز احیاء میراث اسلامی نیز موجود است (بنگرید به: سید جعفر حسینی اشکوری و سید صادق حسینی اشکوری، فهرست نسخه های عکسی مرکز احیاء میراث اسلامی (قم، ۱۳۷۷ش/۱۴۱۹)، ج ۱، ص ۱۶۹-۱۷۱). آثار سید مرتضی و شریف رضی در مراکز علمی دیگر ایران چون نیشابور کاملاً شناخته شده بوده است. به عنوان مثال یکی از عالمان زیدی نیشابور نقدی محترمانه بر کتاب المنقح سید مرتضی در مسئله اعتقاد به امام عصر عجل الله فرجه نوشته است که نسخه مهمی از آن باقی مانده است. در مکتبه الغریبه جامع کبیر صنعاء مجموعه ۳۱۸۹، توسط خود مرتضی بن سراهنگ حسینی مرعشی کتابت شده، مشتمل بر چند اثر است که عبارتند از: النقض المکتفی علی من یقول بالإمام المختفی از ابوالقاسم محمد بن احمد بن مهدی حسنی؛ شرح حال حکم؛ کتابی در علم فرائض از عبدالعزیز بن عبدالجبار کوفی؛ فوائد مختلف و اشعار و پایان آن کتاب فی الصرف به زبان فارسی از ابوبکر عتیق بن محمد نیشابوری (متوفی ۴۹۴) نویسنده تفسیر مشهور سورآبادی (بنگرید به: فهرس المخطوطات الیمینیه لدار المخطوطات و المکتبه الغریبه بالجامع الکبیر صنعاء، ج ۲، ص ۱۸۴۶). مجموعه اخیر توسط مرتضی بن سراهنگ در سال ۶۰۵ هنگام تحصیل یا حضور وی در نیشابور کتابت شده است. وی در انجامة کتاب النقض المکتفی نوشته است: «تمت الرسالة بتوفیق الله و عونہ ببلدة شاذیباخ عمرها الله فی مدرسة السيد الإمام مجد الدين يحيى بن إسماعيل الحسيني - قدس الله روحه - سابع من جمادی الأولى سنة خمس ستمائة (كذا) علی يد العبد المذنب المرتضى بن سراهنگ الحسيني الرازي تجاوز الله عن سيئاته كتبه حامداً لله عزوجل علی الآله و مصلياً علی محمد خير أنبيائه و علی آله و أصحابه». این مطلب که مرتضی بن سراهنگ از خود به رازی یاد کرده نشان از تولد و اقامت او در شهر ری دارد و از سوی دیگر نشانگر آن است که وی پیش از ۶۰۵ به نیشابور رفته و در مدرسه عالم زیدی مجد الدین یحیی بن اسماعیل حسینی اقامت داشته است. کتاب النقض المکتفی که وی کتابت کرده، ردیه ای بر کتاب المنقح سید مرتضی است که محمد بن احمد حسنی از شاگردان امام زیدی ابوطالب هارونی (متوفی ۴۲۴) تألیف کرده است. در صفحه عنوان رساله النقض المکتفی نیز مطالبی آمده که اهمیت تاریخی دارد (النقض المکتفی علی من یقول بالإمام المختفی عن السيد الإمام أبي القاسم محمد بن أحمد بن المهدي الحسني سقى الله ثراه و طيب مثواه؛ مالکه العبد... أعانہ الله علی حفظ معانیه و غفر له و لوالديه آمين. الحسيني المرعشي الرازي تاب الله عليه

سید ابوالرضا راوندی پیش از ۵۱۱ سفری به بغداد داشته و در آنجا ضمن دیدار با برخی عالمان، نسخه های مختلف و اصل آثار سید مرتضی و شریف رضی را کتابت کرده و با خود به اصفهان آورده است. مطلب اخیر در ضمن شرح حال وی نیامده اما بر اساس اطلاعاتی که در انجامة چند نسخه کهن نهج البلاغه آمده، قابل بیان است. احمد بن ابوطالب بلکوبن ابی طالب ابن علی آوی از شاگردان علامه حلی، در اصفهان و به سال ۷۲۳ نسخه ای از نهج البلاغه یافته که سید ابوالرضا راوندی در سال ۵۱۱ آن را از روی نسخه اصل که علی القاعده باید در بغداد بوده باشد، کتابت کرده است. نسخه اخیر اساس کتابت چند نسخه دیگر نهج البلاغه بوده و اطلاع اخیر در انجامة آنها تکرار شده است از جمله نسخه ۲۷۳ و ۴۱۶۱ کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی که هر دو کتابتی از نسخه ابن بلکوهستند.^۱ در پایان نسخه ۲۷۳

بتاریخ منتصف ربیع الآخر سنة خمس ستمائة (کذا) بحضرة شاذیخ حامد آلر به و مصلياً علی نبیه خاتم الأنبياء و علی آله و أصحابه). مرتضی بن سراهنگ مرعشی حسینی رازی در سال ۶۲۴ به مین رفته و در آنجا با یکی از دختران امام زیدی المنصور بالله عبدالله بن حمزه ازدواج کرده و تا آخر عمر در همانجا اقامت داشته و در گذشته است. بنگرید به: محمد کاظم رحمتی، چند جستار در تاریخ فرهنگی زیدیان طبرستان (تهران: شب افروز ۱۳۹۴ش)، ص ۷۸-۷۹.

۱. بنگرید به: الذریعة، ج ۱۴، ص ۱۴۳-۱۴۴. متأسفانه در معرفی نسخه های مذکور در فهرست کتابخانه تاریخ ۵۱۱ که سید ابوالرضا راوندی در آن زمان از کتابت نسخه نهج البلاغه فراغت حاصل کرده، از قلم افتاده است. بنگرید به: سید احمد حسینی، فهرست نسخه های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیه الله العظمی نجفی مرعشی مدظله العالی (قم، ۱۳۵۴ش/۱۳۹۵)، ج ۱، ص ۳۰۲-۳۰۳؛ همو، فهرست نسخه های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیه الله العظمی نجفی مرعشی مدظله العالی (قم، ۱۳۶۴ش)، ج ۱۱، ص ۱۷۴. مشکل ذکر عدم اشاره فهرستگذاران به مطالب مختلف در انجامة هنگام معرفی نسخه های خطی نهج البلاغه باعث می شود که جز با رویت نسخه نتوان درباره اهمیت آنها سخن گفت. برای مثال بنگرید به نسخه های مختلف نهج البلاغه موجود در موزه عراق (المتحف العراقي) که به صورت بسیار موجز در فهرست معرفی شده اند. بنگرید به: اسامة نقشبندی و ظیماء عباس، مخطوطات الأدب فی المتحف العراقي (کویت: ۱۴۰۶/۱۹۸۵)، ص ۶۴۲-۶۴۵. نسخه ۲۶۱۹۶ نهج البلاغه متحف عراقی نیز بر اساس نسخه ابن بلکوکتابت شده باشد و پیشتر در تملک حسین علی محفوظ بوده و گزارش تفصیلی از آن را سید محمد حسین حسینی جلالی در کتاب دراسته حول نهج البلاغه، ص ۹۷-۱۰۱ آورده است. نسخه شماره ۳۷۸۴ که محمد بن حسن بن محمد بن عباس قبی در ۵۵۶ کتابت کرده و بعد ها آن را بر فضل الله بن علی حسینی در ۵۷۱ خوانده از نسخه های مهم نهج البلاغه است که در این فهرست معرفی شده است.

عبارت کاتب در انجامه چنین است:

«صورة خاتمة المنتسخ: وفرغ من تحریر هذه النسخة ابوالفتوح احمد بن ابی عبد الله بلکوبن ابی طالب الآبی باصفهان سادس شهر جمادی الاولی من ثلاث و عشرين و سبعمائة حامداً لله تعالی و مصلياً علی سیدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين و سلم تسليمياً كثيراً رب اختتم بالحسنى و قد انتسخت هذه النسخة من نسخة صحيحة هی خط السعيد المغفور فرید عصره و وحیده دهره السيد الامام ضياء الدين ابی الرضا فضل الله بن علی بن عبید الله بن محمد الحسنى الراوندی تغمده الله برحمته نسخها فی سلخ ربيع الاول سنة احدى عشر و خمسمائة من نسخة هی خط السيد الاجل ذی المفاخر و المعالی ذی الحسین ابی الحسن محمد بن طاهر الاوحد ذی المناقب ابی احمد الحسین بن بن موسی بن محمد بن موسی بن ابراهیم بن ابی ابراهیم موسی الکاظم الموسوی جامع الکتاب رضی الله عنه و وصى الله علی آباءه الطيبين الطاهرين و سلم تسليمياً كثيراً قد فرغ من تحريره و تنميقة بعون الله و توفيقه اقل المخلوقين عبادة و اکثرهم معصية و اخفضهم قدراً و منزلة و اقبحهم آثاراً و اشنعهم افعالاً المحتاج الی عفوریه ابن محمد شفیع محمد صادق الیزدی جعله ذخرآله و غفرله و لوالديه...».

نسخه کهنی از نهج البلاغه نیز در کتابخانه رضا در شهر رامپور به شماره ۱۱۹۰ (برگ های ۸ الف - ۱۶۹ الف) موجود است که در ۵۵۳ توسط عبد الجبار بن حسین بن ابی القاسم حاجی فراهانی زمانی که سید ابوالرضا راوندی برای استراحت به روستای جوشقان رفته، از روی نسخه وی کتابت شده جز آنکه در این نسخه، کاتب اشاره ای به اینکه نسخه اساس کتابت او که نسخه نهج البلاغه همراه ابوالرضا بوده، در چه سالی یا از روی کدام نسخه کتابت شده، نکرده اما مشخص است که نسخه اساس کتابت همان نسخه ای باید باشد که ابوالرضا در سال ۵۱۱ در بغداد از روی نسخه اصل کتابت کرده است. نسخه موجود ۱۱۹۰ در کتابخانه رضا مشتمل بر کتاب خصائص الأئمة نیز هست (برگ های ۱۷۲ ب - ۲۱۱).^۱ اعقاب سید

۱. همچنین بنگرید به: السيد عبدالعزیز الطباطبائی، «المتبقی من مخطوطات نهج البلاغه حتی نهاية القرن الثامن»، تراننا، السنة الأولى، ۱۴۰۶، ص ۴۳-۴۴، ۷۱. در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۸۳۴۴ نسخه ای کهن و کتابت شده از نهج البلاغه در رجب ۶۶۰ موجود است که کاتب نام خود را ابو جعفر محمد بن

ابوالرضا راوندی باید نسخهٔ اخیر و کتابخانهٔ او را همچنان در اختیار داشته اند و دانسته است که نوۀ دختری او، یعنی حسن بن محمد بن عبدالله بن علی جعفری حسینی در ۶۳۱ از کتابت نسخه‌ای از نهج البلاغه فراغت حاصل کرده است که علی القاعدهٔ و به احتمال بسیار باید کتابتی از همان نسخهٔ جدش ابوالرضا راوندی باشد.^۱

بعد از خصائص الائمهٔ در برخی صفحات نسخه مطالب دیگری نیز توسط کاتب نسخه آمده است. مثلاً شعری که بر دیوار رباطی بیرون شهر کاشان نوشته شده: «قرأت علی جدار فی الرباط خارج مدینة قاشان:

گر عدل کند شوم به یک باره هلاک	گر عفو کند ندارم از عالم پاک
مشتی خاکم چی آید از مشتی خاک	روزی صدره بگویم ای صانع پاک
چون بیم شما راست فراموشی به	چون پر خطر است راه درویشی به
چون ننیوشند حدیث خاموشی به	چون کار به قسمت است کم کوشی به

همچنین الرسالة الاهوازیه فی مکارم الاخلاق با سلسله سندی متصل این گونه نقل شده است: «رسالة لمولانا ابی عبدالله جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام الی عبدالله بن النجاشی رحمه الله فی مکارم الاخلاق، بسمله؛ روی الشیخ العدل محمد بن یعقوب رحمه الله

محمد بن ابی نصر بن محمد بن علی معرفی کرده و مرحوم سید عبدالعزیز طباطبائی معتقد است که وی به احتمال بسیار زین الدین ابوجعفر محمد بن ابی نصر بن محمد بن علی قمی شاگرد سید ابوالرضا راوندی است. بنگرید به: «المتبقی من مخطوطات نهج البلاغه حتی نهاية القرن الثامن»، ص ۷۹. نسخهٔ ۱۱۹۰ کتابخانهٔ رامپور همچنین اطلاعاتی دربارهٔ کاشان قرن ششم دارد.

۱. افندی (ریاض العلماء، ج ۴، ص ۳۶۴-۳۷۴) شرح حال نسبتاً مبسوط ابوالرضا راوندی را آورده اما تصریح روشنی به نقش مهم وی در روایت آثار شریف رضی و سید مرتضی و یا سفر راوندی به بغداد در ۵۱۱ نکرده است. تفتظ به سفر راوندی به بغداد از نکات مورد اشارهٔ مرحوم سید عبدالعزیز طباطبائی است (بنگرید به: همو، «نهج البلاغه عبر القرون: شروحه حسب التسلسل الزمني»، تراثنا، سال نهم، ربیع الثانی - رمضان ۱۴۱۴، شمارهٔ دوم و سوم، ص ۱۶۰، ۱۷۱). افندی نسخه‌ای از نهج البلاغه دیده که اجازه ای بر آن بوده و افندی آنچه که از متن اجازه قابل خواندن بوده، آورده است. افندی معتقد است که اجازه را ابوالرضا راوندی داده و کاتب نسخه به درستی نام او را نخوانده و ابوالفضل ذکر شده بد خوانی از ابوالرضا است. بنگرید به: افندی، ریاض العلماء، ج ۴، ص ۲۹۲-۲۹۳، ۳۶۸.

قال انا محمد بن جعفر الاسدی رحمه الله .. ما بنداد قال انا ادريس بن زياد عن عبيد الله بن سليمان النوفلي البصري قال كنت عند ابي عبد الله عليه السلام فاذا انا بجمولى عبد الله بن النجاشي ورد عليه بكتابه فسلم عليه واوصل الكتاب ففضه...». رسالة اهوازیه در روز پنجشنبه چهاردهم محرم ۵۴۴ در مسجد جامع کاشان توسط همان خوجمانی کتابت شده است (.. و فرغ من کتبه يوم رابع العشرين محرم سنة اربع و خمسين و خمس مائة فى المسجد الجامع بقاسان عمرها الله ببقاء مولانا الامير الاجل السيد العابد الزاهد ضياء الدين تاج الاسلام سلطان العلماء ابي الرضا فضل الله بن على بن عبيد الله الحسنی الراوندی اطال الله بقاءه و ادام رفعتہ داعیاً له بالخیر). در پایان آن نیز آمده است: حدثنا الشيخ الحافظ حاکم الدين زين الحفاظ خادم حديث رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ابو عبد الله النطنزي - ادام الله نعمائه - املاء فى المسجد الجامع بقاسان يوم الاربعاء العشرين من جمادى الاول سنة ... مائة قال اخبرني القاضي اسفنديار بن رستم الغازي فيما قرأت عليه قال نام ابوالرجاء بندار بن باني (؟) قال انا ابوسعيد الحسين بن على بن سهلان...» و در پایان اشعاری از شخصی که ابوالرضا راوندی برای کاتب نسخه خوانده است (انشدنی مولانا الامام ضياء الدين ادام الله ظله لغيره...). نسخه بعدها در تملک شخصی به نام ابوعبدالله اصفهانی در ۸۶۶ بوده است. در پایان نهج البلاغه نیز شعرهای عربی ناصح الدين ابوجعفر محمد حافظ آمده است: «للاخ ناصح الدين ابي جعفر محمد انشدني الحافظ:

الموت لا ولادا يبقی ولا ولادا هذا السبيل الى ان لا ترى ابنا
للموت فينا سهام غير مخطئة من فاته اليوم سهم لم يفته غدا

ترجمتها:

بسیار مگود لا کی سوذی نکند و ر جهه کی بسی نموذی نکند
چون جان تو صد هزار برهم نهد او و آتش زند اندر آن کی دودی نکند».

سپس شعرابن نباته از روی نوشته ضیاء الدین تاج الاسلام دربارهٔ وداع ماه رمضان^۱ در قرن هشتم تا آغاز قرن دهم، استرآباد - گرگان کنونی - به عنوان یکی از مراکز مهم علمی شیعیان ایران است و عالمان فراوانی از این شهر می شناسیم که به جبل عامل و عراق عرب مهاجرت کرده و پس از تحصیل علم به شهر وزادگاه خود بازگشته اند. اطلاعات فراوانی در خصوص مراکز گفته شده در انجامهٔ نسخه های خطی آمده که استخراج و بررسی آنها کاری است لازم و ضروری. تحلیل و بررسی چنین مسائلی در نبود اثری تاریخنگاران یا تاریخ نگاری های محلی مربوط به شهرهای مذکور یا وجود تحریرهای ناقص از آثار تاریخی محلی چون نسخهٔ ناقص تاریخ قم از شیعیان امامی منطقهٔ عراق عجم برای محققان بسیار مغتنم است. به عنوان مثال دربارهٔ برخی از افراد خاندان فتحان قبی که نامشان در انجامه یا تملک نسخه های خطی آمده، می توان به این موارد اشاره کرد که نشانگر علائق فکری آنها نیز می باشد:

در کتابخانهٔ مدرسهٔ جعفریهٔ شهر قائن به شمارهٔ ۱۵۲ نسخه ای از کتاب شرح طوابع الانوار موجود است که تملک ابراهیم بن عبدالله بن فتح الله به سال ۸۹۶ با مهر دائری «المتوکل علی الله الحافظ عبده ابراهیم بن عبدالله الواعظ» دارد و او کتاب را بعدها به نوهٔ خود وجیه الدین ابی العلاء عبدالله در صفر ۹۲۸ بخشیده است (هو؛ هذا الكتاب حق للأعز الاغر الذی اسئل الله ان يطول عمره فی تحصیل الكمالات و المعارف و السعادات و وجیه الدین ابی العلاء عبدالله انبته الله نباتاً حسناً و ایده ب محمد و اله ... له کتبه جده ابراهیم فی صفر سنة ۹۲۸). ابراهیم بن عبدالله در سال ۸۹۶ کتاب را بدست آورده و در تملکی چنین نوشته است: «دخل فی نوبة الفقیر الی الله سبحانه ابراهیم بن عبدالله بن فتح الله کتبه فی سنة ۸۹۶». بنگرید به: سید جعفر حسینی اشکوری، فهرست نسخه های خطی کتابخانه های قائن، ص ۱۳۲-۱۳۳ که تصویری از صفحه تملکات نسخه نیز آمده است. این کتاب بعدها به دست شخصی به نام سلطان محمود قاینی افتاده است (انتقل الی العبد الاقل سلطان محمود القائینی).

۱. بنگرید به: محمد تقی دانش پژوه، فهرست میکروفیلم های کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران (تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۳ش)، ج ۳، ص ۱۲۶-۱۲۸. از دوست گرامی آقای دکتر جواد بشری که میکروفیلم این نسخه را در اختیارم قرار داد، سپاسگزارم.

نسخه ای از مجمع البیان به شماره ۳۲۹۷ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است که ابراهیم بن عبدالله بن فتح الله بن عبدالملک بن اسحاق بن عبدالملک واعظ کتابت کرده و در روز دوشنبه هشتم جمادی الثانی ۹۲۰ از استنساخ آن فراغت حال کرده و مهر وی با سجع «المتوکل علی الله الحافظ عبده ابراهیم بن عبدالله الواعظ» نیز بر آن هست (فهرست مرعشی، ج ۹، ص ۷۹). خاندان فتحان از خاندان های اصیل و بیوتات قم در میان استیلای مغول تا اوایل عصر صفوی است که دانشمندانی از آن برخاسته اند که از جمله نیای خاندان فتحان (فتح الله در تعبیر متداول قمی که به صورت فتحان تلفظ می شود) واعظ قمی که نامشان در شماری از اجازات و تملکات باقی مانده است. بنگرید به: سید حسین مدرسی طباطبائی، «خاندان فتحان»، قیام (مجموع مقالات درباره قم) (نیوجرسی، انتشارات زاگرس، ۱۳۸۶ش)، ص ۷-۳۶ و ذیل مقاله مذکور با عنوان «مدارک نویافته درباره خاندان فتحان» در همان، ص ۳۷-۴۸. ابراهیم فرزندی به نام محمد داشته که تملک او بر در آغاز نسخه ایضاح فخر المحققین در دانشگاه تهران شماره ۵۲۳۷ آمده است (دخل فی نوبة العبد الأقل محمد بن ابراهیم بن عبدالله بن فتح الله بن عبدالملک بن اسحق المذكور من قبل، حرره متوکلاً علی ربه). نسخه ای کهن از کتاب روض الجنان / تفسیر ابوالفتح رازی به شماره ۳۶۸ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است که زمانی در تملک شمس الدین اسحاق بن عبدالملک بن فتحان بوده و دست خط او به تاریخ صفر ۷۷۳ بر نسخه آمده است (صار فی نوبة العبد الحافظ اسحق بن عبدالملک (بن) فتحان الواعظ احسن الله عواقبه (بالمبايعة) الشرعية من صاحبه فی ص... ثلاث و سبعین و سبعمائة الحمد لله رب العالمین). در حاشیه برگ تملک آمده که در سال ۷۷۳ شمس الدین اسحاق برای زیارت آستان قدس رضوی عاشقاً به خراسان رفته و در سبزوار نزد دانشمند شهر یعنی تاج الدین حسن شیعی سبزواری نسخه حاضر را دیده و از او خریداری کرده است. نسخه اخیر در تملک خانوادگی آنها بوده و بخشی از عبارت در خصوص تملک نسخه که سالم مانده، چنین است:

«هو واهب العطايا مما اعطاني جلّ جلاله و عمّ نواله ذلك الكتاب المبارك بالارث الشرعی و فيه خط ... اشتری ... شمس الدین إسحق المذكور اسمه و اسم ابيه و جده رحمهم الله تعالی

هذا الكتاب من مولانا الاعظم المغفور تاج الدين حسن الشيعي السبزواري رحمه الله بالمبايعة الشرعية... بلدة سبزواري حماها الله مع اهلها عن الآثام والاوزار حين توجه الى زيارة الحضرة المقدسة الرضوية عليه اطياب السلام والصلوة من الله الملك العلام في صفر سنة ثلث و سبعين و سبعمائة كما كتب بانامله الشريفة، ثم انتقل الى ابنه المخدوم العلامة المبرور رضی الدين عبد الملك طاب ثراه، ثم انتقل منه الى ابنه المرحوم العلامة المغفور علاء الدين فتح الله جعل الجنة مثواه ثم انتقل منه الى العبد المذنب المفتقر الى رحمة الله عبد الله ثم انتقل منه الى ابنه الاعز رضی الدين ابراهيم طالب الله عمره بمحمد وآله ثم انتقل الى ابنه الاعز علاء الدين اسحاق... طال عمره...».

کاتب نسخه روض الجنان ابوسعید بن الحسین الکاتب بیهقی است که در روز یکشنبه ۱۲ صفر ۵۹۵ از کتابت نسخه فراغت حاصل کرده است. برای معرفی نسخه بنگرید به: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیه الله مرعشی، ج ۱، ص ۳۸۸-۳۸۹^۱.

۱. علما امامی و شیعیان در طول تاریخ به مشهد سفر می کرده اند و مدتی را در آنجا اقامت می گزیده اند جز آنکه اطلاعات مربوط به سفر به مشهد در منابع کمتر ثبت شده است اما در حواشی نسخه های خطی می توان اطلاعاتی در این خصوص یافت. به عنوان مثال در کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۵۴۷۷ نسخه ای از کتاب مجموعه ورام است که کاتب عاملی آن در آخر آن گفته است:

«تم الكتاب بعون الملك الوهاب بقلم العبد الفقير الى الله تعالى حسن بن محمد العاملي التبنيني ضحوة نهار السبت الثاني والعشرين من شهر ربيع الآخر من شهور سنة ثلاثة وثمانين وتسعمائة بالمشهد الرضوي على مشرفه افضل الصلاة والتسليم بحق محمد وآله الطيبين الطاهرين». درباره مکان های مذهبی مشهور در برخی شهرهای ایران به نام چهل اختران یا چهل دختران چون مزار موجود در شهر قم، گلپایگان و یا کاشان (که به چهل دختران مشهور است. بنگرید به: پرویز رجبی، کاشان نگین انگشتی تاریخ ایران، ص ۱۶۵-۱۶۷) به نحو دقیق نمی توان اظهار نظر کرد، چرا که اسناد تاریخی درباره این امکان وجود ندارد. یک احتمال ضعیف آن است که مزارهای مذکور مربوط به اعراب مسلمان قرن اول باشد که در جریان فتوحات شهرهای ایران در همان مناطق کشته شده اند و به خاک سپرده شده اند. می دانیم که چنین مزاراتی سخت مورد توجه بوده اند و به عنوان مزاراتی مقدس مورد زیارت قرار می گرفته اند. بعدها و در پی تحولات مذهبی ایران از تسنن به تشیع، مقامات مذکور با تغییر یافتن هویت تاریخی همچنان مورد توجه باقی مانده اند. در شهر نیشابور، محله ای به نام شاهنبریا شهید انبار وجود داشته که سمعانی (متوفی ۵۶۲) آنرا مکان دفن گروهی از عززات مسلمان دانسته است که در جریان فتح نیشابور به قتل رسیده بودند (بنگرید به: سمعانی، الانساب، تحقیق عبد الله عمر بارودی (بیروت: دار الجنان، ۱۴۰۸/۱۹۸۸)، ج ۳، ص ۳۹۳). مکان های مشهور به چهل اختران یا چهل دختران که باید اختران

کاستی‌های موجود در سنت تراجم نگاری و البته متأخر بودن آن در مواردی با مراجعه به نسخه‌های خطی قابل جبران است. به عنوان مثال درباره عالم برجسته شیعی تاج الدین جعفر بن محمد بن حمزه فوعی (متوفی ۹۲۷) از سادات بنوزهره حلب اطلاعات موجود در کتابهای تراجم اندک و حتی نام درست وی «جعفر» نیز ذکر نشده و او به صورت تاج الدین محمد بن حمزه بن جعفر بن زهره فوعی حلبی معرفی شده است. خوشبختانه اجازه ای بلند از او نیز در دست است که در آن برخی طرق روایی خود را نیز متذکر شده است. حافظ حسین کربلائی در اشاره به تاج الدین حلبی به عنوان یکی از مشایخ اجازه سید شهاب الدین عبدالله بن احمد حسینی مشهور به لاله (متوفی ۹۴۷) نوشته است:

«و همچنین بخدمت سیادت پناه، نقابت دستگاه، العالم العامل الکامل النسابة تاج الدین الحلبي - روح الله - روحه - مشرف گشته اند که مشارالیه از طبقه سادات معتبر عالمند و در علوم نیز رتبه عالی داشته خصوصاً عربیت و منقولات و از علم نسب و فقه و احادیث و ادعیه بطریق اهل بیت طاهرین، كما ورد فی شأنهم فی کتاب العزیز: ﴿انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً﴾ (احزاب ۳۳) گذرانیده و سیادت پناه مشارالیه جهت خدام حضرت امیر شهاب الدین عبدالله - رحمه الله - بعضی از ادعیه و احراز و حجب حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و حضرات ائمه اثنی عشر علیهم السلام نوشته اند و در آخر به تقریب کتابت آنها اجازه نوشته اند و در نوشتن آن کمال ادب را مرعی داشته اند، تیمناً و تبرکاً آن اجازه را نیز می نویسد، والله الموفق والمعین.

«تمت الاحراز و الحجب و الادعیه للنبی المختار و الائمة الاطهار - صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین الی یوم الدین - بکرة نهار الجمعة المبارکة فی الیوم العشرین من شهر شوال المیمون سنة اثنی عشر و تسعمائة بمدينة تبریز المحروسة و کتبت تذکرة للدعاء و تیمناً و تبرکاً و تشرافاً برسم المولی المعظم المکرّم و الاکرم المقدم الاقدم، السید السند و الکهف المعتمد، ملاذ العلماء، مرجع الفضلاء، کنز الفقراء،... ابی العباس احمد... ابن السید المرحوم المبرور... ابن السید الحسیب

تبدیل دیگری در گذر زمان از دختران باشد، گاه به عنوان مزار سادات شناخته می شود. باید توجه داشت که به دلیل نبود سند روشن تاریخی گمان ذکر شده تنها در حد حدسی است که بیان شد.

النسیب، شمس الدین محمد... أبی ابراهیم موسی کاظم علیه السلام ...

أقول: ان هذه الاحراز والحجب والدعوات النبوية والامامية يحتاج صاحبها الى الاجازة من العلماء لأنها مشتملة على أحاديث وروایات مثبتة في كتب الاحاديث والاختبار والروایات متصلة رواها بالائمة السادات، منتبهة الى الحضرة المحمدية صلوات الله وسلامه عليها... أنى قد أجزت لسيدنا المشار اليه جميع هذه الاحاديث.. بجمع طرقى الى الائمة الهدى... وطرقى اليهم كثيرة لا يحتمل هذه النبذة حصرها ولكن أذكر منها طرفاً مختصرة. فن طرقى الى الشيخ السعيد أبى عبدالله الشهيد شمس الدین محمد بن مكى - قدس الله سره - عنى عن الشيخ زين الدين على عن الزردباوى عن الشيخ الشهيد المشار اليه ومن طرقى عنى عن والدى جدى عن الشيخ الشهيد - مراد از والدى جدى محمد بن محمد بن عبدالمحسن بن زهرة فوعى است - عن الشيخ الشهيد ومن طرقى عنى عن الشيخ عزالدین حسين بن عبدالعالى - ظاهراً مراد محقق كركى است - عن والده - شاهدى مهم براينكه پدر محقق كركى از اهل علم بوده است - عن جده عن الشيخ الشهيد....

قال ذلك جميعه وكتب تاج الدين بن محمد بن حمزة بن عبدالله بن محمد ابن محمد بن عبدالمحسن بن الحسن بن زهرة بن الحسن بن حمزة بن على بن زهرة ابن على بن محمد بن محمد بن أحمد بن محمد بن الحسين بن اسحاق المؤمن ابن الامام أبى عبدالله جعفر الصادق... الاسحاقى الحسينى النقيب النسابة الحلبى (...).

مرحوم آقا بزرگ مجموعه اى مشتمل بر مفتاح كنوز الاسماء والذخائر از شهاب الدين احمد بن هلال عارف رادیده كه تاج الدين جعفر بن محمد بن حمزة بن حسينى فوعى در پگاه (بكرة) روز دوشنبه سوم رجب ۸۹۲ از كتابت آن فراغت حاصل کرده ومشتمل بر شرح

۱. بنگريد به: حافظ حسين كربلائى، روضات الجنان و جنات الجنان، با مقدمه، تكملة تصحيح و تعليق جعفر سلطان القرائى (تبريز، ۱۳۸۳ ش)، ج ۲، ص ۱۹۲-۱۹۵. مصحح مرحوم در بيان طريق تاج الدين به شهيد اول از آياتش (ومن طرقى عنى عن والدى جدى) تغييرى داده وأن رابه صورت «ومن طرقى عنى عن والدى عن جدى عن الشيخ الشهيد»، تصحيح کرده اند كه باتوجه به آنكه سيد شمس الدين ابو عبدالله محمد بن محمد بن زهره حسينى حلبى شاگرد شهيد بوده و در دوازدهم شعبان ۷۵۷ از او اجازه گرفته، عبارت همانگونه كه در اصل بود، نوشته شد.

بیتی از قصیده بوضیری از همان شهاب الدین نیز بوده که تاج الدین جعفر در همان سال کتابت کرده است (الذریعة، ج ۱۳، ص ۱۲۸-۱۲۹، ج ۲۱، ص ۳۴۴؛ طبقات اعلام الشيعة: الضياء اللامع فی القرن التاسع، ص ۱۲۹ که در هر دو نام او به خط تاج الدین محمد بن حمزة بن زهرة حسینی فوعی آمده است. نسخه ای را که مرحوم آقابزرگ در نجف دیده، سید محسن امین نیز در اعیان الشيعة، ج ۳، ص ۲۰۰، نیز دیده امانام را به صورت صحیح تاج الدین جعفر بن محمد بن حمزة حسینی فوعی آورده است). وی تاج الدین جعفر بن محمد بن حمزة بن عبدالله بن محمد بن محمد بن عبدالمحسن بن الحسن بن زهرة بن الحسن بن عزالدین ابی المکارم حمزة الحسینی است که شرح حال وی را ابن حنبلی در در الحبيب چنین آورده است:

«الإسحاقی الحلبي، ثم الفوعی - عم جدی لأمی - القاضی شهاب الدین أحمد المتقدم ذكره كان شيخاً كبيراً معمرأً رحل إلى بلاد العجم، وحصل بها جانباً من العلم والمال وبقى بها غائباً قريباً من سبع عشرة سنة وعنى بعلم الأنساب، فكان نسبة عارفاً بها جداً، يدعى أن عنده كتاب مسمى ببحر الأنساب على تشيع عنده به. وكان لأهل الفوعة فيه مزيد الاعتقاد حتى انتصبوا معه لعداوة خالی الشریف شرف الدین عبدالله - الآئی ذكره - وكادوا يقتلونه ولما عاد من بلاد العجم حسن عند خالی أن يتوجه إليه ويسلم عليه ففعل، فادنا خالی منه في ملاء عظیم من أهل الفوعة مديده إلى عمامته فنقضها وحقره فيما بينهم، وسلط عليه من واجهوه بالسيوف نهراً فلم يمكنه الله تعالى عنه ثم كانت وفاته سنة سبع وعشرين وتسعمائة». ابن حنبلی، در الحبيب فی تاریخ أعيان الحلب، ج ۱، قسم اول، ص ۴۰۹-۴۱۰ (محمد راغب طبابخ حلبی در کتاب اعلام النبلاء بتاریخ حلب الشهباء، صححه وعلق عليه محمد کمال (حلب: دار القم العربي، ۱۴۰۹/۱۹۸۹)، ج ۵، ص ۴۰۱ در شرح حال تاج الدین جعفر تنها همان مطالب ابن حنبلی را آورده است).

تاج الدین جعفر بن محمد فوعی در سال ۹۱۲ به هنگام حضور در تبریز اجازه روایتی به سید شهاب الدین عبدالله بن احمد حسینی حسنی موسوی از سادات لاله داده که متن اجازه را حافظ حسین کربلائی در روضات الجنان، ج ۲، ص ۱۹۲-۱۹۵ به همراه مطالب دیگری نقل کرده که در مقدمه به آن اشاره و متن آن نیز نقل شد. تاج الدین جعفر در سال ۹۲۵ در حاشیه

مشجرهٔ انساب سید حسین بن ابی الحسن موسوی، ضمن تأیید مشجرهٔ نسب او، اجازهٔ روایت نیز به او داده و به محل اقامت خود یعنی دمشق نیز در متن اجازه تصریح کرده است. تعبیر به کاررفته در اجازهٔ تاج الدین نشانگر آن است که سید حسین بن ابی الحسن فردی میان سال باید باشد و براین اساس تاریخ ۹۰۶ که مرحوم شرف الدین و به نقل از هموسید حسن صدر در تکملة امل الآمل به عنوان زمان تولد سید حسین بن ابی الحسن آورده اند، نباید صحیح باشد. همچنین با توجه به اینکه فرزند سید حسین بن ابی الحسن، یعنی سید نورالدین علی بن حسین بن ابی الحسن با دختر شهید ثانی ازدواج کرده و صاحب مدارک حاصل این ازدواج در سال ۹۴۹ به دنیا آمده، شاهد دیگری است بر اینکه تاریخ ۹۰۶ صحیح نیست. متن اجازهٔ تاج الدین جعفر که به لطف دوست عزیز سید علاء الموسوی در اختیارم قرار گرفته، چنین است:

«العبد الفقیر ابو عبد الله تاج الدین النقیب احببت ان الحق فروع بنی زهرة بهذا السفر الطاهر الجامع للفروع الموسویة الحسینیة المعظمة متبرکاً ببیت سیدنا العالم الجلیل رئیس ابی الحسن الموسوی العاملی و سلالته الطاهرة من العلماء و الأجلء و لا سیّما السید عزالدین الحسین - ائده الله بتأییده و عفی عنه - وقد اجزته بالروایة عنّی فی جمیع ما رویه عن مشایخی الکرام و آبائی الأبرار و قد اجازنی بما رویه عن مشایخه الکرام و آبائه العظام. کتبت الجمعة الخامسة من شهر رجب المظفر سنة خمس و عشرين و تسعمائة بالشام دمشق و صلی الله [علی] سیدنا محمد و آله الطاهیرین و الحمد لله رب العالمین».

در کنار آن مهر دایره ای شکل با سجع جعفر بن محمد بن زهرة الحسینی نیز آمده است. این مطلب که نام وی جعفر است و تاج الدین کنیه و شهرت اوست تقریباً در اکثر منابع نیامده است. در کتابخانهٔ مرحوم علامه سید محمد علی روضاتی رحمه الله مجموعه ای مشتمل بر الرسالة یونسیة فی شرح المقالة التکلیفیة تألیف زین الدین علی بن محمد بن علی بن محمد بن یونس عاملی بیاضی کتابت شده و تاج الدین از کتابت آن در آغاز ظهر بیست و پنجم صفر سال ۹۰۲ فراغت حاصل کرده است (تمت الرسالة یونسیة فی شرح المقالة التکلیفیة ضحوة نهار الثلاثاء خامس عشرين شهر صفر الخیر سنة اثنین و تسعمائة بقلم العبد الفقیر الی رحمة ربه العلیم

التقدیر جعفر بن محمد بن حمزة بن عبدالله بن زهرة الحسینی غفر الله له ولوالديه وجميع المسلمين) و الفرائد و القلائد منسوب به ثعالبی کتابت شده در ۱۹ محرم ۸۸۸ است که کاتب آنها تاج الدین بن محمد بن حمزة بن زهرة حسینی حلبی است و تصویری از آن به شماره ف ۱۰۸۹ در کتابخانه دانشگاه تهران موجود است (بنگرید به: محمد تقی دانش پژوه، فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (تهران، ۱۳۴۸ ش)، ج ۱، ص ۵۶۳ که مجموعه به شکل ناقصی معرفی شده و برخی اطلاعات آن از قلم افتاده است). مجموعه اخیر همچنین مشتمل بر المقالة التکلیفیه شهید اول است که جعفر بن محمد بن حمزة بن زهرة حسینی در ۲۵ صفر سال ۹۰۲ آن را کتابت کرده است. مجموعه روضاتی همچنین مشتمل بر الباقیات الصالحات و الکلمات النافعات فی شرح الباقیات الصالحات است که تاج الدین از کتابت الکلمات النافعات در آغاز ظهر روز پنجشنبه آخر ذی القعدة الحرام ۸۹۳ و در روستای نامطی فراغت حاصل کرده است (وقع الفراغ من کتابتها بکرة نهار الخمیس سلخ ذی القعدة الحرام ستة ثلاث و تسعین و ثمانائة بقلم العبد الفقیر الخائف المستجیر المؤمن من ربّه مغفرة تنجیه يوم يشغل کلّ عن فصیلته و بنیه، تاج الدین بن محمد بن حمزة بن زهرة الحسینی الحلبی الفوعی عفا الله عنه بمنّه و کرمه آمین، و الحمد لله رب العالمین و ذلك بقرية نامطی). در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ض ۱۵۷۴۸ نسخه ای از کتاب الجعفریة محقق کرکی - که از تألیف آن در روز پنج شنبه دهم جمادی الثانی ۹۱۷ در مشهد رضوی فراغت حاصل کرده - موجود است که جعفر بن محمد بن زهره حسینی یعنی همین تاج الدین در دمشق و در روز پنج شنبه ششم رجب ۹۲۴ کتابت کرده و نسخه اخیر تا پیش از ۱۳۶۷ ش در دمشق بوده و پس از آن به واسطه رایزنی فرهنگی ایران در دمشق به کتابخانه آستان قدس رضوی منتقل شده است. مطالب اخیر دلالت بر اقامت تاج الدین در دمشق در سالهای پایانی عمرش - وی در سال ۹۲۷ - در گذشته دارد. در صورتی که تاج الدین در دمشق اقامت داشته، به احتمال بسیار در محله شیعه نشین خراب زندگی می کرده است. سادات بنو زهره از خاندان های عریق شیعی هستند که قرنها در شهر حلب تا روزگار کنونی حضور دارند. نسخه ای از کتاب مناقب آل ابی طالب تألیف ابن شهر آشوب سروی (متوفی ۵۸۸) در حلب در دست است که جزء نخست

آن را جعفر بن احمد بن حسین بن قزوینی در روز شنبه ۱۶ رجب ۵۸۷ کتابت کرده و در سوم شعبان ۵۸۷ در حله و در مسجد امیر زاهد نجم الدین عیسی بن نصر بن مدهام مقابله شده است. جزء دوم کتاب تا بخشی از نسخه توسط همان کاتب کتابت شده اما بخشی دیگر به توسط ابوالقاسم بن اسماعیل بن عنان الکتبی و راق حلی در اوایل رجب ۶۵۸ کتابت شده است که نشان می دهد این بخش در گذر زمان آسیب دیده و او بر اساس نسخه ای دیگر، بخش از میان رفته را مجدداً کتابت کرده است. این نسخه زمانی در اختیار موسی بن محمد بن ابی الرجار سالم بن ابی الرجار قتیان بن ابراهیم الفوعی مولداً و حلبی اصلاً بوده و مطلبی به تاریخ پنجم ربیع الآخر ۷۲۸؛ محمد بن موسی بن محمد ابن الزعفران فوعی در شب جمعه ۱۹ رجب ۷۳۶؛ حسن بن محمد بن موسی بن محمد بن ابی الرجار بن سالم یعرف بابن زعفران در آخر ربیع الاول ۷۵۵؛ علی بن محمد بن موحی بن زعفران فوعی در سال ۷۵۹؛ نامی ناخوانا در ۱۲ شوال سال ۸۶۸؛ خضر بن محمد بن خضر در محرم الحرام ۸۸۶. آخرین فردی که نسخه در اختیارش بوده، تاج الدین بن محیی الدین بن تاج الدین ابن محمد ابن زهره حسینی حلبی است که در غرة رمضان ۹۸۶ مطلبی دال بر تملک نسخه نوشته است. فرد اخیر نواده تاج الدین بن محمد بن زهره حلبی است. مطالب دیگری نیز بر نسخه آمده که خواندن آنها دشوار است. برای توصیفی از نسخه بنگرید به: جواد مقصود همدانی، فهرست نسخه های خطی کتابخانه عمومی اصفهان (تهران، ۱۳۴۹ش)، ج ۱، ص ۳۱۱-۳۱۴. همچنین در کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۶۷۶۷ مجموعه ای مشتمل بر نهایی الاحکام و فقه القرآن موجود است که کاتب نهایی محمد بن جعفر بن محمد بن زهره حسینی فوعی است که در دوم ربیع الاول ۹۱۰ در استرآباد از کتابت نسخه فراغت حاصل کرده است. وی کسی جز فرزند تاج الدین جعفر بن محمد بن حمزه فوعی نیست. وی باید به همراه پدرش که در آن سالها در ایران اقامت داشته، راهی زیارت امام رضا علیه السلام بوده باشد. در پایان رساله دوم یعنی فقه القرآن او خود و پدرش را به کنیه رکن الدین بن تاج الدین بن زهره حسینی معرفی کرده و تاریخ فراغت از کتابت سیزدهم محرم ۹۱۲ در استرآباد ذکر شده است که با توجه به دو تاریخ ۹۱۰ و ۹۱۲ به نظر می رسد که علاوه بر احتمال سفر به مشهد، ممکن است که تاج الدین فوعی به همراه خانواده اش در فاصله

زمانی مذکور در استرآباد اقامت داشته‌اند و یا احتمال دارد که وی در راه بازگشت از سفر خود به خراسان بوده باشد. قدر مسلم آن است که تاج الدین درشوال ۹۱۲ در تبریز بوده است (بنگرید به: سید احمد حسینی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه حضرت آیه الله العظمی نجفی مرعشی، ج ۱۷، ص ۳۱۴).

درباره تشیع در شام خاصه دوشهر حلب و دمشق و جبل عامل نیز می‌توان با مراجعه به نسخه‌های خطی و گاه اطلاعاتی که در میان تواریخ تألیف شده آن مناطق اطلاعاتی دریافت. در خصوص شهر حلب و خاندان بنوزهره که برخی از آنها افرادی بسیار متمول بوده‌اند و نقابت سادات شهر را بر عهده داشته‌اند، اطلاعات فراوانی وجود دارد. آنها حتی در دوره عثمانی همچنان عهده دار نقابت اشرف شهر بودند. از خاندان بنوزهره، شریف ابوالفتح مرتضی بن احمد بن محمد (متوفی ۶۵۳) که پدرش دائی ابن زهره ابوالکارم صاحب الغنیة بود، پس از مرگ برادرش نقابت سادات شهر حلب را بر عهده گرفت، هر چند در دورانی از این مقام عزل شد اما بعدها بار دیگر عهده دار مقام نقابت شده. تمول مالی او به گونه‌ای بود که در جبل جوشن مدرسه‌ای بنا کرد. در تاریخی بعد از ۶۵۰ فقیه شیعی ابوالقاسم نجیب الدین بن حسین بن عود اسدی زمانی که در حلب بود بیشتر به مجلس سید مرتضی بن احمد می‌رفت و یکبار در مجلس او سخنانی در خصوص خلفای ثلاثه بیان کرد که سید مرتضی مجبور شد هم برای حفظ جان خود و او، وی را از شهر بیرون کند. نجیب الدین پس از آن به جزین رفت و در میانه شعبان ۶۷۹ در آنجا درگذشت. رفتار سید مرتضی باعث نجات جان نجیب الدین شد و از سوی دیگر بر مقام و منزلت او نیز که به تشیع مشهور بود، افزود. زمانی که نجیب الدین ابن عود درگذشت، فقیه دیگر عاملی جمال الدین ابراهیم بن حسام عاملی اشعاری در رثای او سرود که برخی مطالب آن مورد نقد دیگر عالم امامی جمال الدین محمد بن یحیی بن مبارک حمصی قرار گرفت (برای تفصیل مطلب بنگرید به: سبط ابن عجمی، کوز الذهب، ج ۱، ص ۳۶۱-۳۶۵). ابن عجمی (متوفی ۸۸۴) اشاره‌ای به منبع خود در خصوص مطالب اخیر نکرده اما باید آنها را از کتاب ذیل مرآة الزمان یونینی اخذ کرده باشد که تفصیل مطالب را آورده است. از فقیهان و علمان امامی شهر حمص که در قرن ششم و هفتم جمعیت شیعی قابل توجهی داشته،

ابوالعباس احمد بن علی بن حسین بن معقل ازدی مهلبی را باید نام برد که در اواخر سال ۵۶۷ در حمص دیده به جهان گشود (برای ضبط دقیق نام او و شرح حالش بنگرید به: ابن صابونی، تکملة اكمال الکمال (بیروت: عالم الکتب، ۱۴۰۶/۱۹۸۶)، ص ۳۰۴-۳۰۸). وی در زادگاهش نزد مذهب الدین عبدالله بن اسعد مشهور به ابن دهان موصلی (متوفی ۵۸۱) دانش صرف و نحو را فرا گرفت و سپس به حلّه رفت و در آنجا نزد فقیهان امامی به تحصیل پرداخت. یک چندی نیز در بغداد بود و در مجلس درس عبدالله بن حسین عکبری (متوفی ۶۱۶) حضور داشت که شیخ نحویان عصر خود بود. ابن معقل همچنین به درس مبارک بن مبارک بن دهان ضریر واسطی (متوفی ۶۱۲) می رفته و در یکی از این مجالس ابن نجار که او نیز نزد واسطی به تحصیل مشغول بوده، او را دید و درباره تاریخ تولّد وی مطالبی از او پرسید و شرح حال او را در ذیل تاریخ بغداد خود به همراه نمونه هایی از اشعارش نقل کرده است. با توجه به تاریخ درگذشت واسطی، زمان سفر ابن معقل به بغداد باید پیش از ۶۱۲ بوده باشد. ابن معقل بعدها به حلب رفت. ابن عدیم (متوفی ۶۶۰) از ورود ابن معقل به حلب در سال ۶۱۳ سخن گفته و آورده که ابن معقل را بار دیگر در دمشق به سال ۶۲۶ دیده است. ابن معقل که بغداد را به احتمال بسیار بعد از مرگ استادش واسطی در ۶۱۲ ترک کرده بود، به دمشق رفت تا نزد ابوالیمن زید بن حسن کندی (متوفی ۶۱۳) به تحصیل بپردازد. ابن معقل جایگاه بلندی در ادبیات بدست آورد و کتاب الايضام والتکملة ابوعلی فارسی را به نظم درآورد و آنها را پیشکش امیر ایوبی، عیسی بن عادل بن محمد بن ایوب (متوفی ۶۲۴) نمود. وی یک چندی در بعلبک بود اما بار دیگر به دمشق بازگشت. وی در شب پنجشنبه، بیست و پنجم ربیع الاول ۶۴۴ در دمشق درگذشت و فردای آن روز بعد از نماز ظهر در سفح قاسیون به خاک سپرده شد. اثر مهم و موجود او کتابی به نام المآخذ علی شراح دیوان ابي الطیب المتنبی است که نسخه مهمی از آن به خط شاگردش به شماره ۱۷۴۸ در کتابخانه فیض الله افندی موجود است که در حضور جمعی خوانده شده و گواه قرائت به دست ابن معقل برای آن جماعت و گواه قرائت جداگانه دیگری برای یکی از افراد حاضر در آن جمع نیز در آن آمده است (فرد اخیر ابو عبدالله حسین بن ابراهیم بن حسین اربلی هذبانی شافعی (متوفی ۶۵۶) که به

احتمال بسیار کاتب نسخه او باشد - است: «سمع منی بقراءة ماخذی علی الشیخ ابی الفتح عثمان بن جنی، المولی الشیخ العلامة الفاضل البارع شرف الدین، أبوعبدالله الحسین بن ابراهیم بن الحسین الیربلی - أدام الله سعاده وإسعاده - وأجزت له أن یرویه عنی ویقرأه لمن شاء حیث شاء. وكتب أحمد بن علی بن معقل الأزدي ثم المهلبی لثلاث بقین من رجب سنة ست وثلاثین وست مئة حامداً لله علی نعمائه ومصلياً علی محمد وآله». ابن معقل در کتاب اخیر خود شرح پنج تن از شارحان متنبی را مورد بررسی قرار داده است. وی در پایان مطالب خود درباره شرح ابن جنی به شیوه مرسوم شیعه نوشته است: «فهذه آخر المآخذ علی الشیخ ابی الفتح عثمان بن جنی الذی قویت علیه ید الطائفة ووصلت إلیه ید المتة. الحمد لله حق حمده وصلواته علی خیر خلقه محمد وآله الطاهیرین أئمة الدین وأصحابه المتجبین الأکرمین». کتاب المآخذ در پنج جلد توسط عبدالعزیز بن ناصر المنانع (ریاض، ۱۴۲۲) منتشر شده است. چاپ دوم به همراه اصلاحاتی توسط مرکز الفیصل للبحوث والدراسات الإسلامیة، ۲۰۰۳/۱۴۲۴ به زیور طبع درآمده است. محقق کتاب اشعار موجود از ابن معقل در کتابهای مختلف را گردآوری کرده جز آنکه در خصوص تشیع ابن معقل سکوت کرده و اشاره ای به آن نکرده است. درباره ابن معقل همچنین بنگرید به: قطب الدین موسی بن محمد یونینی (متوفی ۷۲۶)، ذیل مرآة الزمان (حیدرآباد دکن، ۱۳۸۰/۱۹۶۰)، ج ۳، ص ۱۱-۱۴ با نمونه اشعاری از دیوان او؛ خلیل بن ایبک صفدی، کتاب الوافی بالوفیات، ج ۷، ص ۲۰۱-۲۰۲ که شرح حال ابن معقل را به نقل از ابن نجار آورده و ص ۲۳۹-۲۴۰ که بار دیگر شرح حال ابن معقل را ظاهراً به نقل از ذهبی در تاریخ الاسلام (تحقیق بشار عواد معروف، بیروت، ۲۰۰۳/۱۴۲۴)، ج ۱۴، ص ۴۹۴-۴۹۵) آورده است و متوجه یکی بودن آنها نشده است؛ جعفر مهاجر، (ابن معقل الحمصی)، الثقافة الإسلامیة، العدد الخامس عشر، ۱۹۸۸/۱۴۰۸، ص ۶۹-۹۵. از شاگردان ابن معقل، می توان به نجم الدین ابوالعباس احمد بن محسن بن ملی انصاری بعلبکی اشاره کرد.^۱

۱. بنگرید به: قطب الدین موسی بن محمد یونینی، ذیل مرآة الزمان، دراسة و تحقیق حمزة عباس (ابوظبی، ۲۰۰۷/۱۴۲۸)، ج ۱، ص ۴۳۴-۴۳۷.

یکی دیگر از جنبه های توجه به نسخه های خطی اهمیت نسخه های خطی برای شناخت رجال امامیه است. متأسفانه سنت تراجم نگاری شیعه به دلیل پراکندگی شیعیان در بخش های مختلف جهان اسلام و متأخر بودن آن باعث شده تا درباره بسیاری از عالمان امامی اطلاعات روشنی نداشته باشیم، حتی این مشکل درباره جوامع شیعه نشین در اوایل قرن دهم خارج از قلمرو صفویه و یا سیاست های ممالیک و عثمانی ها در خصوص آنها بسیار اندک است، اما شگفت این است که با این حال پژوهشگران به راحتی از و بدون در نظر گرفتن نبود یا کمی منابع به راحتی به بیان نظرات کلی در خصوص جوامع شیعه نشین قرن دهم پرداخته اند. اعلان تشیع در قرن دهم و منازعات مذهبی صفویه و عثمانی تأثیرات فراوانی بر زندگی شیعیان داشته است. شیعیان شام و جبل عامل که تحت حکم عثمانی می زیسته اند، به همان سنت معهود پیشین خود یعنی تقیه عمل می کرده اند. شیعیان حجاز خاصه اقلیم بحرین قدیم - مشتمل بر اوال، قطیف و احساء - نیز که در سال ۹۵۷ به قلمرو عثمانی افزوده شد، با مشکلات خاص خود روبرو بوده اند. دوست و سرورم دانشمند عبدالحالق الجنبی در اشاره به مشکلات شیعیان در دوره اخیر خاصه سالهای ۹۵۷-۱۰۸۲ در چند یادداشتی مکتوب متذکر شدند:

«کُتبت فصلاً موثقاً بالمصادر حول معاناة شيعة القطيف والاحساء مع الدولة العثمانية التي احتلت بلادهم منذ العام ۹۵۷ للهجرة وحتى العام ۱۰۸۲ للهجرة، وذكرت فيه ما لا قوه من الاضطهاد وظلم منهم، وما فعلوه لرفع هذا الاضطهاد والظلم وذلك في كتابي: تاريخ التشيع لأهل البيت في إقليم البحرين القديم (بيروت: دار المحجة البيضاء، ۲۰۱۵/۱۴۳۶)، انظر الصفحات (۵۸۱-۶۱۱)». ایشان در تکمیل مطلب اخیر یاد آور شدند: «سبق أن عرض .. كتابين عن تهميش وإقصاء واضطهاد العثمانيين الشيعة في العراق وبلاد الشام... (فاطمة حسين العبيدي، سياسة الإقصاء في العهدين العثماني والدولة العراقية: إقصاء الشيعة نموذجاً، ۲۰۱۶؛ ستيفان ويترو، الشيعة في لبنان تحت الحكم العثماني، ترجمة محمد حسين المهاجر (بيروت، ۲۰۱۶) وقد وثقت في الطبعة الثانية من كتابي (تاريخ التشيع لأهل البيت في إقليم البحرين

القدیم) لانطلاق الدولة العثمانية في حربها للصفويين والشيعية بصفة عامة من مرتکز طائفی حيث استصدر سلاطینها منذ حکم السلطان سلیم الأول فتاوی دینیة بجزاؤ أو وجوب قتل الشیعة، وسلب أموالهم، وسبى أولادهم ونسائهم باعتبارهم کفاراً غیر مسلمین، وهذا الأمر صرح به کثیر من ولاة العثمانيين على البلدان الشیعة أو ذات الأغلیبة الشیعیة التي احتلوها، و هو أمر مدون في الوثائق العثمانية المعتمدة حينها کدفاتر المهمة ودفاتر الطابو وما شابه».

سیاست مصادرة اموال شیعیان در بحرین قدیم، باعث شد تا شیعیان به شیوه های شرعی اموال خود را حفظ کنند. برای این کار آنها دوراه را انتخاب کرده بودند؛ فروش اموال خود به اشخاصی از اهل سنت که مورد اعتماد بودند و از آنها سندی شرعی دال بر عدم حق تصرف می گرفتند و یا بهره گرفتن از وقف. استاد ارجمند عبد الخالق جنبی در توضیح راه های شرعی حفظ اموال توسط شیعیان یعنی شیوه اول متذکر شدند: «هذه كانت إحدى الطرق التي اتبها القטיפيون والأحسائيون لحفظ بساتينهم، وهو أن يقوموا ببيعها صورياً على أحد من يثقون به من البدو أو الشخصيات السنية لكي لا تصادر منه، ويأخذ عليه بالمقابل ورقة كهذه ليحفظ بها حقه». سندی که در این عبارت از آن سخن رفته و نمونه های دیگری از آن نیز در دست است، در مجله الواحة، العدد السادس والستون، السنة الحادية والعشرون، الربع الثالث ٢٠١٥، چاپ شده است. در توضیح بیشتر ایشان آوردند:

«وهو أسلوب -ای بیع الصوری- اتبعه شيعة القטיפ والاحساء حتى قبل استيلاء بنی خالد على الحكم في البلدين، فقد كان العثمانيون أدهى وأمرلاً لهم كانوا ينظرون إلى الشيعة على أنهم كفار لا يتوارثون، فكان الوالي العثماني يأخذ ميراث من يموت منهم، ولا سيما الأغنياء ولا يسمح لورثته بأخذها، وتضج دفاتر المهمة العثمانية لتلك الحقبة بالكثير من شكاوى الأهالي من هذا الحال. ومن الحيل التي ابتكرها شيعة القטיפ والاحساء لحفظ أموالهم و بساتينهم بالإضافة إلى الحيلة الواردة في هذه الوثيقة حيلة أخرى تقوم ببيع أحد الأغنياء الشيعة لبستان أو أكثر على شخص مقرب و معروف لديه، ثم يقوم هذا الشيخ بوقف تلك البساتين على ذرية الواهب، ويتم تسجيله كذلك في الأوقاف، وتوجد أكثر من وثيقة ذلك، ومنها وثيقتان لأبي السعود القטיפي ذاته الوارد في هذه الوثيقة، وهو جد الأسرة القטיפية المعروفة بآل

أبى السعود وكان من أكثر القطيفيين غنى و ثراء فى زمنه». وثيقة مورد اشاره در یادداشت استاد ارجمند عبدالحالق جنبى كه مشخصات چاپش را بیشتر آوردم، چنین است:

«نص الوثيقة: أقول وأنا الفقير إلى الله تعالى عبد الرحمن بن محمد بن عفالق بأن المبيعات النخيل المنتقلت من أبا (أبى) السعود إلى، وهو النخل المسمى بالبدارنى، والنخل المسمى بشطيب الحلال (الجالى؟)، والنخل المسمى بالعمارة، مع النخل المسمى بالفليتى، والنخل المسمى بالغرسات، والنخل المسمى بالكلىبى، كل هذى النخيل المذكورات ليس لى فيهم حق، ولا مستحق، ولا دعوى، ولا طلب بوجه من الوجوه، وليس لى عليهم إجارة ولا صبرة، ولا رهن ولا إباحة، ولا لى من ثمانية آلاف قليل ولا كثير، وإنما هذا مواطاة على صورة قصدنا بها نفع أبا السعود عن يد غاشمة تخرج نخيل أبا السعود عن يده، وإلا فالى من هذى النخيل حق ولا مستحق، ولا دعوى ولا طلب بوجه من الوجوه وهذا خطى شاهد على، وكفى بالله شهيداً وصلى الله على سيدنا محمد وعلى آله وصحبه وسلم. حضر لذلك محمد بن حسين ابن عفالق؛ حضر لذلك عبدالله بن محمد بن عفالق؛ حضر لذلك وأنا على بن عبدالله آل عمران». در توضیح بیشتر سند منتشر شده در پاورقى آمده است: «هذه الوثيقة غير مؤرخة، لكن يستدل من موضوعها على أنها كتبت فى العقد الثانى من القرن ۱۳هـ فى هذه الفترة ظهرت وثائق أخرى مشابهة، حول إقرار أشخاص من الأخوة أهل السنة بوضع أيديهم على بعض مملكات أخوتهم الشيعة حفظاً لها من الإغتصاب، وإعطاء ملاكها هذه الأوراق إقراراً منهم بعدم ملكتهم لها. والسبب - كما هو ظاهر من نصوصها - أن أملاك أهل القطيف تعرضت للإغتصاب بذريعة أنهم ليسوا مسلمين. يمكن الرجوع فى ذلك الكتاب (عنوان المجد فى تاريخ نجد، تأليف عثمان بن عبدالله بن بشر، تحقيق عبد الرحمن بن عبد اللطيف بن عبدالله آل الشيخ، مطبوعات دارة الملك عبدالعزيز، الرياض، ط ۴، ۱۴۰۲هـ ۱۹۸۲م، ج ۱/ ۱۷۸)».

همین گونه مشکلاتى كه حتى براى حجاج ایرانى در قرن دهم و یازدهم وجود داشته و بيم مقامات رسمى صفوى از رفتن به حج داشته اند، از مسائلى است كه نیازمند بررسى و گردآورى شواهد است. قرن دهم هجرى، راه رسمى كاروان هاى حج براى حجاج ایرانى رفتن به دمشق بوده است. حجاج ایرانى در دهه اول شوال خود را باید به دمشق مى رساندند تا با

کاروان‌های حج از دهه دوم شوال شهر دمشق را ترک می‌کردند، به سمت حجاز بروند. برای رفتن به دمشق، حجاج ایرانی نخست به تبریز رفته و از آنجا به وان، سپس آمد و از آمد به حلب و دمشق می‌رفتند. در راه بازگشت نیز حجاج ایرانی از همین مسیر به ایران بازمی‌گشتند.

پیشتر افندی صاحب ریاض العلماء با مراجعه به نسخه‌های خطی مختلف که در دسترسش قرار گرفته بود، سعی در استخراج اطلاعات رجالی، اجازات، انہاءات و تملکات و مطالب دیگری که نوعی اطلاعات رجالی داشته کرده است کاری که در دوران معاصر ما مرحوم آقابزرگ با نگارش طبقات اعلام الشیعة و استاد بزرگوار آقای سید احمد اشکوری در کتاب تراجم الرجال انجام داده‌اند و بخش مهمی از این گونه مطالب را از میان نسخه‌های خطی گردآوری کرده‌اند. با این حال هنوز اطلاعات فراوانی وجود دارد و نیاز است تا با مراجعه دقیق به نسخه‌ها، به گردآوری آنها همت گمارد، مطالبی که فهرست نویسان به دلیل دشواری‌ها، گاه مطالب آمده در حاشیه و یا نوع فهرست نویسی که تنها به اطلاعات اندکی از کتاب منتهی می‌شود، مانع از آن است که بتوان هویت صحیح نسخه‌ها شناخته شود و گاه اطلاعات مهمی که در حاشیه آنها آمده به دلیل بی‌توجهی فهرست نویسان از قلم می‌افتد.

به عنوان مثال خانواده شهید اول پس از شهادت او در دمشق، در جزین اقامت داشته‌اند و به تدریس مشغول بوده‌اند. ابن فهد حلی سفری به جزین داشته و در اوّل محرم سال ۸۲۴ با فرزند شهید اول، ضیاء الدین ابوالحسن علی بن محمد بن مکی دیدار داشته و اجازه روایت الاربعین پدرش را از او اخذ کرده است. این مطلب در آخر یکی از نسخه‌های الاربعین شهید اول بوده که افندی دیده و آن را در شرح حال ابن فهد نقل کرده است (ریاض العلماء، ج ۱، ص ۶۴). برادرزاده شهید اول، محمد بن محمد بن محمد بن داود مؤذن جزینی از دیگر عالمان امامی است که از ضیاء الدین ابوالحسن علی بن محمد بن مکی اجازه روایت داشته و طریق بیشتر عالمان عاملی در روایت شهید اول به واسطه او به ضیاء الدین علی منتهی می‌شود. در کتابخانه آیت الله مرعشی نسخه‌ای از کتاب ایضاح الفوائد فخر المحققین موجود است که در ۷۵۵ از روی نسخه‌ای نفیس کتابت شده (تم کتاب المیراث و به تم الجزء الثانی من ایضاح

الفوايد في شرح اشكالات القواعد وكت قد فرغت من تسويده في غرة رمضان سنة خمس و عشرين وسبعمئة ثم زدت عليه زيادات لطيفة ونسخت هذه النسخة من تلك النسخة السابقة مع زيادات لطيفة ونكت شريفة.. أفكار الفقهاء ولا وصل إليها أذهان العلماء وفرغت من نسختها في غرة ربيع الأول سنة خمس وخمسين وسبعمئة الهلالية يتلوه كتاب القضاء وهو أول المجلد الثالث الذي بعده وقد تم الكتاب ان شاء الله تعالى والحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله). در کنار انجامه ذکر شده، عبارتی دال بر مقابله نسخه در ۸۵۸ نوشته شده است (بلغت المقابلة الى هنا فصحت ذلك بحسب الجهد والطاقة الا ما زاغ عنه البصر و حسر عنه النظر و ذلك في عدة مجالس آخرها عشية الثلاثاء من شهر ربيع الأول من شهر سنة ثمانی و خمسين و ثمان مائة الهلالية والحمد لله رب العالمين). بر نسخه تملك محمد بن علی بن مؤذن الكونانی العاملی آمده که کسی جز این مؤذن مورد بحث است.^۱

از جمله این گونه نسخه‌ها، می باید به نسخه کهن مختصر جمهرة النسب موجود در کتابخانه راغب پاشا به شماره ۹۹۹ اشاره کرد که بر اساس تحریر کتاب جمهرة النسب به روایت سکری از ابن حبيب از ابن کلبی توسط فردی تلخیص شده است. حمد جاسر نسخه را مورد بررسی دقیق قرار داده و بر اساس مطالب آمده در حاشیه نسخه دریافته که کاتب نسخه هر چند نامش در انجامه نیامده اما کسی است که در یکی از حواشی کتاب به نام خود تصریح کرده است؛ شرف الدین ابوالحسین علی بن محمد بن احمد یونینی بعلبکی حنبلی (متوفی ۷۰۱) که نسخه خود را بر اساس نسخه اصل مؤلف کتابت کرده است. این نسخه پیشتر در اختیار شیخ عبدالقادر بن عمر بغدادی (متوفی ۱۰۹۳) مؤلف کتاب خزانه الأدب بوده و ظاهراً زمانی که نسخه به دست او رسیده، صفحه عنوان یا برگگی از نسخه که نام مؤلف در آن ذکر شده، از نسخه جدا شده، چرا که او در ظهر برگ موجود نسخه نوشته است:

«هذا كتاب مختصر جمهرة ابن الكلبی ولم أعرف مصنفه وقد أنعم الله به علی عبده... عبدالقادر بن عمر البغدادی... ثم رأيت في ترجمة بنی دارم قد صرح بكنيته وهو أبو جعفر».

۱. درباره اثری باقی مانده از ابن مؤذن و اهمیت آن بنگرید به: محمد کاظم رحمتی، «ملاحظاتى در باب برخی نسخه های خطی»، میراث شهاب، شماره ۷۵، سال بیستم، شماره اول (بهار ۱۳۹۳ش)، ص ۵۸.

حمد جاسربه درستی اشاره کرده که گفته‌ی اخیر شیخ عبدالقادر بغدادی که مؤلف کتاب را شخصی که کتبه اش ابوجعفر بوده، معرفی کرده، نادرست است و ابوجعفر کتبه راوی کتاب محمد بن حبیب است. نام کتاب در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی راغب پاشا بر اساس عنوان نادرستی که کسی بر ظهر نسخه نوشته، کتاب التبيين في نسب القرشيين از موفق بن قدامه آمده که بر اساس خطای فردی از مالکان نسخه است که عبارتی در حاشیه نسخه را نادرست فهمیده و این عنوان نادرست را بر ظهر نسخه نوشته است. تاریخ پایان تلخیص کتاب توسط مؤلف در آخر نصف جزء اول بغداد و محرم سال ۶۴۸ (هَذَا آخِر مَا عَلَّقْتَهُ مِنَ النِّصْفِ الْأَوَّلِ مِنْ كِتَابِ الْجُمُهِرَةِ فِي بَغْدَادِ الْمَحْرُوسَةِ مِنْ نَسْخَةِ الْمَسْتَنْصِرِيَةِ مَقَابِلَةَ أَكْثَرِهَا بِنَسْخَةِ يَاقُوتَ، وَكَانَ فَرَاغَ هَذَا فِي الْحَرَمِ سَنَةِ ثَمَانٍ وَأَرْبَعِينَ وَسِتٍّ وَمِئَةٍ؛ دَرِ الْآخِرِ كِتَابِ: فَرِغَ مِنْ هَذَا الْمُخْتَصَرِ فِي الْمَجْلِدَيْنِ فِي أَوَّلِ سَنَةِ ثَمَانٍ وَأَرْبَعِينَ وَسِتٍّ وَمِئَةٍ بِبَغْدَادِ الْمَحْرُوسَةِ) و تاریخی که کاتب نسخه خود را از روی نسخه اصل مؤلف نوشته و با آن مقابله کرده ذی الحجة ۶۶۵ ذکر شده است (نَقَلْتُ الْجَزَيْنِ مِنْ خَطِّ الْمُخْتَصِرِ، فِي مَدَّةِ آخِرِهَا يَوْمَ الْجُمُعَةِ لَسْتُ بِقَيْنٍ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ سَنَةِ خَمْسٍ وَسِتِّينَ وَسِتِّ مِئَةٍ.. قَابَلْتُهُ بِأَصْلِ الْمُخْتَصِرِ رَحِمَهُ اللَّهُ حَرْفًا بِجَرْفٍ). مؤلف در دو جای کتاب خود به استادش «شیخنا العز» و یا «قال العز» اشاره کرده که مطلبی درباره منتبى را بیان کرده است. مراد از العز کسی جز ابوالعباس عزالدین احمد بن علی بن معقل از دی مهلبی حمصی (متوفی ۶۴۴) نیست که مطالب نقل شده در کتابش با عنوان المآخذ علی شُراح دیوان ابی الطیب المنتبى نیز آمده است. هویت مؤلف بر اساس شرح حال مفصلی از وی که قطب الدین موسی بن محمد یونینی پدر کاتب نسخه در ذیل مرآة الزمان خود آورده، قابل شناسایی است؛ وی کسی جز مخلص الدین مبارک بن یحیی بن مبارک غسانی حمصی (متوفی ۶۵۸) نیست.^۱ یونینی در ذیل وفیات سال ۶۵۸ از ابوالخیر مخلص الدین مبارک بن یحیی بن مبارک

۱. ذیل مرآة الزمان، ج ۱، ص ۳۸۵-۳۸۶.

۲. بنگرید به: الوافی بالوفیات، ج ۴، ص ۳۸۴. نام جمال الدین محمد بن یحیی بن مبارک بن مقبل غسانی حمصی به عنوان فردی که در رد جمال الدین ابراهیم بن حسام عاملی در رثای ابوالقاسم بن حسین بن عود حلّی سروده به همراه اشعارش نقل شده است. بنگرید به: یونینی، ذیل مرآة الزمان، ج ۳، ص ۴۳۴-۴۴۱ که تفصیل شرح احوال نجیب الدین و ماجرای اخراج او از حلب را نیز نقل کرده است؛ سبط ابن عجمی حلبی، کنوز الذهب

مبارک بن مقبل غسانی حمصی از عالمان شیعه ساکن در حمص سخن گفته و اشاره نموده او پس از شنیدن خبر نزدیک شدن سپاه مغولان در ربیع الاول سال ۶۵۸، حمص را ترک کرد و به جبل لبنان پناه برد و در یکی از روستاهای آنجا اقامت گزید که مرگش فرارسید.

یونینی شرح حال مخلص الدین را به گونه ای مختصر در جلد اول ذیل مرآة الزمان، آورده اما در جلد دوم، ص ۳۶-۳۸ مطالب مهمتری آورده است. او ابتدا در معرفی مخلص الدین وی را از «المشهورین بعرفة الأدب و ایام الناس شیعی المذهب» (در متن چاپ شده سنی المذهب) اختصر کتاب الجمهرة فی الانساب لابن الکلبی اختصاراً حسناً دلّ علی عزارة فضله و معرفته» یاد کرده و اشعاری از وی از روی کتابی که دست خط مخلص الدین بر روی آن بوده، آورده است (و من شعره مما نقلته من خطه علی ظهر مجلد). وی برادری به نام جمال الدین محمد بن یحیی بن مبارک بن مقبل غسانی حمصی دارد (۶۰۷-۶۷۰) که صفدی شرح حال او را آورده است.

اشاره یونینی در خصوص اینکه مخلص الدین کتاب جمهرة الانساب کلبی را تلخیص کرده بسیار مهم است. نسخه مهم شناخته شده از کتاب مختصر جمهرة النسب کلبی در کتابخانه راغب پاشا به شماره ۹۹۹ که نام مختصر کننده در نسخه کهن آن شاید به عمد از بین رفته و تاریخ فراغت مختصر کننده ۶۴۸ ذکر شده و تاریخ کتابت نسخه نیز ۶۶۵ است تألیف مخلص

فی تاریخ حلب، تحقیق شوقی شتعت و فالح بکور (حلب، ۱۴۱۷/۱۹۹۶)، ج ۱، ص ۳۶۲-۳۶۵. مسئله اخراج نجیب الدین از حله، اهمیت دیگری نیز دارد؛ به واقع حادثه اخیر که تفصیل جزئیاتش در منابع مختلف دیگر نیز آمده شاید اجمال برخی مطالب آمده در شرح حال برخی رجال ادوار کهنتر امامی را نیز توضیح دهد. درباره برخی محدثان قی دانسته است که توسط احمد بن محمد بن عیسی اشعری، نخستین فرد مهاجر از خاندان اشعری کوفه به قم اخراج شده اند، در منابع رجالی امامیه از ادوار کهن البته اخراج آنها از قم به دلیل عقیده به غلو ذکر شده اما نکته مهمی که در شرح حال اشعری آمده جایگاه اداری او در قم است که شاید اساساً علت مهاجرت او به قم نیز همان باشد؛ «کان .. رئیس الذی یلقی السلطان بها...» (نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۸۲) بنظر می رسد که احمد بن محمد بن عیسی عهده دار مقامی در اداره قم بوده و از آنجا که حاکم شهر از سوی خلافت عباسی بوده، برخی محدثان قی در حضور او و رجال حکومتی دیگر، کلماتی بیان می کرده اند که مانند ماجرای ابن العود، احمد بن محمد بن عیسی مجبور به اخراج آنها از قم برای حفظ جانشان می شده است. مطلب اخیر تذکر استاد ارجمند سید حسین مدرسی طباطبائی است.

الدین است و اما از عبارتی در یکی از حواشی نسخه، کاتب نسخه شرف الدین ابوالحسین علی بن محمد بن احمد یونینی (متوفی ۷۰۱) بوده و نسخه‌ای که فرزند وی قطب الدین یونینی به عنوان مجلدی از آثار مخلص الدین اشاره کرده باید به احتمال بسیار همین کتاب مختصر جمهرة النسب باشد که در اوراق نخست و اکنون مفقود آن اشعاری بوده که قطب الدین آنها را نقل کرده است.^۱

نمونه دیگر از اهمیت بررسی نسخه‌های خطی برای شناخت عالمان امامیه را می‌توان در بررسی نسخه‌های خطی کتاب کتاب الروضة البهیة شهید ثانی (متوفی ۹۶۵) دید، هنگام بررسی نسخه‌های خطی این کتاب متوجه این مطلب شدم که بخش مهمی از نسخه‌های قابل توجه و اصیل کتاب به نسخه‌هایی بازمی‌گردد که شاگردان شهید کتابت کرده‌اند و نزد او خوانده‌اند. با بررسی نسخه‌های کتاب الروضة البهیة می‌توان نام این شاگردان و نسخه‌هایی را که کتابت کرده‌اند، پیگیری نمود. درباره کتاب الروضة البهیة شهید ثانی و نسخه‌های مهم آن سوای نسخه ۷۰۹ مجموعه مرحوم سید محمد مشکاة در دانشگاه تهران که مشتمل بر بخشی از کتاب به خط خود شهید ثانی می‌باشد، چند نسخه دیگر را می‌شناسیم که توسط شاگردان شهید ثانی کتابت شده و نزد او خوانده شده‌اند. این نسخه‌ها بر اساس نام شاگردان شهید ثانی و تاریخ کتابت آنها چنین است: ۱- جلد اول الروضة البهیة به خط سید علی بن حسین صائغ حسینی که تاریخ فراغت از کتابت آن ۱۵ صفر ۹۵۸ است و به شماره ۴۸۸۶ در کتابخانه مجلس موجود است. جلد دوم نیز باید توسط ابن صائغ کتابت شده باشد اما متأسفانه از آن اطلاعی در دست نیست. ۲- نسخه‌های کتابت شده توسط سید حسن بن علی بن حسین بن ابی الحسن موسوی حسینی که در انجامة نسخه‌ها نام وی به

۱. حمد جاسر در دو مقاله به تفصیل درباره کاتب نسخه و اینکه مؤلف مخلص الدین می‌باشد سخن گفته است. بنگرید به: حمد الجاسر، «مختصر جمهرة النسب»، مجلة مجمع اللغة العربية بدمشق، المجلد السابع والعشرون (ربیع الثاني ۱۳۷۱)، ص ۴۱-۵۱؛ همو، «مختصر جمهرة النسب للمبارک بن یحیی بن المبارک الغسانی الحمصی»، العرب، المجلد ۲۷، الجزء آن ۵ و ۶، (۱۹۸۶/۱۴۰۶)، ص ۲۸۹-۳۱۲. احسان نص (کتب الأنساب العربية، دمشق، ۲۰۱۱/۱۴۲۱)، ص ۴۸-۶۲ خلاصه‌ای از مطالب حمد جاسر آورده است.

صورت سید حسن بن ابی الحسن حسینی عاملی آمده است. وی در روز شنبه پنجم شعبان ۹۵۸ و نزد شهید ثانی از قرائت جلد دوم الروضة البهیة که باید از روی نسخه خود شهید ثانی کتابت کرده باشد، فراغت حاصل کرده است. نسخه های شناخته شده ای که از روی نسخه سید حسن بن ابی الحسن عاملی کتابت شده، چنین است: کتابخانه مرحوم بروجردی کرمانشاه، شماره ۱۳ و تصویر آن در مرکز احیاء میراث اسلامی شماره ۱۷۶۶؛ وزیری یزد به شماره ۲۹۰۷ (محمد شیروانی، فهرست نسخه های خطی کتابخانه وزیری، ج ۴، ص ۱۴۶۹)؛ آستان قدس رضوی ۱۴۸۵۶ که تاریخ فراغت از کتابت در جلد دوم شنبه ۵ شعبان ۹۵۸ آمده است و دانشگاه تهران شماره ۶۶۷۹ (محمد تقی دانش پژوه، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکزی و اسناد دانشگاه تهران، ج ۱۶، ص ۳۳۱) و کتابخانه دانشگاه اصفهان به شماره ۱۰ (احتمال دارد که نسخه ۲۹۹۸ که جلد دوم الروضة البهیة در کتابخانه عمومی اصفهان است نیز استتساختی از همین نسخه شماره ۱۰ باشد که در آخر آن گفته شده اجازه ای از شهید دوم دارد. بنگرید به: فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا)، ج ۱۷، ص ۵۱-۵۲). در پایان نسخه دانشگاه اصفهان، اجازه شهید ثانی به سید حسن بن علی بن ابی الحسن عاملی آمده که متن آن چنین است:

« هذه صورة اجازة حضرت المصنف الشارح الشهيد المرحوم حشره الله تعالى مع سيده المعصوم لواحد من السادة العلماء والاجلة النقباء؛ الحمد لله و سلامه (در اصل سلام) علی عباده الذين اصطفى وبعد فقد قرأ علی اكثر هذا الكتاب و سمع سايره المولى الاجل الفاضل الكامل السيد السند شرف العترة جمال الأسرة غرة آل الرسول و قره عين البتول جمال الدين حسن بن السيد الجليل الصالح نور الدين علی الشهير نسبه بابن ابی الحسن الحسينى (در اصل به خطا الحلبی) الموسوی ادام الله تعالى شرفه و خص بالرحمة و العاطفة و الرضوان رهطه و سلفه قراءة مرضية مرعية مضبوطة و قد اجزت له رواية الكتاب و العمل بها اشتمل عليه من الفتاوى و كذلك بجميع ما صنفته و ألفته علی قراره وصفه و كذلك اجزت له جميع ما روئيه من كتب اصحابنا روائيه من العلوم الشرعية و غيرها بطرقی المثبة الى كل واحد منها و هی كتبه فن ثبت لديه طريق منها فهو.. علی الرواية به احسن الله تعالى اليه و اسبغ نعمه عليه و لنذكر طريقاً

جامعاً الكتب الاصول الاربعة التي هي عماد الاسلام ودعائم الايمان وهي الكافي والتهديب و الاستبصار و من لا يحضره الفقيه و به يتوصل الى غيرها من كتب الحديث و التفسير و غيرها انشاء الله تعالى و اجل طرقاً الى هذه الاصول عن شيخنا الجليل و مولينا الجميل الصالح الفاضل الكامل القابل البذل نور الدين علي بن عبدالعالي الميسي - قدس الله تعالى لطفه و اجزل تشريفه - عن شيخه الصالح شمس الدين محمد بن محمد بن محمد بن داود الشهرير بابن مؤذن الجزيني عن الشيخ الصالح ضياء الدين علي بن المرحوم المبرور السعيد الشهيد المحقق الفاضل الكامل شمس الدين محمد بن محمد بن مكى قدس الله تعالى روحه الطاهرة و افاض عليه المرحم الربانية عن والده السعيد الشهيد المذكور عن الشيخين الفقيهين السيد عميد الدين عبدالمطلب بن الاعرج الحسيني و الشيخ فخرالدين ولد الشيخ الفقيه الامام الاعظم محيي العلوم و مجدد الرسوم جمال الاسلام و المسلمین الحسن بن الشيخ الفقيه السعيد سديد الدين يوسف بن علي بن المطهر الحلبي انار الله برهانه و اعلى في فراديس الجنان مكانه عن شيخنا الفقيه العلامة الفاضل جمال الدين المذكور عن والده سديد الدين المذكور و شيخه الفقيه المحقق المبرور عماد الدين بن ابى القاسم جعفر بن الحسن بن سعيد الحلبي كلاهما عن الشيخ نجيب الدين محمد بن نما الحلبي الربعي عن الشيخ الفقيه المحقق الفاضل ابى عبدالله محمد بن ادريس الحلبي عن الفقيه عربي بن مسافر العبادي عن الياس بن هاشم الحائري عن الشيخ ابى على الحسن بن الشيخ السعيد فقيه اهل البيت مؤسس المذهب ابى جعفر محمد بن الحسن الطوسي عن والده الشيخ ابى جعفر قدس الله روحه و نور ضريحه بسنده المذكور في كتاب التهذيب و الاستبصار في كل حديث و كذلك غيره من كتبه و رواياته و طرقه في الفهرست و غيره و عن الشيخ ابى جعفر الطوسي عن الشيخ الفقيه الجليل محمد بن محمد النعمان الشهير بالمفيد عن الشيخ السعيد ابى جعفر محمد بن علي بن بابويه بسنده في كتابه من لا يحضره الفقيه و غيره من كتبه كالعلل و العيون و كمال الدين و تمام النعمة و الأمالي و معاني الأخبار و الخصال و ثواب الأعمال و عقابها و غيرها من كتبه الحديثيه و عن الشيخ المفيد عن الشيخ ابى القاسم جعفر بن محمد بن قولويه عن الشيخ الجليل ابى جعفر محمد بن يعقوب الكليني بكتابه الكافي و طرقه المودعة فيه المتصلة بأئمة الهدى صلوات الله تعالى عليهم ح

(جیلولة) و ارومیا غایباً عن هذا الدرجة بالاسناد المتقدم الى الشيخ السعيد المحقق ابى القاسم جعفر بن سعيد عن السيد فخار بن معد الموسوی عن الشيخ نزیل مهبط وحی الله و دار هجره رسول الله شاذان بن جبرئیل القمی عن العماد محمد بن ابی القاسم الطبری عن ابی علی الحسن بن ابی جعفر الطوسی ح و ارومیا غالباً بدرجتین بالاسناد الى شیخنا السعيد الشهيد محمد بن مکی عن الشيخ رضی الدین علی بن الشيخ جلال الدین احمد المزیدی الحلی عن الشيخ السعيد جمال الدین محمد بن احمد بن صالح السیسی القیسی (در اصل القمی) عن فخار الموسوی باسناده المتقدم ح و مثله فی العلو عن ابن صالح عن السيد الفقيه السعيد القاضی المعظم الزاهد رضی الدین محمد بن محمد بن محمد بن زید الآوی العلوی الحسینی عن ابیه عن ابیه عن ابیه زید الداعی الحسینی عن الشيخ ابی جعفر الطوسی و بهذا الاسناد عن الداعی عن السيد علم الهدی الشریف المرتضی رضی الله عنه و عن الفقيه الجلیل سلاربن عبدالعزيز الدیلمی و عن الفقيه القاضی عبدالعزيز بن مجربن البراج و عن الفقيه ابی الصلاح التقی بن نجم الحلبي جميع ما صنّفه المشايخ المذكورون عنهم بغير واسطة فليرو السيد ادام الله تعالى شرفه ذلك و جميع ما يجوز لي روايته بشرط الاعتبار عند اهل دراية الأثر و أخذ عليه بما أخذ علی من العهد بتقوى الله تعالى و مراقبة و الاخلاص فی العلم و العمل فانه ملاك الامر و الاحتياط عن الفتوى فان المفتی علی شفیر جهنم الا ان يعصمه الله تعالى و التمس منه اجرائی علی خاطره الشریف فی خلواته و عقیب صلواته تقبل الله تعالى عمله بمّنه و كرمه قال ذلك و كتبه بيده الفانية العبد الفقير الى عفو الله تعالى زين الدين بن علی بن احمد الشامی العاملی مصنّف هذا الكتاب عامله الله تعالى بفضله و عفى عنه بمّنه و كرمه ضحى يوم الاحد ثلاث عشرين شهر شعبان سنة ثمان و خمسين و تسعمائة حامداً مصلياً مسلماً مستغفراً حسبنا الله و نعم الوكيل»^۱.

۱. تاریخ های ارایه شده در بغیة الراغبین برای زمان تولّد سید حسین بن ابی الحسن موسوی و فرزندش سید علی بن حسین بن ابی الحسن موسوی که به ترتیب ۹۰۶ و ۹۳۱ است ظاهراً صحیح نباشد (بغیة الراغبین، ص ۱۲۰، ۱۳۱). سید عزالدین حسین بن محمد بن حسین بن علی بن محمد بن ابی الحسن است که معاصر شهید ثانی بوده است. مرحوم شرف الدین تاریخ تولد او را ۹۰۶ و در جیع ذکر کرده است، با این حال بنظر می رسد که تاریخ اخیر صحیح نباشد دلیل این امر اجازه ای است که تاج الدین فوعی از سادات بنو زهره در سال ۹۲۵ به

وی داده و در آن به اخذ اجازه از وی نیز اشاره کرده است که چندان با در نظر گرفتن سال ۹۰۶ به عنوان زمان تولد سید حسین بن ابی الحسن سازگاری ندارد چرا اجازه مدیج با توجه به سن کم سید حسین بن ابی الحسن و سن بالای تاج الدین فوعی سازگاری ندارد. این اجازه در کنار شجره نامه خانوادگی آل ابی الحسن به خط تاج الدین فوعی کتابت شده و متن آن توسط دوست عزیزم سید علاء بن عبدالعزیز بن علی بن الحسن بن علی بن محمد بن احمد بن مصطفی بن محمد بن ابی الحسن بن نورالدین علی بن علی بن الحسن الموسوی در اختیارم قرار گرفته است. متن این اجازه که هنگام ارایه شجره نامه خانوادگی آل ابی الحسن توسط فوعی کتابت شده، چنین است: «العبد الفقیر ابو عبد الله تاج الدین التقیب احببت أن الحق فروغ بنی زهره بهذا السفر الطاهر الجامع للفروع الموسویة الحسینیة المعظمة متبرکاً ببيت سيدنا العالم الجلیل الرئيس ابی الحسن الموسوی العاملی و سلالته الطاهرة من العلماء الاجلاء ولا سیما السید عزالدین الحسن - ایدہ الله بتأییدہ و عفی عنه - وقد اجزته بالروایة عنی فی جمیع ما رویه عن مشایخی الکرام و آبائی الأبرار وقد اجازنی بما رویه عن مشایخ الکرام و آباءه العظام کتبت الجمعة الخامس من شهر رجب المظفر سنة خمس و عشرين و تسعمائة بالشام دمشق و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرين و الحمد لله رب العالمین».

در کنار اجازه مهردابری تاج الدین فوعی با سجع «جعفر بن محمد بن زهره الحسینی» نیز آمده است. سید حسین بن ابی الحسن در دمشق با دختر شمس الدین محمد بن مکی عاملی شامی (متوفی جمادی الاولی ۹۳۸ (علی عاملی، الدر المنثور ج ۲، ص ۱۵۹) یا نهم جمادی الثانی ۹۳۸ که تاریخ اخیر را نجم الدین غزی در الکواکب السائرة، ج ۲، ص ۵۹-۶۰ آورده و در امل الامل، ج ۱، ص ۱۸۰ و اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۵۹ سال ۹۳۸ آمده است) ازدواج کرده است. فرزند وی از این پیوند یعنی سید نورالدین علی بن حسین بن ابی الحسن عاملی است اما با توجه به تاریخ تولد صاحب مدارک در ۹۴۶ و اجازه مورد اشاره در اینجا که نشان می دهد سید علی بن حسین بن ابی الحسن بیش از یک بار ازدواج کرده و سید حسن بن علی بن حسین بن ابی الحسن باید از ازدواج نخست او باشد، تاریخ ۹۳۱ نباید صحیح باشد. سید حسین بن ابی الحسن در صیدا به دسیسه قاضی معروف شامی صهیونی مسموم شد و جنازه او به جعب برده شد و پس از آنکه شهید ثانی برپیکر مطهرش نماز گزارد در همانجا به خاک سپرده شد. تاریخ درگذشت او شب نهم رجب ۹۶۳ ذکر شده است. شرف الدین بدون اشاره به قاضی معروف به مسموم شدن سید حسین بن ابی الحسن در صیدا اشاره کرده است. بنگرید به: بغیة الراغبین (بیروت: دار المورخ العربی، ۲۰۰۶/۱۴۲۷)، ص ۱۳۱-۱۳۲. گفته آقا بزرگ درباره اینکه فرزند سید حسین بن ابی الحسن، یعنی سید نورالدین علی پس از شهادت شهید ثانی با مادر صاحب معالم ازدواج کرده و صاحب مدارک از این ازدواج است، صحیح به نظر نمی رسد، چرا که اولاً تاریخ تولد صاحب مدارک، سال ۹۴۶ است. همچنین مادر شیخ حسن صاحب معالم، به احتمال بسیار دختر شیخ محیی الدین میسی است که البته سید علی بن حسین بن ابی الحسن پس از شهادت شهید ثانی در ۹۶۵ با او ازدواج کرده و سید علی بن علی بن حسین بن ابی الحسن از این ازدواج است که در جعب و به سال ۹۷۰ متولد شده است. دست خط سید حسین بن ابی الحسن را انجام نسخه ای از ارشاد الاذهان علامه حلی به شماره ۵۸۴۹ در کتابخانه مجلس آمده که بسیار خلاصه در فهرست آن کتابخانه (ج ۱۷، ص ۲۵) نیز معرفی شده است (همچنین بنگرید به: السید عبدالعزیز الطباطبائی، مکتبه العلامة الحلی، ص ۳۹-۴۰). در انجامة ارشاد الاذهان کتابت

از دوست گرامی آقای سید محمد رضا حسینی اشکوری که تصویر چند برگ اخیر را در اختیارم قرار داد، بی نهایت سپاسگزارم. ممکن است که اجازهٔ اخیر در برخی نسخه های دیگر الروضة البهية نیز آمده باشد اما اطلاع آن در فهرس منعکس نشده است. ۳- نسخهٔ کتابت شده توسط سید ناصرالدین بن جمال الدین بن سید ناصرالدین حسینی علوی که تاریخ فراغت از کتابت جلد دوم آن، ۲۰ ربیع الاول ۹۵۹ بوده است؛ ۴- نسخهٔ کتابت شده توسط

شده توسط سلمان جبعی، سید حسین بن ابی الحسن اجازه ای به وی با ذکر اجمالی از طریق روایت وی در خصوص کتاب ارشاد الاذهان و دیگر مکتوبات فقهی و اشاره به داشتن اجازه از محقق کرکی داده است. متن اجازهٔ اخیر منحصر به همین نسخه است و در جایی دیگر حتی در بخش اجازات الذریعه به دلیل در دسترس نبودن متن آن سخن نرفته باشد. در برگ ۱۹۶ الف، سلمان بن محمد جبعی در انجامهٔ خود تاریخ کتابت ارشاد الاذهان را روز سه شنبه هفدهم رجب ۹۳۷ ذکر کرده است (تمتّه علی ید الفقیر الی الله تعالی سلمان بن محمد بن محمد الجباعی فی یوم الثلاثاء السابع عشر من شهر رجب الاصب من شهر سنة سبع و ثلاثین و تسعمائة هجرية نبوية علی مشرفها السلام و الحمد لله وحده). متن اجازهٔ سید حسین بن ابی الحسن چنین است:

«الحمد لله حمداً كبيراً كما هو اهله ومستحقه و الصلوة و التسليم علی افضل نبی من خیر صمیم محمد الفاتح ما يتعلق ابواب الهداية الفالاق لمنفتح مصاريع الشرك و الغواية، انهاه وفقه الله تعالی لطاعته و اعانه و ايانا علی فعل الخير و ملازمته قراءة مهذبة و قد اجزت له روايته و رواية باقی كنب المصنف -رحمه الله تعالی- عنی عن شیخی الأجل، الشيخ علی بن عبدالعالی الكركی عن مشائخه بطرقه الواصلة الی المصنف -قدس الله سرّه- و كذا اجزت له رواية كنب الشيخ المشار الیه و ما تنسب الیه من الحواشی و التراجم و كذا باقی الكنب الفقهية المحققة النسبة الی احد من علماء الاصحاب كل واحد بطريقه المثبت فی الاجازة الكبرى التي بخطه -قدس الله سرّه- فليرو ذلك لمن شاء و أحب محتاطاً فی ذلك، مراعیاً شروط الرواية المعتمدة عند اهل هذا الفن المقررفی مفادتها و شرطت علیه عدم نسیانی من صالح دعواته و خالص بركاته و نفايس تجلياته حياً و ميتاً بالرحم و التوفيق لما یجبه و یرضاه و الأخذ بزمان قلوبنا الی ما یجبه و یهواه انه علی كل شیء قدیر و بالاجابة جدير و هو حسينا و نعم الوكيل، سطرها افقر العباد حسین بن ابی الحسن عفی الله عنه یوم السبت التاسع من شهر شوال سنة ثلاثین و اربعین و تسعمائة هجرية نبوية علی مشرفها السلام و الحمد لله وحده و صلی الله علی محمد و آله».

در حاشیه نیز دست خط مرحوم سید محمد مشکات در معرفی نسخه آمده است. مرحوم مشکات برخی از نسخه های خطی خود را به کتابخانهٔ مجلس فروخته است (تذکر اخیراً مرهون دوست عزیزم آقای سید محمد حسین حکیم هستم). اجازهٔ اخیر دلیل دیگری بر نادرستی تاریخ ۹۰۶ تولد سید حسین بن ابی الحسن است چرا که در اجازه او تصریح بر شاگردی نزد محقق کرکی (متوفی ۹۴۰) دارد و باید مدتها پیش از ۹۳۷ که اجازهٔ اخیراً داده از محقق کرکی اجازه گرفته باشد و با توجه به سن او در صورت پذیرش سال ۹۰۶ اخذ اجازه از محقق کرکی کمی دشوار می نماید.

ملا محمود بن حمزه لاهیجانی در کتابخانه مدرسه غرب همدان به شماره ۱۹۶۸ که مشتمل بر جلد دوم کتاب است و تاریخ فراغت از کتابت آن چهارشنبه ۶ رجب ۹۵۹؛ نسخه کتابت شده از روی نسخه اخیر توسط الله وردی بن الله قلی ترکمان در ۹۵۹ که در کتابخانه فاضلیه مشهد بوده و اکنون در کتابخانه آستان قدس به شماره ۱۳۸۶۴ است و سرانجام ۵- نسخه کتابت شده توسط فضل الله بن محمد بن صقر عراقی نجفی کعبی که تاریخ فراغت از کتابت آن سه شنبه ۴ ربیع الثانی ۹۶۵ و در نجف ذکر شده و در کتابخانه علامه طباطبائی شیراز ۳۴۱/۲ موجود است. چند نسخه کهن دیگر از کتاب الروضة البهية که در زمان حیات شهید ثانی یا اندکی پس از شهادت او کتابت شده، در دست است که احتمال دارد کاتبان آنها نیز از شاگردان شهید ثانی باشند از جمله نسخه مسجد اعظم قم به شماره ۱۹۰۹ که مشتمل بر جلد اول کتاب است و کاتب آن شخصی است به نام محمد بن فخرالدین حسینی سبزواری که در روز شنبه پنجم ربیع الثانی ۹۶۱ از کتابت نسخه در شهر تبریز فراغت حاصل کرده است. وی به احتمال بسیار باید همان امیر فخرالدین محمد سماکی استرآبادی باشد که مدتی در سبزواریه تدریس مشغول بوده و در هنگام سفر شهید به عراق در نجف وی را دیده و بعدها سه پرسش فقهی را به نزد شهید ثانی فرستاده و شهید به آنها پاسخ گفته است. قاضی احمد قمی در اشاره به سماکی نوشته است:

«وهم درین سال در شب دوشنبه نهم شهر ذی قعدة، سید الاعظم، جامع الفضایل و الحکم، حلال مشکلات الدقایق، کشف معضلات الحقایق، امیر فخرالدین محمد السماکی الاسترآبادی که از اکابر علمای زمان بود، در دارالسلطنة قزوین همراهی شاه جنت قرین بجوار رحمت ایزدی پیوست. میر از تلامذة استاد البشر امیر غیاث الدین منصور شیرازی بود و بعد از ترقیات مدتی در دارالمؤمنین سبزواریه مدرس بود...». (خلاصة التواریخ، ج ۲، ص ۱۰۲).

نسخه ای دیگر مشتمل بر همین بخش از الروضة البهية با همان تاریخ جزبا حذف نام کاتب در کتابخانه الهیات مشهد به شماره ۱۴۰۴ موجود است (بنگرید به: محمود فاضل، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۱ش، ج ۲، ص ۵۴۸-۵۴۹). در صورت صحیح بودن گمان اخیر، دو نسخه

اخیر که ظاهراً باید یکی استنساخ از دیگری باشد یا از نسخه ای مشترک، به عنوان نسخه های مهم و مادر الروضة البهية در عصر صفویه دانست که توسط شاگردان شهید ثانی کتابت شده اند.

همین گونه در مرکز احیاء میراث اسلامی به شماره ۳۸۱۶ جلد دوم الروضة البهية موجود است که حیدر محمد القاری ابن نظام الدین محمود بن مجد الدین محمد ابوعلی استرآبادی در روز سه شنبه ۱۹ ذی قعدة ۹۶۰ کتابت کرده است. در کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۶۶۷۷ نیز جلد دوم الروضة البهية موجود است که آن را سید علی بن سلیمان بن علی بن ناصر حسینی موسوی اوالی توبلی جدّ خاندان آل قارون در پانزدهم جمادی الثانی ۹۷۱ در مشهد رضوی و در مدرسه شاروخیه (شاهروخیه منسوب به شاهرخ تیموری متوفی ۸۵۰) کتابت کرده است.^۱

۱. نسخه ۵۱۵۷ کتابخانه آیت الله مرعشی به نام مفتاح الباب الحادی عشر تألیف میر ابو الفتح بن میرزا محمود حسینی عربشاهی در مشهد رضوی و در مدرسه شاروخیه کتابت و تألیف آن به پایان رسیده است (...بالمشهد المقدس علی ساکنها التحية والسلام ثم وقع اتمام كتابة هذه الرسالة فی ظهر يوم الاثنين التاسع و عشر شهر شوال ختم بالخیر والاقبال سنة ۹۵۵ فی المشهد الرضوية الرضوية علی مشرفها الف الصلوة والتحية فی المدرسة الشاهرخية حماها الله عن الآفات والبلیات). نام مدارس کهن دوره تیموری در مشهد، به دلیل تغییر کردن در بعد باعث می شود که دقیقاً نتوانیم مدرسه های ذکر شده در نسخه های خطی چون مدرسه حسن جاندار که علی بن قاسم موسوی نجفی از آن یاد کرده را بشناسیم. همچنین از میان رفتن برخی مدارس عصر تیموری در ادوار بعدی نیز دلیل دیگر در عدم امکان کامل شناسایی و تطبیق مدرسه های مذکور با آنچه که امروز باقی مانده است. اما احتمال دارد که مراد از مدرسه حسن جاندار، مدرسه بالاسر باشد که از جمله مدارس عهد تیموری است. درباره مدارس مشهد بنگرید به: محمود پسندیده، اسناد و موقوفات مدارس تاریخی حوزه علمیه مشهد (مشهد، ۱۳۹۴ش).

شاهرخ مدرسه خانقاهی نیز در هرات ساخته است. برای مدرسه شاروخیه هرات بنگرید به:

Maria Eva Subtelny and Anas B. Khalidov, "The Curriculum of Islamic Higher Learning in Timurid Iran in the Light of the Sunni Revival under Shāh Rūkh," *Journal of the American Oriental Society*, Vol. 115, No. 2 (Apr. - Jun., 1995), pp. 210-236.

درباره مدرسه بالاسر یا شاروخیه بنگرید به: محمود پسندیده، حوزه علمیه خراسان: مدارس علمیه مشهد (مشهد، ۱۳۸۵ش)، ج ۱، ص ۸۸-۱۰۲. خاندان آل قارون از خاندان های عریق بحرین است و در کتاب منتظم الدین شرح حال سه برادر آمده جز آنکه نویسنده به دلیل در دسترس نداشتن فهرست آستان قدس رضوی و اکتفا به مطالب نقل شده از آن در الذریعه متوجه ارتباط میان سید هاشم بن سلیمان بن علی حسینی با

شهر حله در قرن هفتم و هشتم از مراکز مهم علمی شیعه است و خاندان‌های شیعی مهمی در آن حضور داشته‌اند و نام برخی از مدارس شیعه در آن شهر چون مدرسه شمسیه^۱ و مدرسه زینیه در انجامة‌های برخی از نسخه‌های خطی آمده و می‌توان با استخراج اطلاعات آمده در انجامة‌های نسخه‌های خطی تاریخ فرهنگی شهر حله و ارتباط آن با دیگر جوامع شیعی آن ادوار را به شکل وسیعتری مورد بررسی قرار داد. در کتابخانه مجلس شورای اسلامی جلد سوم از کتاب مختلف الشیعة علامه حلی به شماره ۱۳۱۷ موجود است که کاتب آن در انجامة نوشته است: «تم الجزء الثالث من کتاب مختلف الشیعة فی احکام الشریعة ویتلوه فی الرابع بعون الله تعالی کتاب علی یدی مصنفه ادام الله ایامه فی منتصف شوال سنة اثنین و سبعمائة و علی یدی العبد الضعیف المحتاج الی رحمة ربه اللطیف محمد بن محمد بن ابی طالب الآبی فی سلخ شهر شوال سنة اربع و سبعمائة فی بلد الحلة حماه الله تعالی من کل بلیة فی المدرسة الشمسیة حامداً لله تعالی و مصلیاً و مستغفراً».

دو تن دیگر یعنی سید علی بن سلیمان بن علی حسینی و سید ناصر بن سلیمان بن علی حسینی نشده است. بنگرید به: منتظم الدین، ج ۳، ص ۱۴۵-۱۴۶، ۳۴۲-۳۴۵ و ۳۸۵-۳۸۶. از حجت الاسلام و المسلمین السید محمد حسن الموسوی آل العلامة الفقیه السید علی القارون الزاهد البحرانی که این مطالب را به بنده متذکر شدند، بی نهایت سپاس دارم. نمونه ای دیگر از اهمیت انجامة‌های نسخه‌های خطی برای شناخت خاندان‌های شیعی، مطلبی است که دوست گرامی ابوجعفر حلی گوشزد نموده اند. در کتابخانه مدرسه امام صادق علیه السلام شهر چالوس نسخه ای از کتاب قواعد الاحکام علامه حلی مشتمل بر جلد اول (طهارت تا ابتدای نکاح) که عبدالمهدی بن الحسین بن ابی الحسن علی بن ابی العز محمد بن علی بن محمد بن علی بن خمیس بن زماء القویقی التغلبی الحلی در آخر ظهر دوشنبه سلخ ربیع الاول ۷۱۷ در شهر حله کتابت کرده و نسخه دارای حواشی و تعلیقات بسیاری در حاشیه است. علامت بلاغ و سماع در جای جای نسخه نیز دیده می شود و برخی هوامش از علامه حلی با عبارت «قال دام ظلّه» است. نام نیای او یعنی ابوالعز محمد بن علی بن قویقی - منسوب به نهر قویق، رودی در شهر حلب است و در ضمن اسناد کتاب حجة الذاهب ابن معد موسوی نیز آمده است. برای توصیفی از این نسخه بنگرید به: محمود طیار مراغی، فهرست نسخه‌های خطی مدرسه امام صادق علیه السلام چالوس (تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۱ش)، ص ۱۲۶. سپاس ویژه از دوست عزیزم ابوجعفر احمد علی مجید الحلی که این مطالب را در اختیارم قرار داد.

۱. بنگرید به: فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، ج ۲۸، ص ۷۱۹.

نسخه در زمان حیات علامه حلی (متوفی ۷۲۶) کتابت شده و کاتب که از شاگردان علامه حلی است مکان کتابت نسخه را مدرسه شمسیه ذکر کرده که علی القاعده باید نام مدرسه ای باشد که علامه حلی در زمان اقامتش در حله در آنجا به تدریس مشغول بوده است. از آنجایی که اطلاعات اخیر به صورت ناقص در فهرست آمده، در منابع بعدی نیز مطالب اخیر از قلم افتاده است. جز آنکه فهرست نویسان عموماً یا اطلاعات اخیر را نادیده گرفته‌اند یا به شکل غیر دقیقی در فهرس خود منعکس کرده‌اند. به عنوان مثال درباره روابط میان فخرالمحققین با برخی اعیان شهرکاشان اطلاعات خوبی در میان نسخه های خطی وجود دارد. به عنوان مثال دانسته است که فخرالمحققین با فردی به نام تاج الدین ابوسعید بن عماد الدین حسین بن محمد بن احمد کاشی ارتباط داشته و به او اجازه روایت رساله ثلاث و اربعون حدیثاً عن النبی صلی الله علیه و آله را در آخر شعبان ۷۵۹ در حله داده است. فرد اخیر خود کاتب نسخه ای از کتاب قواعد الاحکام که نامش در انجمنه نسخه حسین بن ابی الحسن بن محمد ابن حسن الکاشانی آمده که در هفتم صفر ۷۲۸ از کتابت قواعد فراغت حاصل کرده و نسخه به شماره ۵۶۴۳ در کتابخانه مجلس است.

شاگردان ایرانی علامه حلی که برخی از آنها در شام یا عراق اقامت گزیده‌اند، نقش مهمی در کتابت آثار علامه و ترویج آنها داشته‌اند. به عنوان مثال زین الدین / شرف الدین علی بن حسن بن حسین بن حسن سرابشروی ساکن و متولد در کاشان یکی از این افراد است. وی استاد روایی رضی الدین عبدالملک بن اسحاق بن عبدالملک بن فتحان قمی کاشانی (زنده در ۸۵۱) و عطاء الله بن اسحاق بن ابراهیم حسینی است که تعدادی از آثار علامه به خط او موجود است؛ از جمله تسلیک النفس الی حظیره القدس که در ۷۱۵ یا نسخه ای از نهج المسترشدین که در ۷۱۵ کتابت کرده است. همچنین نسخه ای از کتاب مبادی الوصول الی علم الاصول علامه حلی در کتابخانه بریتانیا موجود است که علی بن الحسن بن الرضی العلوی الحسینی السرابشروی در ۷۱۵ کتابت کرده است (نجز الكتاب علی یدی العبد الضعیف المحتاج الی رحمة الله تعالی علی بن الحسن بن الرضی العلوی الحسینی السرابشروی فی سلخ رجب سنة خمس عشر و سبعمائة حامداً مصلیاً). سرابشروی نسخه را نزد فخرالمحققین خوانده

ووی اجازه روایت کتاب را بر ظهر نسخه به خط خود نوشته است (قرأ علیّ المولی السید المعظم الحسیب النسیب شرف آل أبی طالب العالم الفاضل الزاهد العابد الورع زین الدین علی بن الحسن بن الرضی العلوی الحسینی السرابشوی کتاب مبادی الوصول إلى علم الأصول قراءة تشهد بفضلہ وتدل علی علمه وقد أجزت له رواية هذا الكتاب عتی عن والدی المصتف آدم الله أيامه وكذلك أجزت له رواية جميع ما قرأتها ورويته وأجيزلی روايته فليرو ذلك علی الشرائط المقررة وكتب محمد بن الحسن بن یوسف بن المطهر فی غرة جمادی الأولى سنة خمس عشر وسبعمائة والحمد لله وحده وصلى الله علیه وآله وسلم تسليماً كثيراً). نسخه مقابله و تصحیح شده و دارای بلاغ مقابله است که شاید خود کاتب یا شخص دیگری این کار را انجام داده باشد (بلغت المقابلة مع نسخة قرئت علی الامام العالم فخر الملة والدين ابن الإمام العالم الكامل مصنف الكتاب الحسن بن یوسف (بن) المطهر آدم الله ظلهم). پدر وی حسن بن حسین بن حسن سرابشوی نیز از سرشناسان کاشان در عصر خود بوده و نسخه ای از تحریر الاحکام الشرعیة علامه حلی موجود است به شماره ۳۷۵۱ در کتابخانه آیت الله مرعشی که از آغاز کتاب تا پایان عتق است و حسن بن حسین بن حسن سرابشوی از کتابت آن در اول جمادی الاولی ۷۳۵ در کاشان فراغت حاصل کرده و نسخه بعدها در تملک یکی از افراد خاندان فتحان یعنی محمد بن عبدالله الواعظ بوده است.^۱ آفندی نسخه ای از کتاب قواعد

۱. در پایان جزء اول کتاب تحریر الاحکام، کاتب در انجامه نوشته است: «...تم الجزء الاول من کتاب التحریر و يتلوه القاعدة الثانية فی العقود علی يد اضعف عباد الله واحوجهم الى غفرانه حسن بن الحسين بن الحسن السرابشوی ببلدة قاسان سماها الله من الحدثان شهور سنة خمس وثلاث وسبع مائة حامداً مصلياً مستغفراً والحمد لله وحده». در پایان کتاب العتق نیز آمده است: «...علی يد العبد الفقير إلى الله حسن بن الحسين بن الحسن السرابشوی يوم الأول من جمادی الأولى شهور سنة خمس وثلاثين وسبعمائة ببلدة قاشان سماها الله عن الحدثان حامداً مصلياً مستغفراً الله اغفر كاتبه وقاريه ولن قال أمين يارب العالمين». در زیر آن دو تملک است از جمله «من كتب الفقير محمد بن عبدالله الواعظ عفی عنهما» که یکی از افراد خاندان فتحان قمی است که در کاشان سکونت داشته اند. ادامه کتاب از نکاح تادیات که بخشی از آن اقتاده است، به شماره ۴۸۳۱ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است که حسن بن حسین بن حسن سرابشوی در ۲۲ جمادی الآخر ۷۳۵ در محله باب ورده کاشان از کتابت جزء سوم فراغت حاصل کرده است (... و فرغ كاتبه العبد الفقير إلى الله تعالى حسن بن الحسين بن الحسن السرابشوی ببلدة قاشان سماها الله من الحدثان فی محلة باب ورده الثاني والعشرين من جمادی الآخر شهور سنة خمس وثلاثين وسبعمائة حامداً مصلياً مستغفراً).

الاحکام را دیده که سرایشنوی برظهران اجازه ای برای فرزندش زین الدین علی نوشته کما اینکه نسخه ای از نهج البلاغه را دیده که سرایشنوی اجازه ای برظهران به تاریخ شب نوزدهم ذی الحجة ۷۲۸ برای نجم الدین ابوعبدالله حسین بن اردشیر بن محمد طبری نوشته است. افندی به دقت نام و شهرت حسن بن حسین سرایشنوی را در اجازات مذکور نقل کرده است که براساس نقل های وی می توان گفت که سرایشنوه در همان ادوار به صورت سرایشنوه نیز شناخته شده بوده و ظاهراً بعدها هر دو صورت نام سرایشنوه و سرایشنوه به صورت خلاصه تر «وشنوه» درآمده است. افندی به نقل از ابن ابی الجمهور که در طریق هفتم خود از شیخ روایت خود عبدالله بن علاء الدین فتح الله بن عبدالملک بن فتاح واعظ قمی یاد کرده طریق خود را به تاج الدین حسن سرایشنوی که از علامه اجازه روایت داشته، رسانده است و ظاهراً در نسخه ای که در اختیار افندی بوده، سرایشنوه روستایی در عراق معرفی شده که البته ظاهراً مراد عراق عجم است و با توجه به اقامت سرایشنوی در کاشان می توان تغییر در صورت تلفظ روستای سرایشنوه / سرایشنوه به وشنوه کنونی را پذیرفت.^۱

از میان شخصیت های برجسته شیعه، علامه حلی (متوفی ۷۲۶) را باید نام برد که لازم است تا پژوهشی کامل از نسخه های خطی آثار ایشان صورت گیرد و اطلاعات مختلف آمده در انجامة ها یا آغاز نسخه های کهن کتابت شده ایشان به صورت کاملی استخراج شود. پژوهش مهم مرحوم سید عبدالعزیز طباطبائی با عنوان مکتبة العلامة الحلی (قم، ۱۴۱۶) قدم مهمی در انجام چنین کاری است و آثار بسیار کهنی از علامه در دست است که شاگردان او کتابت کرده اند که گردآوری کامل اطلاعات آمده در انجامة این آثار می تواند برای تحقیق بیشتر در

۱ بنگرید به: افندی، ریاض العلماء، ج ۱، ص ۱۷۴-۱۷۵، ج ۳، ص ۳۹۹ که توضیح درباره سرایشنوه را بار دیگر نقل کرده است؛ بحار الانوار ج ۱۰۵، ص ۱۰. افندی متن اجازه حسن سرایشنوی به فرزندش را در ضمن شرح حال زین الدین علی بن حسن سرایشنوی آورده است. بنگرید به: ریاض العلماء، ج ۳، ص ۳۹۷-۳۹۸. بر اساس شهرت افراد کاشانی که عموماً اهل روستاهای اطراف کاشان هستند شاید بتوان گفت بیشتر اهل خود شهر کاشان سنی مذهب و روستاهای اطراف آن شیعه مذهب بوده اند. بنگرید به: حمد الله مستوفی، نزهة القلوب، ص ۶۸.

خصوص تاریخ تشیع در قرن هفتم و هشتم مفید باشد.^۱ به عنوان مثال یکی از شاگردان علامه حلی، شخصی است به نام ابوالفتح احمد بن ابی عبدالله بلکو بن ابی طالب آوی که مجموعه‌ای مشتمل بر قواعد المرام فی علم الکلام ابن میثم بجرانی؛ مبادی الوصول الی علم الاصول علامه و نهج المسترشدین فی اصول الدین همورا کتابت کرده و دو کتاب اخیر را نزد علامه و فرزندش خوانده و اجازه روایت دریافت کرده است. مجموعه اخیر به شماره^۴ در

۱ برخی عالمان امامی که خطی نیکو داشته اند، در کار کتابت نسخه هانیز بوده اند و از این رهگذر گذران زندگی می کرده اند. به عنوان مثال یکی از شاگردان شهید ثانی به نام محمد بن احمد بن سید ناصرالدین علوی حسینی حلی که سالها در دمشق و جبل عامل ساکن بوده، به کار کتابت نسخه های شیعی و گاه غیر شیعی مشغول بوده است که به نظر می رسد برای گذران زندگیش بوده است. برای بحثی درباره وی بنگرید به:

Devin. J. Stewart, "A Case of Twelver Shiite Taqiyyah in 16th-Century Damascus: Claimed Adherence to the Shāfi'ī Legal School," Rivista degli studi oriental (forthcoming).

از عالمان امامی اهل حله قرن نهم هجری که در کار کتابت نسخه بوده، می باید به علی بن منصور بن حسین مزیدی اشاره کرده که می دانیم دست کم شاید سه بار کتاب تذکره الفقهاء علامه حلی را کتابت کرده است؛ بار نخست در سال ۸۶۷؛ بار دوم در ۸۷۰ و بار سوم در ۸۷۴. از بار نخست کتابت او مجلدات اول تا سوم مشتمل بر کتاب طهارت به شماره ۱۱۱۷ در کتابخانه مجلس (سنا) با تاریخ فراغت از کتابت ۱۹ رجب ۸۶۷ موجود است که شهرت المزیدی او در فهرست کتابخانه مجلس به المرندی تصحیف شده است (ج ۲، ص ۱۲۲-۱۲۳) و مجلد چهارم مشتمل بر زکات و صوم و آغاز حج در کتابخانه آیت الله حکیم به شماره ۳۱۸ (تاریخ فراغت از کتابت ۱۹ رمضان ۸۶۷). از کتابت بار دوم مجلدات دوازدهم و سیزدهم با تاریخ فراغت از کتابت هشتم ربیع الثانی ۸۷۰ در کتابخانه مدرسه فیضه قم به شماره ۴۴۱ و از بار سوم کتابت مجلد مشتمل بر کتاب حج، جهاد و بیع و شفعه با تاریخ کتابت ۸۷۴ در کتابخانه الهیات مشهد دانشگاه فردوسی به شماره ۶۶ موجود است. مجلدی مشتمل بر جلد دهم و یازدهم از کتاب تذکره الفقهاء در کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام نجف موجود است که تاریخ کتابت آن ذکر نشده است. مزیدی همچنین کتاب مختلف الشیعه را کتابت کرده که اکنون بخشی از آن که وی در ۱۵ صفر ۷۵۹ از کتابت آن فراغت حاصل کرده و بعدها در ۷۶۳ آن را مقابله کرده به شماره ۶۶۹۹ در دانشگاه تهران موجود است. درباره مزیدی و دیگر آثار کتابت شده توسط او بنگرید به: افندی، ریاض العلماء، ج ۴، ص ۲۶۹؛ طبقات اعلام الشیعه: الضیاء اللامع فی القرن التاسع، ص ۱۰۰-۱۰۱. ظاهرا کاتب ایضاح الفوائد مجموعه طباطبائی مجلس به شماره ۹۵ که علی بن محمد بن حسین مزیدی است همین علی بن منصور بن حسین مزیدی باشد که در ۷۶۱ از کتابت نسخه فراغت حاصل کرده است. شهرت مزیدی توسط فهرست نگار محترم مرندی خوانده شده است. بنگرید به: سید محمد منصور بهبهانی، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی: کتابهای اهدائی سید محمد صادق طباطبائی (تهران، ۱۳۸۱ش)، ج ۲۴، ص ۸۶.

کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است. وی در پایان کتاب قواعد المرام، در اشاره به جایگاه ابن میثم بحرانی و زمان تألیف و کتابت نسخه توسط خود نوشته است:

«..اتفق فراغ مصنفه ومؤلفه مولا ملک العلماء الدهر مفتی الطوائف، کاشف الحقائق و اللطائف، کمال الملة والدين میثم بن علی بن میثم البحرانی -تعمده الله برحمته واسكنه مجبوحه جنته- بمدينة السلام فی العشرين من ربيع الاول سنة ست و سبعین و ستمائة و وقع الفراغ من كتابته ظهر يوم العشرين من رجب المرجب لسنة سبع و سبعمائة بسلطانية رحم الله محدثها علی یدی صاحبه ابی الفتح احمد بن ابی عبدالله بلکوبن ابی طالب الآوی بورک له و بامثاله بحق محمد وآله».

برخی کاتبان انجامة نویسنده در خصوص زمان نگارش کتاب را حذف می کرده اند به همین دلیل نسخه هایی که به نوعی به زمان نگارش کتاب اشاره دارند، اهمیت خاصی از جهت روشن کردن زمان نگارش کتاب یا حتی گاه زمان تقریبی حیات نویسنده دارند. مرحوم آقابزرگ در ذیل القواعد الالهية فی الکلام والحکمة ابن میثم بحرانی به برخی نسخه های کهن و زمان تألیف کتاب اشاره کرده است. بنگرید به: الذریعة، ج ۱۷، ص ۱۷۹. نسخه ای کهن از کتاب قواعد المرام کتابت شده در ۶۹۹ در اختیار مرحوم فخرالدین نصیری بوده است. ابن میثم بحرانی کتاب قواعد را به درخواست عزالدین ابوالمظفر عبدالعزیز بن جعفر بن لیث اشتری نیشابوری (متوفی ۶۷۲) نوشته است (برای شرح حال کوتاه او بنگرید به: محمد بن احمد ذهبی، تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر و الاعلام، تحقیق بشار عواد معروف (بیروت، ۱۴۲۴/۲۰۰۳)، ج ۱۵، ص ۲۴۳) و براین اساس تاریخ تألیف کتاب که ابن بلکو ۶۷۶ ذکر نموده باید ۶۶۶ باشد چرا که با توجه به تقدیم کتاب به عبدالعزیز بن جعفر به نظر می رسد که ابن بلکو در نگارش کلمه ستین به سبعین مرتکب خطا شده است (بنگرید به: عبدالزهراء عویناتی، ابن میثم البحرانی: حیاته و آثاره (قم، ۱۳۹۳ش)، ص ۱۴۸). در سنت تراجم نگاری، بخش مهمی از اطلاعات در خصوص افراد بر اساس مطالب آمده در انجامة کتابهای خود شخص تنظیم می شده است. نمونه ای مهم از این سنت، کتاب ریاض العلماء افندی و کتاب طبقات اعلام الشيعة مرحوم آقابزرگ طهرانی است.

نسخه‌ای از کتاب شرح الكلمات المائة من كلام بحر العلوم الزاخر والشرف الفاخر الامام الهمام والاسد القمقام امير المؤمنين وسيد الوصيين علي بن ابي طالب عليه افضل الصلوات و اكمل التحيات تأليف الامام الفاضل البارع كمال الدين ميثم بن علي البحراني در دست است كه شخصى به نام حسن بن محمد بن علي بن مشرف عينائى در ۸۷۰ برای بزرگى به نام شمس الملة والدين محمد بن مجير كتابت کرده است. متأسفانه درباره كاتب و شخصى كه كتاب به جهت او كتابت شده، اطلاعى در دست نيست اما به احتمال بسيار بايد يكى از اعيان و اشراف شام باشد. نسخه اخير اساس تصحيح كتاب ابن ميثم توسط مرحوم محدث ارموى بوده و اكنون همراه ديگر نسخه ها بايد در كتابخانه مركز احياء ميراث اسلامى در قم موجود باشد. انجامة كامل كتاب چنين است:

«و تم الكتاب بعون الملك الوهاب القوى الغلاب ليلة السبت عشية الخامسة من شهر ربيع الاول سنة سبعين وثمانين من هجرة سيد المرسلين على يد العبد الفقير المحتاج الى ربه القدير فى التجاوز عن سيئاته و غفران هفواته و العون على قضاء حاجاته حسن بن محمد بن علي بن مشرف العينائى - أصلح الله داريه و وفقه للخير و أعانه عليه - أنه جواد كريم، خدمة للشيخ التقى و الشهاب المضى الذى تسّم من الفضائل أعلى باب و تلبس من التقى و العفة أحسن جلباب الشيخ شمس الملة و الدين محمد بن مجير لازالت ايامه لامعة بالاقبال و لياليه مقمرة لا يغادرها آفات بمحمد و آله خير آل»^۱.

با توجه به وضعيت مالى عالمان امامى در قرون هفتم تا دهم هجرى عموماً آنها خود كاتبان نسخه هاى خطى هستند كه نزد استادانشان خوانده اند و بر اين اساس مى توان كاتبان نسخه هاى داراى انهاء قرائت بر مؤلف را به احتمال بسيار شاگرد مؤلف دانست، به عنوان مثال نسخه شماره ۲۷۵ كتابخانه آيت الله مرعشى كه نسخه اى از كتاب مهذب البارع است

۱. تعابیر به کار رفته توسط كاتب دلالت بر تشیع شخصى دارد كه نسخه به جهت او كتابت شده است. خواندن بخشى از عبارت انجامة به لطف دوست و سرور گرامى عبدالحق جنى مىسر شد.

توسط فردی به نام علی بن رستم همدانی کتابت شده است.^۱ کاتب در انجامه تنها روز و ماه فراغت از کتابت را ذکر کرده است (وقع الفراغ فی رابع و العشرین صفر ختم الله بالخیر و الظفر علی ید العبد الفقیر المذنب الراجی الی رحمة ربه علی بن رستم الهمدانی غفر الله له). در کنار انجامه کاتب نسخه که پراز حواشی است که نشان می دهد متن به درس نزد ابن فهد خوانده شده است، انهاء قرائت توسط ابن فهد نوشته است (انهاه ایده الله فی مجالس متعدده آخرها سلخ شوال ختم بالاقبال من سنة خمس و ثلاثین و ثمانائة قراءة و بحثاً و شرحاً و فهماً کتب اضعف العباد احمد بن محمد بن فهد مؤلف الكتاب الحمد لله وحده و صلى الله على سيدنا محمد و آله). به احتمال بسیار تاریخ کتابت نسخه همان سال ۸۳۵ باشد و کاتب علی بن رستم همدانی از شاگردان ناشناخته ابن فهد حلی باشد که پس از کتابت نسخه، آن را نزد ابن فهد خوانده است. همین گونه حسین بن محمد بن حسن جوینانی عاملی مویشی نسخه ای از کتاب مذهب البارع را کتابت کرده که تاریخ فراغت از کتابت جزء اول آن یکشنبه ۲۱ شعبان ۸۱۲ در مدرسه زینیه است و نسخه را سه بار بر ابن فهد خوانده و ابن فهد هر بار گواهی بر قرائت کتاب برای او نوشته است. این نسخه به شماره ۶۷۳۶ در کتابخانه دانشگاه تهران موجود است.^۲ از افراد خانواده حرو، علی بن محمد بن حر عاملی را می شناسیم که در صفر سال

۱. کتابت برخی از آثار فقهی چون ارشاد الازهان الی احکام الایمان یا آثار فقهی شهید اول و ثانی و تألیفات محقق کرکی، در قرن دهم تا حدی دلالت بر این دارد که کاتب خود از علما است که گاه کاتب با تعبیر «لنفسه» به این مطلب که نسخه را برای استفاده خود کتابت کرده، اشاره کرده است. نام بسیاری از علما امامی این دوران در لایه لایه فهرس آمده که نامشان در کتابهای تراجم قرن یازدهم و دوازدهم هجری از قلم افتاده است. به عنوان مثال در کتابخانه سید معصوم حسینی قهستانی در شهر قائن به شماره ۱۷ نسخه ای از کتاب ارشاد الازهان الی احکام الایمان موجود است که حسین بن سلطان علی ورامنی (ورامینی) در روز یکشنبه ۲۶ ذی قعدة ۹۶۷ در شهر ساوه از کتابت آن فراغت حاصل کرده است (تمت الكتاب بعون الملك الوهاب علی ید الفقیر الحقیق الراجی الی رحمة الله الملك الغنی حسین بن سلطان علی الورامنی غفر الله ذنوبهما و ستر عیوبهما و قد وقع الفراغ من تسوید فی یوم الاحد سادس و عشر من شهر ذی قعدة الحرام سنة سبع و ستین و تسعمائة... و کتبه فی بلدة ساوه). نسخه تصحیح شده و حواشی بسیار مفصلی در اطراف آن کتابت شده که نشان از آن دارد که نسخه در مجلس درس و بحث مورد استفاده بوده است. بنگرید به: سید جعفر حسینی اشکوری، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مدرسه جعفریه (زهران - ایران)، ص ۱۲۸-۱۲۹.

۲. محمد تقی دانش پژوه، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران (تهران،

۸۴۳ نسخه ای از کتاب البیان شهید اول را کتابت کرده و در انجامة نسخه اخیر که ضمن مجموعه شماره ۶۷ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است، خود را چنین معرفی کرده است: «... فرغ من تعلیقه العبد الفقیر الراجی عفوربه علی بن محمد بن حرالعاملی من قریة حدائنا و ذلك یوم ثمانیة و عشرين من شهر صفر سنة ثمانمئة و ثلاث و اربعین هجرية حامداً مصلياً علی محمد و آل محمد». در کنار انجامة اخیر انهاء قرائت نسخه به خط احمد بن محمد بن علی بن خاتون بدون اشاره به نام فردی که نسخه را خوانده، چنین آمده است: «انهاه ایده الله قراءة و بحثاً و فهماً وقفه الله و ایتانا لمراضیه و اعانه و ایتانا علی اجتناب معصیته و الانزجار عن نواهیة فی عدّة مجالس آخرها یوم الأحد ثانی عشری ذی قعدة من شهور سنة سبع و تسعمائة هجرية نبویة علی مشرفها الصلوة و السلام و کتب ذلك افقر عباد الله و احوجهم الی عفوه احمد بن محمد بن علی بن خاتون حامداً مصلياً مسلماً مستغفراً».

در کتابخانه آیت الله مرعشی نسخه ای به شماره ۵۶۰۱ موجود است که مشتمل بر تعدادی از آثار ابن فهد به جزیک رساله از شهید اول است. در پایان رساله دوم نام کاتب علی بن موسی البتیشی - منسوب به روستای بتشیت در نزدیکی نبطیه - آمده و ظاهراً تمام نسخه به خط او باشد. کاتب نسخه الموجز الحاوی لتحریر الفتاوی ابن فهد را نزد علی بن محمد بن طی خوانده و او انهایی به تاریخ دوازدهم شوال ۸۵۱ برای او نوشته است (انهاه احسن الله توفیقه و سهل الی کلّ خیر طریقه قراءة و سماعاً و بحثاً و سأل عن مشکلاته و غوامض مضمراته فائتت له ذلك بحسب الجهد و اجزت له زاده الله توفیقاً روايته بحق الاجازة عن شیخنا الاعظم عزّالدين و الدنیارفع الله... حسن ابن الشیخ جمال الدین یوسف ابن العشرة عن مصنف الكتاب تغمده الله برحمته و لیرو ذلك... محتاطاً فی الروایة و کتب اقل عباد الله علی بن علی بن طی عنی الله عن سیئاته ثانی عشر شوال سنة احد و خمسين و ثمانمئة... و صلی علی سیدنا محمد و علی آله و صحبه و سلم). اجازة اخیر نشانگر آن است که علی بن علی بن طی از شاگردان ابن عشرة کسروانی (متوفی ۸۶۲) بوده است که خود از شاگردان ابن فهد بوده

است (درباره کسروانی بنگرید به: بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۲۰۹-۲۱۰).

کاتب المحرر فی الفتاوی ابن فهد را نزد محمد بن احمد شمسطاری خوانده و او انهاء و اجازة روایت برای او نوشته است. شمسطاری در انهاء خود طریق خویش به ابن فهد را نیز آورده است (انهاء - ادام الله فضائله و اسبغ مواصله - قراءه و بحثاً و ضبطاً و سأل فی اثناء البحث عن معضلاته و دقائق مشکلاته، فأجبت (فأثبت؟) له ذلك بحسب ما رویته و قد أجزت له - زاده الله علماً و فضلاً - روایة هذا الكتاب و هو كتاب المحرر فی الفتوى بحق الإجازة عن سيدنا و مولانا، السيد المعظم و المولى المكرم، السيد شمس الملة و الحق و الدين ابن المولى السيد عزّ الدنيا و الدين ابن السيد المفضل أبی القاسم الحسينى عن الشيخ الامام العالم العامل الفاضل المحقق المدقق صنف الكتاب جمال الملة و الحق و الدنيا و الدين أبو العباس ابن فهد - تغمده الله برحمته و أسكنه أعلى غرف جنته مع سيد الانبياء محمد و أصفياء عترته - فليرو ذلك لمن شاء و أحب محتاطاً لى و له فى ذلك و كتب أضعف عباد الله محمد ابن احمد شهير بالشمسطارى - عفى الله عن زلله - فى الثانى و العشرين من شهر ربيع الآخر من شهور سنة ثلاثه و خمسين و ثمانمائة هجرية و الحمد لله وحده و صلى الله على سيدنا محمد و آل محمد أنك حميد مجيد فقال لما يريد. تم). شمسطارى سبط يانوة دختری شمس الدين محمد بن عبدالعالى بن نجدة كركى است که در سرار صفر ۸۷۴ درگذشته است (بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۲۸ که شهرت شمسطارى - منسوب به روستای شمسطار - در متن چاپ شده به سمیطارى تصحيف شده است). در اجازات و انهاءات اخير نام چند تن به عنوان شاگردان و راويان از ابن فهد حلى آمده که هويت آنها چندان شناخته شده نيست، شايد فردى که شمسطارى ازوى در اجازة به عنوان شيخ روایت نام برده، محمد بن حسن بن ابى القاسم حسینی باشد که نامش به عنوان كسى که انهاء قرائت نسخه اى از تحرير الأحكام موجود در کتابخانه آيت الله مرعشى به شماره ۲۷۲ آمده، باشد. نسخه ۲۷۲ تحرير الأحكام - جلد اول - موجود در کتابخانه آيت الله مرعشى را فردى به نام حسين بن عبدالله بن تركى الخلجى در ۸۳۱ کتابت کرده است (تمت القاعدة الاولى و هى العبادات من كتاب تحرير الاحكام وهو آخر الجزء الاول منه و يتلوه فى الثانى القاعدة الثانية فى المعاملات آخر نهار الخميس ثامن جمادى الآخرة سنة احدى و ثلاثين و



ثمانه علی‌ید الفقیر الی‌الله العنی حسین بن عبدالله بن ترکی الخلیجی حامداً لله تعالی علی نعمه و مستغفراً و مصلياً علی‌النبي و آله الطاهرين و مسلماً اللهم اغفر لنا و لوالدینا و لمعلمینا و الاخواننا المؤمنین انک انت الغفور الرحیم و اختم اعمالنا بالخير یا کریم). در کنار انجامة اخیر دو انهاء قرائت آمده که نام افراد مجیز یکی محمد بن حسن بن ابی القاسم الحسینی و دیگری احمد بن فهد است و کتاب نخست نسخه را نزد ابن فهد و بعد نزد حسینی خوانده است (انها ائده الله فی مجالس متعدده آخرها عاشر جمادی الاولی من سنة اثنین و ثلاثین و ثمانه هلالی قراءه و بحثاً و فهماً و استشراحاً و ضبطاً و کتب احمد بن فهد عفی الله عنه؛ انهاء ائده الله و احسن توفیقه فی مجالس متعدده آخرها خامس شهر ربیع الآخر من سنة ثمان و اربعین و ثمانه و کتب محمد بن حسن بن ابی القاسم الحسینی عفی الله عنه). نام حسین بن عبدالله بن ترکی خلجی از شاگردان ابن فهد شناخته شده نیست اما نسخه اخیر دلالت روشنی بر این دارد که وی از شاگردان ابن فهد بوده و کتاب تحریر الاحکام را نزد او خوانده است.^۱ تقریباً دست خط نسخه یکی است و به احتمال قوی علی بن موسی بتشیشی که نامش در پایان رساله دوم آمده، از شاگردان ابن طی و شمسطاری باشد که متأسفانه جز همین نسخه اکنون اطلاع دیگری از او در دست نیست.

در کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۴، نسخه ای از کتاب مبادی الوصول و نهج المسترشدين علامه حلی موجود است که کاتب آن احمد بن ابی عبدالله بلکوبن ابی طالب بن علی الآوی است که از کتابت کتاب مبادی الوصول در رمضان سال ۷۰۳ فراغت حاصل کرده و کتاب را نزد علامه حلی خوانده و بر ظهر نسخه اجازه ای از علامه به او آمده است. او همچنین نهج المسترشدين را نزد فخر المحققین خوانده و اجازه روایت آن را گرفته است. نسخه ای از کتاب مبادی الوصول به شماره ۴۹ در همان کتابخانه موجود است که هارون بن حسن

۱. همچنین بنگرید به: سید عبدالعزیز طباطبائی، مکتبه العلامة الحلی، ص ۸۶-۸۷. آقابزرگ نسخه ای از کتاب قواعد الاحکام را دیده که حسین بن عبدالله بن ترکی خلجی از نگارش تعلیقات خود بر آن در روز چهارشنبه اول محرم سال ۸۲۶ فراغت حاصل کرده است. طبقات اعلام الشیعه: الضیاء اللامع فی القرن التاسع، ص ۴۷-۴۸. تاریخ اخیر مؤیدی بر این است که خلجی می‌توانسته از نظر زمانی شاگرد ابن فهد (متوفی ۸۴۱) بوده باشد.

بن علی طبری در روز دوشنبه بیست و یکم شعبان ۷۰۰ در حله (بحروسة حله) کتابت کرده و از علامه در ۷۰۱ اجازه روایت آن را گرفته است (وی آثار دیگری از علامه را کتابت کرده و از علامه اجازه گرفته است. بنگرید به: افندی، ریاض العلماء، ج ۵، ص ۲۹۰-۲۹۱).

درباره رواج تشیع امامی در طبرستان بر پایه نسخه های خطی می توان اطلاعات خوبی را یافت به عنوان مثال نسخه ای مشتمل بر جلد اول تحریر الاحکام به شماره ۳۸۵ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است که کاتب آن شخصی است به نام محمد بن علی طبری که در روز سه شنبه شش روز باقی مانده به ماه صفر ۷۳۷ از کتابت نسخه فراغت حاصل کرده که باید از جمله شاگردان علامه حلی (متوفی ۷۲۶) باشد (...وافق الفراغ یوم الثلاثاء لست بقین من صفر ختم الله بالخیر والظفر لسنة سبع و ثلاثین و سبعمائة علی ید العبد الضعیف المحتاج الی رحمة به اللطیف الفقیر الی الله الغنی محمد بن علی الطبری والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد النبی وآله الطاهرین و سلم تسلیماً کثیراً کثیراً). نسخه وقف شده اما مشخص نیست که این را کاتب نسخه انجام داده یا یکی از مالکان بعدی. نسخه بعدها در اختیار شخصی به نام اسکندر بن مهدی الاسترآبادی در ۷۴۹ و محمد بن نعمت الله العقدائی در اول رجب ۷۷۲ و سرانجام در تملک یونس بن حسن بن سیف صیمری بوده است (صاحب و مالک اسکندر بن مهدی الاسترآبادی انتقل منی الی ولدی محمد ابقاه الله تعالی و وفقه لملازمة طاعته و لاسکندر بن مهدی الاسترآبادی فی تاریخ سنة تسع و الاربعین و سبعمائة هجرية؛ انتقل الی العبد المحتاج الی رحمة الله الغنی محمد بن نعمت الله العقدائی فی تاریخ غرة رجب سنة اثنی و سبعین و سبعمائة؛ هو؛ من عواری الزمان دخل فی نوبة.. یونس بن حسن بن سیف الصیمری الجزائی...).

نسخه کهن و نفیسی از کتاب النهایة فی مجرد الفقه و الفتوی شیخ طوسی به شماره ۲۴۱ در کتابخانه آیت الله مرعشی مشتمل بر جلد اول و دوم کتاب موجود است که کاتب آن در پایان جزء اول خود را حمزة ابن نصرالله ابن احمد الموصلی معرفی کرده که کتابت نسخه را در چهارم شوال سال ۵۰۷ به پایان برده است (تم الجزء الاول من کتاب النهایة یتلوه فی الجزء الثانی کتاب المتاجر و الحمد لله رب العالمین. و صلی الله علی سیدنا محمد النبی وآله الطاهرین کتبه

الفقیرالرحمة الله تعالى حمزة ابن نصر الله ابن احمد الموصلي حامداً لله تعالى ومصلياً على محمد واله عليه و عليهم السلام وهو يسأل الله تعالى المغفرة والتوبة له ولجميع المؤمنين ووافق الفراق من نسخه رابع عشر شوال من سنة سبع وخمسة مائة والله الحمد والمته). اين نسخه بعدها در اختيار كسانی بوده از جمله مالکی که نامش نیامده اما در ۷۲۷ از قرائت نسخه نزد حسن بن سداد فراغت حاصل کرده و انهایی توسط همو برایش نوشته شده است (انهاه احسن الله توفيقه واجزل له من كل عارفه فضله ومزیده قراءة و شرحاً نفعه الله وایانا به بمحمد وآله وكتب حسن بن سداد فی جمادی الاول من سنة سبع وعشرين وسبع مائة). بر ظهر نسخه نیز اجازة روایت عامی از عبد الله بن علی خواری است که ظاهر در مکه هنگام سفر حج و دیدار با عالم امامی به نام زین الدین علی بن الحسن بن ... الحلی در ۶۹۱ به او داده است و تنها بخشی از آن قابل خواندن است (يقول العبد الضعيف... عبدالله بن علی الخواری عفا الله عنه انه لما اتفق له السفر الى الحجاز وقفه الله تعالى بالحصول الى المطلوب اجتمع بكثير من العلماء والفضلاء... فشهد بصحبتهم فمن جملتهم الحاج العالم العامل الفاضل الكامل العابد الزاهد زین الدین علی بن الحسن ابن ... الحلی.. فوجدته منه اثر الدين والصالح مع صفاء... والاطلاع على العلوم الدينية فطلب مني لحسن ظنه واعتماده بأهل الخير الاجازة مصنفات اصحابنا رضی الله عنهم... وكذا أجزت له رواية تصانيف المولى جمال الدين احمد بن طاووس و المولى نجم الدين ابی القاسم جعفر بن سعيد... تغمدهم الله جميعاً برحمته واسكنهم بيوحة... و كتبت... سنة احدى وتسعين وستمائة والحمد لله..). نسخه اخير بعدها در تملك حسين بن محمد بن علی بن شجاع الانصاری نیز بوده است.

در قرن دهم هجری، راه رسمی کاروان های حج برای حجّاج ایرانی رفتن به دمشق بوده است. حجّاج ایرانی در دهة اول شوال خود را باید به دمشق می رساندند تا با کاروان های حج از دهة دوم شوال شهر دمشق را ترک می کردند، به سمت حجاز بروند.^۱ برای رفتن به

۱. برای زمان حرکت قافله های شامی از دمشق بنگرید به: عبدالله بن حسین سویدی (متوفی ۱۱۷۴)، النفحة المسکية فی الرحلة المکية، تحقیق عماد عبدالسلام رؤوف (ابوظبی، ۲۰۰۳)، ص ۲۸۳ که بیستم شوال را

دمشق، حجاج ایرانی نخست به تبریز رفته و از آنجا به وان، سپس آمد و از آمد به حلب و دمشق می رفتند. در راه بازگشت نیز حجاج ایرانی از همین مسیر به ایران بازمی گشتند.^۱ در

زمان حرکت کاروان حج یاد کرده است. اولیاء چلبی نیز که در سال ۱۰۸۱ به حج از طریق قافله شامی رفته از رسیدن کاروان حجاج ایرانی در ماه شوال به دمشق سخن گفته و اشاره نموده که از حجاج ایرانی مالیات سنگینی گرفته شد که بخشی از درآمد برای راه اندازی کاروان حج را تأمین کرد (... و قد وصل ألفین من حجاج ایران فی نفس هذا الیوم أيضاً. و تم تحویل خمس عشرة قطعة ذهبية عن کل حاج ایرانی مما شکل عوناً مادياً کبیراً آنذاك.. و أخيراً و فی العشرین من شوال سنة إحدى وثمانین و ألف من الهجرة النبوية خرجنا من الشام...). بنگرید به: اولیا چلبی، الرحلة الحجازية، ترجمها عن التركية و قدّم لها الصفا صافی احمد المرسی (قاهره: دار الآفاق العربية، ۱۹۹۹/۱۴۲۰)، ص ۷۱-۷۲. برای بحث کلی از اهمیت کاروان حج شام بنگرید به: صالح موسی درادکة، طرق الحج الشامی فی العصور الإسلامية بترکیز علی الطرق فی شرق الأردن (عمان، ۱۹۹۷)؛ محمد محمود خلف العنقره، الحياة الإقتصادية فی الحجاز فی عصر دولة الممالیک (ریاض، ۱۴۲۵)، ص ۶۶-۶۸. کاروان حج شام چند روزی در راه خود در کرک توقف می کرد و نزدیکی کرک به روستای های جبع و جزین فرصت مناسبی برای عالمان امامی ایرانی و ارتباط برقرار کردن با عالمان عاملی بوده است. اما باید توجه داشته در ادوار مختلف و بسته به شدت و ضعف روابط صفویه با عثمانی مشکلاتی وجود داشته است. اسناد آرشیه عثمانی اشارات در این خصوص دارند. به عنوان مثال حکم شماره ۴۶۵ به تاریخ ۱۸ محرم ۹۵۲ از سلطان سلیمان به حاکم شام (دمشق) در پاسخ به عریضه او مبنی بر این که مقامات حکومت دمشق یکی از حجاجین سرشناس ایرانی به نام سید قاسم را که متهم به همکاری با صفویان در سرکوب اهل تسنن در ایران و پیروی از مذهب رفض و الحاد بوده، دستگیر کرده اند و او زیر استتطاق گفته است که شیعه مذهب نیست و سنی شافعی است و اصالتاً از همدان (در متن بصورت صهران) است و ریاست شافعیان آن ولایت را از زمان قراقوینلوها پدران و خود او بر عهده داشته اند. همچنین اقرار کرده که سنیان همدان مجبور هستند برای شاه سالی یک یا دو بار پیشکش بفرستند. از او همچنین سوال شد که چرا اهل سنت ایران در سالهای اخیر از رفتن به حج پرهیز می کنند و او پاسخ داد که به دلیل بازداشت یکی از حجاج سنی ایرانی به نام خواجه خلیل نخجوانی توسط مقامات عثمانی و نشر اخبار آن در ایران اهل سنت از رفتن به حج پرهیز می کنند. در حاشیه این عریضه سلطان سلیمان به حاکم دمشق دستور داده که این سید قاسم را در زندان نگه ندارد و به او و همراهانش اجازه دهد که برای حج به حجاز بروند. بنگرید به:

Topkapı Sarayı Arşivi, H. 951-952 Tarihi ve E-12321 Numaralı D Mühimme Defteri, ed. Halil Sahillioglu (Istanbul: IRCICA, 2002), pp 336-337.

تشکر از دوست عزیزم دکتر کیومرث قرقلو که مطلب اخیر، از تذکرات ایشان است که از سر لطف متن آن را نیز برای بنده به صورت مکتوب فرستادند.

۱. اعلان تشیع در قرن دهم و منازعات مذهبی صفویه و عثمانی تأثیرات فراوانی بر زندگی شیعیان داشته است. شیعیان شام و جبل عامل که تحت حکم عثمانی می زیسته اند، به همان سنت معهود پیشین خود یعنی تقیه

عمل می کرده اند. شیعیان حجاز خاصه اقلیم بحرین قدیم - مشتمل بر اوال، قطیف و احساء - نیز که در سال ۹۵۷ به قلمرو عثمانی افزوده شد، با مشکلات خاص خود روبرو بوده اند. دوست و سرورم دانشمند عبدالحالق الجنبی در اشاره به مشکلات شیعیان در دوره اخیر خاصه سالهای ۹۵۷-۱۰۸۲ در چند یادداشتی مکتوب متذکر شدند: «کتبت فصلاً موثقاً بالمصادر حول معاناة شيعة القطيف والاحساء مع الدولة العثمانية التي احتلت بلادهم منذ العام ۹۵۷ للهجرة وحتى العام ۱۰۸۲ للهجرة، وذكرت فيه ما لاقوه من الاضطهاد وظلم منهم، وما فعلوه لرفع هذا الاضطهاد والظلم وذلك في كتابي: تاريخ التشيع لأهل البيت في إقليم البحرين القديم (بيروت: دار المحجة البيضاء، ۲۰۱۵/۱۴۳۶)، انظر الصفحات (۵۸۱-۶۱۱)». ایشان در تکمیل مطلب اخیر یاد آور شدند: «سبق أن عرض.. كتابين عن تمهيش وإقصاء واضطهاد العثمانيين للشيعة في العراق وبلاد الشام... (فاطمة حسين العبيدي، سياسة الإقصاء في العهدين العثماني والدولة العراقية: إقصاء الشيعة إغزواجاً، ۲۰۱۶؛ ستيفان ويتسر، الشيعة في لبنان تحت الحكم العثماني، ترجمة محمد حسين المهاجر (بيروت،) وقد وثقت في الطبعة الثانية من كتابي (تاريخ التشيع لأهل البيت في إقليم البحرين القديم) لانطلاق الدولة العثمانية في حربها للصفويين و الشيعة بصفة عامة من مرتکز طائفي حيث استصدر سلاطينها منذ حكم السلطان سليم الأول فتاوى دينية بجواز أو وجوب قتل الشيعة، وسلب أموالهم، و سبي أولادهم و نسائهم باعتبارهم كفاراً غير مسلمين، وهذا الأمر صرح به كثير من ولاة العثمانيين على البلدان الشيعة أو ذات الأغلبية الشيعية التي احتلوها، وهو أمر مدون في الوثائق العثمانية المعتمدة حينها كدفاتر المهمة و دفاتر الطابو و ما شابه». سیاست مصادرة اموال شیعیان در بحرین قدیم، باعث شد تا شیعیان به شیوه های شرعی اموال خود را حفظ کنند. برای این کار آنها دوراه را انتخاب کرده بودند؛ فروش اموال خود به اشخاصی از اهل سنت که مورد اعتماد بودند و از آنها سندی شرعی دال بر عدم حق تصرف می گرفتند و یا بهره گرفتن از وقف. استاد ارجمند عبدالحالق جنبی در توضیح راه های شرعی حفظ اموال توسط شیعیان یعنی شیوه اول متذکر شدند: «هذه كانت إحدى الطرق التي اتبها القطيفيون والأحسائيون لحفظ بسائتهم، وهو أن يقوموا ببعضها صورياً على أحد من يثقون به من البدو أو الشخصيات السننية لكي لا تصادر منه، و يأخذ عليه بالمقابل ورقة كهذه ليحفظ بها حقه». سندی که در این عبارت از آن سخن رفته و غونه های دیگری از آن نیز در دست است، در مجله الواحه، العدد السادس و الستون، السنة الحادية والعشرون، الربع الثالث ۲۰۱۵، چاپ شده است. در توضیح بیشتر ایشان آوردند: «وهو أسلوب -اي بيع الصوري- اتبعه شيعة القطيف والأحساء حتى قبل استيلاء بني خالد على الحكم في البلدين، فقد كان العثمانيون أدهى وأمر لأنهم كانوا ينظرون إلى الشيعة على أنهم كفار لا يتوارثون، فكان والي العثماني يأخذ ميراث من يموت منهم، ولا سيما الأغنياء ولا يسمح لورثته بأخذها، و توضح دفاتر المهمة العثمانية لتلك الحقبة بالكثير من شكاوى الأهالي من هذا الحال. و من الحيل التي ابتكرها شيعة القطيف والأحساء لحفظ أموالهم و بسائتهم بالإضافة إلى الحيلة الواردة في هذه الوثيقة حيلة أخرى تقوم ببيع أحد الأغنياء الشيعة لستان أو أكثر على شخص مقرب و معروف لديه، ثم يقوم هذا الشيخ بوقف تلك البساتين على ذرية الواهب، ويتم تسجيله كذلك في الأوقاف، و توجد أكثر من وثيقة ذلك، و منها وثيقتان لأبي السعود القطيفي ذاته الوارد في هذه الوثيقة، و هو جد الأسرة القطيفية المعروفة بأل أبي السعود و كان من أكثر القطيفيين غنى و ثراء في زمنه». وثيقة مورد اشاره در یادداشت استاد ارجمند عبدالحالق جنبی که مشخصات چاپش را پیشتر آوردم، چنین است: «نص الوثيقة: أقول وأنا الفقير إلى الله تعالى عبد الرحمن بن

دهه های پنجاه و شصت قرن دهم هجری یعنی میان سالهای ۹۵۰ تا ۹۶۰ عالمان ایرانی از فرصت اخیر برای دیدار با عالمان شیعی شام خاصه زین الدین بن علی عاملی مشهور به شهید ثانی استفاده می کرده اند. در انجمله های برخی نسخه ها اطلاعاتی از اقامت عالمان ایرانی در روستاهای جبل عامل آمده است. از جمله نسخه ۸۱۵۸ مجلدی از کتاب مختلف الشیعة - که اکنون نسخه حاضر مشتمل بر بخشی از جلد چهارم و پنجم آن در دست است، که کاتب تصریح به کتابت نسخه در روستای میس کرده است. نام کاتب که نسخه را مقابل کرده علی بن انوشیروان مازندرانی است و به شواهد فراوان مقابله نسخه در سراسر نسخه و تصریح به آن در پایان نسخه (بلغ مقابله) وی، باید از عالمان امامی باشد که متأسفانه شرح حال وی در دیگر منابع یا کتابهای تراجم نیامده است. اینکه وی در میس میهمان چه کسی بوده در نسخه اشاره ای نشده است اما می دانیم که خاندان علی بن عبدالعالی میسی (متوفی ۹۳۸) - که از عالمان سرشناس جبل عامل بوده و همراه با علی بن عبدالعالی کرکی مشهور به محقق کرکی (متوفی ۹۴۰) در سنت فقهی از آنها به علین یاد شده - در میس اقامت

محمد بن عفالق بآن المبيعات النخيل المتقلات من أبا (أبي) السعود إلّی، وهو النخل المسمى بالبدارنی، والنخل المسمى بشطیب الحلا (الجالی؟)، والنخل المسمى بالعمارة، مع النخل المسمى بالفلیتی، والنخل المسمى بالفرسات، والنخل المسمى بالکلیبی، کل هذی النخیل المذكورات لیس لی فیهم حق، ولا مستحق، ولا دعوی، ولا طلب بوجه من الوجوه، و لیس لی علیهم إجارة ولا صبرة، ولا رهن ولا إباحة، ولا لی من ثمانية آلاف قلیل ولا کثیر، وإنما هذا مواطاة علی صورة قصدنا بها نفع أبا السعود عن ید غاشمة تخرج نخیل أبا السعود عن یده، وإلا فالی من هذی النخیل حق ولا مستحق، ولا دعوی ولا طلب بوجه من الوجوه وهذا خطی شاهد علی، و کبی بالله شهیداً و صلی الله علی سیدنا محمد و علی آله و صحبه و سلم. حضر لذلك محمد بن حسین ابن عفالق؛ حضر لذلك عبدالله بن محمد بن عفالق؛ حضر لذلك وأنا علی بن عبدالله آل عمران». در توضیح بیشتر سند منتشر شده در باورقی آمده است: «هذه الوثيقة غیر مؤرخة، لكن يستدل من موضوعها علی أنها کتبت فی العقد الثانی من القرن ۱۳هـ ففی هذه الفترة ظهرت وثائق أخرى مشابهة، حول إقرار أشخاص من الأخوة أهل السنة بوضع أیدهم علی بعض مملکات أخوتهم الشیعة حفظاً لها من الإغتصاب، وإعطاء ملاکها هذه الأوراق إقراراً منهم بعدم ملکتهم لها. والسبب - كما هو ظاهر من نصوصها - أن أملاک أهل التقطیف تعرضت للإغتصاب بذریعة أنهم لیسوا مسلمین. یمکن الرجوع فی ذلك الکتاب (عنوان المجد فی تاریخ نجد، تألیف عثمان بن عبدالله بن بشر، تحقیق عبدالرحمن بن عبداللطیف بن عبدالله آل الشیخ، مطبوعات دارة الملك عبدالعزیز، الریاض، ط ۴، ۱۴۰۲هـ ۱۹۸۲م، ج ۱/ ۱۷۸)».

داشته اند و به احتمال بسیار علی بن انوشیروان مازندرانی باید میهمان آنها بوده باشد. کاتب به احتمال بسیار دوره ای کامل از کتاب مختلف الشیعة را کتابت کرده که متأسفانه تنها اکنون در اختیار ما همین مقدار از کتاب می باشد. کاتب در پایان جزء چهارم نوشته است:

«وقع الفراغ من تحريره فی ليلة واحد وعشرين من شهر رمضان ختم الله لنا بالرحمة و الغفران بمحمد وآله صلوات الله عليه و عليهم ما اختلف الجدیدان، بيد العبد الحقير الفقير علی بن انوشیروان المازندرانی غفر الله له و لوالديه و للمؤمنين و المؤمنات فی ولاية الشام بقرية ميس و الحمد لله وحده و الصلوة علی محمد وآله و صحبه فی سنة سبع و خمسين و تسعمائة من الهجرة النبوية صلی الله علیه و آله و اصحابه و اعوانه» و در پایان جزء پنجم نوشته است: «تم الجزء الخامس من كتاب مختلف الشیعة فی احكام الشریعة بمحمد الله تعالی و منه علی ید احوج الخلق الی عفوہ و کرمة فی الدنيا و الآخرة علی بن انوشیروان المازندرانی فی ضحویوم الخمیس المنتظم فی شهر شوال ختم الله لباقیه بالخیر و الاقبال بمحمد و آله ذوی المجد و الکمال فی قرية ميس من قرى الشام فی سنة سبع و خمسين و تسعمائة من الهجرة النبوية... و الحمد لله حمداً كثيراً و صلی الله علی محمد و اله صلوة دائمة بما دامت السموات و الارضون»^۱

اهمیت لزوم استخراج اطلاعاتی از این دست تنها بدست آوردن مطالبی برای تکمیل شرح حال افراد نیست و برای تبارشناسی نسخه های خطی نیز می توان از آنها بهره برد. به عنوان

۱. نسخه به دقت توسط دوست عزیزم آقای جواد بشری در فهرست کتابخانه مجلس معرفی شده است. بنگرید به: جواد بشری، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (تهران، ۱۳۸۸ش)، ج ۲۷، بخش اول، ص ۲۸۶-۲۸۸. اطلاع دیگری که از مازندرانی داریم، کتابت نسخه ای از شرح الالفیة فی فضل الصلوة الیومیة محقق کرکی است که به شماره ۲۴۸۵ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است و در آنجا نام کاتب علی بن انوشیروان مازندرانی آمده اما ظاهراً نسخه فاقد تاریخ کتابت باشد و در توصیف آن تنها گفته شده که در قرن دهم کتابت شده است. نسخه از جمله موقوفات امیر جبرئیل در ۱۰۳۷ بر آستانه رضویه است. متأسفانه امکان رویت نسخه فراهم نشد. تداوم وجود خاندان های شیعی مراکز ایرانی پیش از صفویه مانند خاندان فتحان قی که در کاشان ساکن بوده اند، نیز به واسطه ذکر همین شهرت در نسخه های خطی قابل پیگیری است. به عنوان مثال در کتابخانه رضوی کاشان به شماره ۸۸ نسخه ای از کتاب مختلف الشیعة موجود است که کاتب آن فردی به نام عبدالرزاق بن عبدالفتاح ادیب قاری فتحانی معرفی شده که علی القاعده باید از همان خاندان فتحان کاشان باشد و در قرن دهم در قید حیات بوده است. بنگرید به: فنخا، ج ۲۸، ص ۷۲۲.

مثال در بررسی نسخه های کتاب منتهی المطلب علامه حلی دریافتیم که یک دوره از این کتاب به درخواست شیخ حسن صاحب معالم کتابت شده و او خود مجلدات کتابت شده را مقابله کرده است اما اجزاء این دوره از کتاب اکنون به صورت پراکنده در کتابخانه های مختلف موجود است. به واقع آثار چند جلدی کتابت شده به صورت پراکنده در کتابخانه های مختلف نگهداری می شود و با بررسی فهرست نسخه ها اکنون می توانیم مجلدات دوره ای از این دست آثار را پیدا کنیم که برای تبارشناسی و نسخه گزینی تصحیح کتب خطی فراوانی دارد.^۱

اهمیت حله به عنوان مرکز علمی تشیع در قرون هفتم و هشتم هجری نیز با وجودی که تاریخنگاری محلی درباره این شهر تألیف نشده، می تواند بر اساس اطلاعات فراوانی که در نسخه های خطی عموماً کتابت شده توسط عالمان امامی ساکن یا مهاجر به حله باقی مانده،

۱. نسخه ای از کتاب منتهی المطلب علامه در کتابخانه ملک موجود است که انجامه مهمی دارد که متن آن چنین است: «...تم الجزء الثانی من کتاب منتهی المطلب فی تحقیق المذهب و الحمد لله رب العالمین و الصلوة والسلام علی سید المرسلین و خلاصة صفوة رب العالمین محمد النبی و عترته الطاهرين المعصومین کتبه العبد الفقیر الی الله مصنفه حسن بن یوسف بن مطهر الحلی غفر الله له و لوالدیه و لکافة المؤمنین و المؤمنات فی ثامن عشر من شهر ربیع الاول من سنة ثلاث و ثمانین و ستمائة هجرية نبوية. برسم خزانه السید النقیب الطاهر الفاخر الحائز محاسن خصال المفاخر الممتاز باحسن الصفات بین السادات الافاخر مروج طرق الشریعة الغراء رافع لواء الدین بالمحجة البیضاء نقیب نقباء آل ابی طالب شرف اشراف بنی غالب و حید الدنیا و الدین بن السید السند النقیب الطاهر شاه اسد الله الحسینی احسن الله احوال المؤمنین بدوام بقاءه و مدد الله ظل ظلیلہ علی محبیه و اولیائه و لا زال متمتعاً بالعمر السعید و العیش الرغید آمین اللهم رب العالمین و قد تشرف باتمام هذه النسخة اقل الناس جرماً و اعظمهم جرماً تراب اقدام المؤمنین الفقیر المحتاج الی رحمة ربه الغنی محمد بن شمس بن علی بن حسن بن ابی الحسن بن جعفر الغسانی الشیبانی الخطی اصلاً و الغری مولداً و مسکناً و کان ذلك فی بلد قزوین حرس الله من فیها من المؤمنین و وقع الفراغ من نسختها عصره یوم الاثنين لخمس خلون من شهر ربیع الاول من شهر احد و ثمانین و تسعمائة من الهجرة علی مهاجرها الصلوة والسلام و التحية و الاکرام...». کاتب تصریح دارد که اهل خط و بحرینی است و در نجف سکونت دارد و نسخه را در قزوین نوشته است. به احتمال بسیار کاتب در راه سفر به مشهد رضوی بوده است. نسخه بعدها در تملک شیخ بهایی بوده و عبارت تملک او در پایان انجامه آمده است. شخصی به نام عنایة الله در کنار انجامه از مقابله نسخه سخن گفته و نوشته است: «بلغ مقابلة و تصحیحاً بحسب الجهد و الطاقة الا ما زاغ عنه البصر فی عصر یوم الثلاثاء خامس و العشرین من شهر جمادی الاول سنة احد و ثمانین و تسعمائة». عبارتی دال بر خرید نسخه توسط یکی دیگر از مالکان نسخه در کنار انجامه آمده است (از جهت نور چشمی ام آقا محمد نصیر اتباع شد) و سجع او نیز در زیر عبارت آمده است. بنگرید به: فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملی ملک (تهران، ۱۳۵۲ش)، ج ۱، ص ۷۴۵.

اساس تحقیق و پژوهش قرار گیرد. مرکزیت علمی حله خاصه در دوران علامه حلی و فرزندش فخرالمحققین باعث مهاجرت عالمان امامی از دیگر مناطق به حله برای تحصیل علم شده است. نسخه نفیسی از کتاب النهایة شیخ طوسی که توسط ابوالفرج مسعود بن علی بن ابی الفرج در نیمه روز یکشنبه هجدهم جمادی الاولی ۵۴۶ کتابت شده به شماره ۴۸۷ در کتابخانه مرحوم اصغر مهدوی موجود است. نسخه بعدها در اختیار کسی بوده که هویت او در نسخه موجود ذکر نشده اما وی کتاب را نزد نصرین محمد بن ابی البرکات در روز پنجشنبه سوم صفر ۷۲۶ خوانده و همو انهایی برای فردی که نسخه را نزدش خوانده در پایان جزء اول کتاب النهایة نوشته است (أنها أحسن الله توفيقه وتسديده قراءة و بحثاً و فهماً و ضبطاً وفقه الله وإيانا لمراضیه و أعانه علی امثال أوامره و الانزاجار عن نواهیة، و ذلك فی مجالس آخرها یوم الخمیس ثالث شهر صفر ختم بالخير من سنة ست و عشرين و سبعمائة و كتب نصر بن محمد بن أبی البرکات...)). پیشترین نسخه در اختیار علی بن احمد نامی بوده که او نسخه را با نسخه ای دیگر مقابله کرده و در توصیف نسخه ای که کار مقابله را با آن انجام داده در پایان جزء اول، نوشته است:

«بلغ مقابلة وتصحيحاً بأصل قابلته و صححته من خط علی بن السکون و علیه خط الشيخ السعيد محمد بن ادریس العجلی رحمه الله و ذکر أنه قابله بخط المصنف و ما حکيته علی الهامش عن المصنف فانی نقلته من خط محمد بن ادریس کما وجدته. کتبه علی بن احمد فی العشر الأواخر من ربيع الآخر من سنة ثلاث و ستين و ستمائة ولله المنة».

علی بن احمد بار دیگر در پایان کتاب در ذیل انجامة مؤلف نوشته است:

«بلغ هذه الكتاب من أوله الى آخره مقابلة وتصحيحاً من نسخة قابلتها بنسخة الشيخ السعيد محمد بن ادریس العجلی - رحمه الله - وهي بخط علی بن السکون و ذکر الفقيه محمد بن ادریس انه قابلها بخط المصنف - قدس الله روحه - و ما حکيه علی الهامش فانی نقلته حکاية عن محمد بن ادریس و ذلك فی جمادی الاولی من سنة ثلاث و ستين و ستمائة کتبه علی بن احمد فی التاريخ».

علی بن احمد بن طراد حلی شخصیتی شناخته شده است و بر اساس دو عبارتی که او

نوشته مشخص است که نسخه زمانی در تملک او در ۶۶۳ بوده است جز آنکه تاریخ اخیراً می توان ۷۶۳ نیز خواند. تاریخ دقیق درگذشت او را محمد بن علی جبای در مجموعه خود به نقل از شهید اول، روز جمعه اول رجب سال ۷۶۲ ذکر کرده است اما به نظر می رسد که خطایی در ذکر سال درگذشت ابن طراد رخ داده باشد و سال درگذشت او به جای ۷۶۲ در صورتی که وی با فردی که نامش در انجامة نسخه النهایة آمده یکی باشد، تاریخ باید ۷۶۳ باشد البته این در صورتی است که علی بن احمد همان علی بن احمد بن طراد مطارآبادی باشد. ابن طراد حلی مطارآبادی از شاگردان علامه حلی (متوفی ۷۲۶) بوده و بر اساس اطلاع اخیر مشخص می شود که عمری نسبتاً طولانی داشته و شهید اول در ششم ربیع الآخر سال ۷۵۴ در حله او را دیده و چندین حدیث به طرق مختلف او به واسطه مشایخش از وی روایت کرده است (افندی، ریاض العلماء، ج ۳، ص ۳۴۴-۳۴۶). برخلاف علی بن احمد که هویتش شناخته شده می باشد، فرد دیگری محمد بن نصر بن ابی البرکات فرد شناخته شده ای نیست تنها به نظر می رسد که از عالمان امامی حله بوده باشد. افندی (ریاض العلماء، ج ۵، ص ۲۴۳) از فقهی به نام نصر بن ابی البرکات نام برده که از بزرگان فقهاء معاصر علامه یاقین از او بوده و اطلاع دیگری در خصوص او در دست نبوده که شاید وی همین نصر بن محمد بن ابی البرکات باشد که نامش به عنوان شیخ اجازه (مجیز) در اینجا آمده است. اما پرسش این است که مالک نسخه و شخصی که مجاز از محمد بن نصر بن ابی البرکات بوده چه کسی بوده است؟ نام وی که باید در تاریخ مذکور مالک نسخه نیز بوده است، در اوراق فعلی نسخه نیامده و شاید در اصل نسخه نیز او نام خود را متذکر نشده باشد. پاسخ به پرسش اخیر در نسخه ۲۰۲ کتاب شرائع الاسلام موجود در کتابخانه آیت الله مرعشی است که کاتب آن شخصی است به نام حسین بن محمد استرآبادی که نسخه ای از شرائع الاسلام را کتابت کرده که اکنون جزء اول آن به شماره اخیر در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است و عباراتی که در انجامة آورده می توان دریافت که وی تنها فردی کاتب نبوده است و اساساً نسخه های شرائع کتابت شده در فاصله قرن هفتم تا دهم عموماً توسط عالمان امامی کتابت شده است. او در انجامة زمان فراغت از کتابت نسخه را به همراه توضیحاتی چنین ذکر کرده است:

«تمّ آخر الجزء الأول و الحمد لله وحده و يتلوه في الثاني كتاب النكاح فرغ من تعليقه يوم الخميس رابع ربيع الآخر من سنة ثلاثين و سبعمائة الهجرية العبد الفقير الى الله تعالى حسين بن محمد الإسترآبادي المجاور في تاريخه و الحمد لله رب العالمين و صلواته على سيدنا محمد وآله الطاهرين رب اختم بالحسنى يا ارحم الراحمين».

تعبیر «مجاور» به نحو مطلق ظاهراً دلالت بر اقامت کاتب در مکه دارد مگر آنکه قرینه‌ای برای توضیح لفظ مجاور بتوان یافت که در این مورد نیز ظاهراً مراد از مجاور اقامت حسین بن محمد استرآبادی در نجف یا کربلاء باشد. حسین بن محمد استرآبادی از کتابت نسخه‌ای از مصباح السالکین ابن میثم بخرانی در چهارشنبه ۲۲ محرم ۷۳۰ در نجف فراغت حاصل کرده که نسخه‌ی اخیر به شماره ۱۹۷ در کتابخانه حوزة علمیه امام صادق (ع) شهر اردکان موجود است و خط آن نیز با خط نسخه ۲۰۲ شرائع الاسلام کتابخانه آیت الله مرعشی یکسان است. وی در انجامة مصباح السالکین نوشته است:

«... وقع الفراغ بمّنه و لطفه يوم الاربعاء ثاني و عشرين محرم سنة ثلاثين و سبع مائة الهجرية و ذلك بالمشهد الشريف الغروي صلوات الله على مشرفه، آمنه الله تعالى من البليات علقه العبد الفقير الى الله تعالى المحتاج الى عفوه و غفرانه حسين بن محمد الاسترآبادي المجاور عفا الله عنه و لمن قال آمين يا رب العالمين و الحمد لله وحده»^۱.

براین اساس حسین بن محمد استرآبادی زمانی که در نجف مجاور بوده یعنی ۷۳۰ نسخه‌ای از کتاب شرائع الاسلام علامه حلی را کتابت کرده و تعلیقه زده و بعدها به حله سفر کرده و آن را نزد مشایخ آنجا بار دیگر خوانده است که دوانه‌ها آمده در زیر انجامة کتابت شده از او به این مطلب اشاره دارد.^۲ در زیر عبارت انجامة حسین بن محمد استرآبادی دوانه‌ها آمده است

۱. برای گزارش نسخه و تصویر انجامة آن بنگرید به: سید جعفر حسینی اشکوری، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه حوزة علمیه امام صادق علیه السلام (اردکان - ایران) (قم، مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۸۴ ش/ ۱۴۲۶)، دفتر اول، ص ۱۹۰-۱۹۱.

۲. تاریخ فراغت از کتابت نسخه توسط حسین بن محمد استرآبادی به خطا در فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی (ج ۱، ص ۲۳۳) سال ۷۰۳ آمده و همین خطا به فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فخا)، ج ۱۸، ص ۸۳۹ نیز سرایت کرده است. خوشبختانه تصویری از انجامة نسخه در بخش تصاویر آمده که به وضوح تاریخ در آن

یکی از نصر بن محمد بن ابی البرکات در شانزدهم محرم سال ۷۵۱ (انهاه احسن الله توفيقه و تسديده واجزل من كل عارفة حظه ومزیده قراءة وبحثاً وفهماً وضبطاً وشرحاً وفقه الله وایانا لمراضیه واعانه على امثال اوامره والانزجار عن نواهیة... سادس عشری المحرم الحرام... سنة احدى وخمسين وسبعمائة وكتب نصر بن محمد بن ابی البرکات حامداً لله تعالى مصلياً على رسوله...) و دیگری از علی بن طراد در میانه صفر ۷۳۳ (انهاه وفقه الله تعالى واتم نعمته عليه.. معروفة... قراءة وبحثاً وضبطاً وشرحاً نفع الله تعالى... به بمنه و لطفه فی منتصف شهر صفر ختم (بالخیر والظفر) سنة ثلاث وثلاثين وسبعمائة وكتب علی بن طراد...).. بر این اساس شاید و به احتمال بسیار شخص مجاز در نسخه النهایة کسی جز حسین بن محمد استرآبادی نیست که مالک نسخه بوده و آن را در حله نزد مشایخ بزرگ حله که شاگردان علامه حلی بوده اند، خوانده و اجازه روایت گرفته است. نسخه اخیر ارتباط علمی میان عالمان ایرانی استرآبادی و حله را نشان می دهد. به واقع توجه به شواهد نسخه شناسی حتی در مواردی می تواند فقدان اطلاعات در منابع تاریخ نگاری رسمی درباره عالمان امامی سده های گذشته را نشان دهد که در جوامع سنی نشین تقیه کرده و خود را عموماً شافعی معرفی می کرده اند.

مرحوم شیخ آقا بزرگ طهرانی در تالیف ارزشمند خود درباره رجال امامیه یعنی طبقات اعلام الشیعة، بخش مهمی از اطلاعات خود را از یادداشت ها و اطلاعات آمده بر ظهرنسخه های خطی، خاصه کتابخانه های عراق گردآوری کرده است، ظاهراً برای چنین کاری ایشان فهرستی قابل استفاده برای خود از کتابخانه های مختلف که امکان مراجعه و رویت نسخه های آنها برایش میسر می شده، فراهم می کرده است از جمله این فهرست ها، به تصریح حسین علی محفوظ^۱، فهرستی از کتابهای متعلق به کتابخانه حرم علوی بوده است. در مواردی مطالب

۷۳۰ خوانده می شود.

۱. بنگرید به: حسین علی محفوظ، «فهرست الخزانة الغروية بالنجف فی مشهد أمير المؤمنين الإمام علی بن ابی طالب (علیه السلام)»، معهد المخطوطات العربية، المجلد الخامس، ذوالقعدة ۱۳۷۸، الجزء الاول، ص ۲۳-۳۰. محفوظ (ص ۲۳) در اشاره به فهرست آقابزرگ از کتابخانه امیر المؤمنین نوشته است: «زار هذه الخزانة فتم من الأفضل، منهم شيخنا العلامة المعمر المورخ... آقابزرگ... ثم وقت إلى زيارتها في السنة الماضية وقيد أسماء بعض كتبها وقابلته بالفهرس الذي صنعه الشيخ الطهراني...». آقابزرگ ظاهراً در خصوص تمام کتبخانه هایی که امکان رویت

دیگری در کتابهای تراجم نگاری خاصه اهل سنت می توان یافت که از آنها جهت تکمیل اطلاعاتی که مرحوم آقازرگ آورده بهره جست، در مواردی نیز به دلیل عدم انتقال میراث های برخی مناطق شیعه نشین خاصه شام به سمت عراق به دلایل مختلفی، شرح حال برخی عالمان شیعی خاصه مناطق جبل عامل منحصر در کتابهای تاریخی، تاریخ نگاران شام باقی مانده است. در سده های گذشته، عالمان امامی که به محافل اهل سنت رفت و آمد داشته اند یا در شهرهای که غلبه با اهل سنت بوده، اقامت داشته اند یا سکنی گزیده اند، روزگار خود را به تقیه می گذرانده اند و در خصوص فقیهان شیعی دانسته است که بنا بر یک سنت بسیار کهن در محافل سنی خود را شافعی معرفی می کرده اند از این روشگفت نخواهد بود که شرح حال برخی از عالمان شیعی را بتوان در کتابهای تراجم عالمان شافعی یافت.

نمونه ای جالب توجه از این عالمان ابوالخیر مبارک بن یحیی بن مبارک بن مقبل حمصی (متوفی ۶۵۸) است. شرح حال عالم مذکور حتی در منابع شرح حال نگاری کهن شیعی نیز نیامده است. از این گونه مطالب نیز به عنوان افزوده هایی لازم است تا در تصحیح مجدد طبقات اعلام الشیعه بهره جست. قطب الدین موسی بن محمد یونینی (متوفی ۷۲۶) که شرح حال ابن مقبل را آورده، در اشاره به او نوشته است: «المبارک بن یحیی بن المبارک بن مقبل ابوالخیر مخلص الدین الغسانی الحمصی کان من الفضلاء المشهورین بمعرفة الادب والانساب وایام الناس، سنی المذهب (در چاپ دیگری از کتاب به جای تعبیر اخیر عبارت و هو احد مشایخ الشیعة آمده که ظاهراً در نسخه های بعد به تعبیر سنی المذهب تغییر داده شده است. ذهبی در تاریخ الاسلام، تحقیق بشار عواد معروف (بیروت، ۱۴۲۴)، ج ۱۴، ص ۹۰۱ شرح حال ابن مقبل را به نقل از یونینی آورده و تعبیر سنی المذهب را آورده است. در هر حال ذکر تعبیر اخیر و تصریح به آن نشانگر آن است که در خصوص مذهب ابن مقبل حرف و حدیث های بوده که منابع رجال نویسی سنی منکر آن بوده اند. با توجه به اینکه ابن مقبل تقیه می کرده در

نسخه هایش برای او فراهم بوده، فهرستی قابل استفاده برای خود تهیه کرده و اطلاعات این فهرست ها را به تفاریق در کتاب الذریعه و الطبقات آورده است. درباره این شیوه از گردآوری اطلاعات که باعث ورود اطلاعات و عناوین تکراری در کتاب الذریعه شده، در آخر نوشتار حاضر توضیح داده شده است.

محافل سنی، باید تظاهربه شافعی بودن می کرده است) اختصر کتاب الجمهرة فی الانساب لابن الکلبی اختصاراً حسناً دلّ علی غزارة فضله و معرفته وله كتاب المشجر فی النسب ایضا و غیر ذلك من جموع مفیدة و لما ورد التترالی الشام فی هذه السنة خرج من حمص مجفلا فی شهر ربیع الآخر و لجأ الی جبل لبنان یعتصم فی بعض القرى الوعرة التی بأجبل فأدركته منيته و قد نیف علی الستین سنة من العمر و دفن حیث توفی رحمه الله تعالی و من شعره مما نقلته من خطه علی ظهر مجلد...». بنگرید به: قطب الدین موسی بن محمد یونینی، ذیل مرآة الزمان (حیدرآباد دکن: مطبعة مجلس دائرة المعارف العثمانية، ۱۳۷۵/۱۹۵۵)، ج ۲، ص ۳۶-۳۸.

پناه بردن ابن مقبل به روستای درکوه های لبنان - که باید روستای شیعه نشین باشد - جالب توجه است. دلالت روشن تر بر شیعی بودن ابن مقبل، مطالبی است که یونینی در شرح حال شاگرد وی ابن ملی بعلبکی آورده است. یونینی در ذیل درگذشتگان سال ۶۹۹ نوشته است: «و فیها، توفی الشیخ الإمام العالم البارع الکبیر نجم الدین ابوالعباس أحمد بن محسن بن ملی یعرف بالأنصاری البعلبکی الشافعی الأصولی المتکلم، مولده سنة سبع عشرة و ست مئة ببعلبک سمع من البهاء عبدالرحمن و أبی المجد القزوینی و ابن الزبیدی و ابن رواحه، و اشتغل بدمشق، و أخذ العربية عن أبی عمرو بن الحاجب، و الفقه عن ابن عبدالسلام الشافعی و الحدیث عن الزکی المنذری، و الأصول عن جماعة، و قرأ القانون و کتابا کثیرة فی الطب و الأصول و الهندسة و أظنه اشتغل علی عزالدین بن معقل فی مذهب الشیعة، و غیر ذلك من العلوم، و درّس و أفتی... و كان إماماً فی مذهب الشافعی و كذلك مذهب الشیعة، یقتدی به و كان عنده خلاف لكل من اجتمع به من أصحاب المذاهب... و توفی بقرية یجمعون من جبل الظنین»^۱.

از سوی دیگر در میان عالمان شام و جبل عامل دست کم از قرن ششم هجری به بعد، شواهد روشنی در دست است که عالمان مذکور به عنوان سنی متداول به مراکز علمی اهل سنت رفت و آمد داشته و اجازات روایت از همتایان سنی خود اخذ می کرده اند که البته در این موارد خود را شافعی معرفی می کرده اند. مرحوم آقا بزرگ در مجلد مربوط به عالمان شیعی قرن

۱. بنگرید به: قطب الدین موسی بن محمد یونینی، ذیل مرآة الزمان، دراسة و تحقیق حمزة عباس (ابوظبی، الجمع الثقافي، ۲۰۰۷)، ج ۱، ص ۴۳۴-۴۳۷.

هشتم (الحقائق الراهنة فی المائة الثامنة)، صفحه ۵-۶ عالمی به نام احمد بن حسن بن علی بن خلیفه الحسینی الآوی را نام برده است. تنها منبع آقابزرگ در معرفی فرد اخیر متن وقف نامه ای است که برادرزاده فرد اخیر به نام سید صدرالدین محمد بن شرف الدین محمود بن عزالدین حسن در سال ۷۷۵ بر ظهر نسخه ای از شرح القصیده البائیة بر خزانه غرویه نگاشته است. آقابزرگ که اطلاع بیشتری درباره دو فرد اخیر نداشته در ادامه مطلب گفته که احتمال دارد که وقف مذکور پس از درگذشت مالک نسخه صورت گرفته باشد (و ظاهر آنه من کتب عمه وقفه بعد وفاته). تقریباً مطالب دانسته در سنت شرح حال نگاری امامیه درباره فرد اخیر محدود به همین مطالب بوده است (برای مثال بنگرید به: مکتبه الروضة الحیدریة، ص ۶۸). شرح حال نسبتاً مفصّلی از سید احمد بن حسن بن علی بن خلیفه آوی در طبقات الشافعیة الکبری تاج الدین سبکی (متوفی ۷۷۱) آمده است. وی در جلد نهم کتاب خود، صفحات ۷-۸ شرح حال او را چنین گزارش کرده است:

«أحمد بن الحسن بن علی بن خلیفه الحسینی الآوی (در متن چاپ شده الأنجی که ناشی از خطای مصححان و ناآشنایی با نام آوه است و به همین دلیل در پاورقی نیز مطالبی درباره انچه آورده اند که البته بی ربط است)، صاحبنا السید الإمام المحقق النظار، السید مجیر الدین ابوالعباس، ولد تسع وثمانین وستمائة وقرافی بلاد العجم المعقولات فاحکها عند الشیخ بدرالدین الششتیری وابن المطهر (مراد علامه حلی است که البته ظاهراً این شکل ذکر نام او برای عالمان سنی شناخته شده نبوده و دستکم چندان با آن آشنا نبوده اند و ممکن است که گمان می کرده اند نام عالمی شافعی در عراق عجم یا عرب باشد که آوی نزد او تحصیل کرده است) و غیرهما. و برع فی المنطق و الکلام و الأصول مع مشارکته فی الفقه و ناظر فی بلاده و شغل بالعلم. ثم قدم الشام سنة تسع و ثلاثین و سبعمائة و استوطنها و جرت له فیها مباحث جلیلة مع الوالد رحمه الله و مع غیره. و کان ذامال جزیل و مع ذلك لا یفتُر عن طلب العلم، و یشغل الطلبة صیحة کلّ یوم و لم یرج جازنا الأذنی فی المسکن، و صاحبنا الأکید إلی أن توفی فی شهر رمضان سنة خمس و ستین و سبعمائة عن ست و سبعین سنة»^۱.

۱. ابن فهد مکی در کتاب لحظ الألاحظ، ص ۱۴۴ به کوتاهی از احمد بن حسن در ذیل درگذشتگان ۷۶۵ یاد

خوشبختانه دربارهٔ مجیرالدین ابوالعباس احمد بن حسن بن خلیفه حسینی آوی، اطلاعات دیگری به دست آمده که می‌تواند مطالب دانسته دربارهٔ او را تکمیل کند از جمله برخی نسخه‌هایی دیگر که توسط برادرزاده اش - صدرالدین محمد بن شرف‌الدین محمود بن حسن بن علی بن خلیفه آوی - وقف حرم علوی شده از جمله نسخه‌ای از کتاب الإرشاد فی علم الخلاف و الجدل تألیف رکن‌الدین محمد بن محمد عمیدی سمرقندی که سید صدرالدین آوی در روز هشتم رجب ۷۷۶ وقف حرم کرده است.^۱ مرحوم سید محسن امین، نسخه‌ای از شرح مقصودهٔ ابن خالویه را در کتابخانهٔ حرم علوی دیده که بر روی آن اجازه‌ای از ابن خالویه به ابوالحسن محمد بن عبدالله شاعر مشهور به سلامی (متوفی ۳۹۳) بوده و بر روی آن اجازه‌ای نیز از سلامت بن محمد بن حرب به محمد بن عبیدالله عجمی در ۳۷۵ نیز

کرده و در اشاره به او نوشته است: «...والشرف الإمام مجد الدین ابوالعباس أحمد بن الحسن ابن علی بن خلیفه الحسینی التاجر فی لیلۃ الأربعاء رابع عشری شهر رمضان و مولده فی سنة إحدى وتسعين و ستمائة». در میان اجازات تاکنون شناخته شده علامه حلی، نام و نشانی از احمد بن حسن بن علی بن خلیفه حسینی نیامده است. بنگرید به: سید جعفر حسینی اشکوری، «اجازات علامه حلی»، میراث حدیث شیعه، دفتر نهم، ص ۵۱۰-۵۳۱.

۱. بنگرید به: السید هاشم المیلانی، مکتبه الروضة الحیدریة: جهود و جهاد (نجف: منشورات الإجتهد، ۲۰۰۸/۱۴۲۹)، ص ۱۱۶. نسخه‌ای نیز از کتاب المباحث السنیة فی المعارضات النصیریة در دست است که در ۷۱۸ توسط عبدالرومی نامی کتابت شده و در آخر آن آمده است: «قولیل علی الأصل المنقول عنه». نسخهٔ اخیر در کتابخانهٔ امیرالمؤمنین است و از جمله کتابهایی است که سید صدرالدین محمد بن حسن بن علی بن خلیفه حسینی آوی به نیابت از عمویش مجدالدین احمد بن حسن بن علی در ۷۷۵ وقف حرم کرده است. بنگرید به: السید عبدالعزیز الطباطبائی، مکتبه العلامة الحلی (قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۳۷۴/۱۴۱۶ ش)، ص ۱۶۸-۱۶۹. حسن بن علی بن خلیفه آوی برادر دیگری هم به نام حیدر دارد که فرزند او عزالدین علی بن بهاء الدین حیدر بن عزالدین حسن بن علی بن خلیفه حسینی آوی نسخه‌هایی را وقف بر کتابخانهٔ حرم حضرت علی علیه السلام نموده که از جملهٔ آنها جزء سوم از المنصص فی شرح الملخص دیربان قزوینی علی بن عمر کاتبی که عبارت وقفیه‌ای به تاریخ ۷۱۶ بر آن درج شده اکنون در کتابخانهٔ حرم حضرت علی علیه السلام موجود است. بنگرید به: طبقات اعلام الشیعة: الحقائق الراهنة فی المائة الثامنة، ص ۱۴۰. اطلاعات آقابزرگ دربارهٔ نسخه‌های گاه قدیمی موجود در کتابخانهٔ حرم حضرت علی علیه السلام در میان آثار او به صورت پراکنده فراوان است جز آنکه کمتر توصیفات کاملی از آنها ارایه شده است. بنگرید به: الذریعة، ج ۱۵، ص ۵۰ که نسخه‌ای کهن از کتاب صفوة الصفا بن بزاز و احتمالا نسخهٔ به خط مؤلف را معرفی کرده‌اند.

بوده است. بر ظه‌ر نسخه وقف نامه ای بوده که مرحوم سید محسن امین متن آن را نیز نقل کرده است. وقف نامه اخیر، متن وقف نامه سید صدرالدین بوده که در آن توضیح داده، نسخه حاضر و ظاهراً دیگر نسخه که توسط او وقف شده، به وصیت عمویش بوده است. متن وقف نامه چنین است:

«هذا ما اوقفه السيد المعظم، صدر الدين بن محمد ابن السيد شرف الدين بن محمود ابن الحسن بن خليفة الآوى وهو وقف عن عمه السيد السعيد احمد بن الحسن بن على بن خليفة الآوى بموجب وصية صدرت عنه على الحضرة الشريفة الغروية وان لا يخرج منها الا برهن يحفظ القيمة فن بدله بعدما سمعه الآية (بخشى از آیه بقره ۱۸۱ که در اشاره به عدم تغییر در وقف و حرمت آن عموماً در نسخه‌ها مورد استناد قرار می‌گیرد) و کتب فى رجب سنة خمس و سبعين و سبعمائة» (اعیان الشیعة، ج ۵، ص ۴۲۲؛ مکتبه الروضة الحیدریة، ص ۰۷۷. از دوست عزیز ابوجعفر حلی که متن وقف نامه را برایم فرستاد سپاس فراوان دارم که بر اساس تصویر ارسالی او برخی کلمات افتاده در متن اعیان اصلاح شد).

نمونه‌های ارایه شده در این نوشتار نشان می‌دهد که چگونه پژوهشگر تاریخ تشیع می‌تواند با بهره‌گیری از نسخه‌های خطی و اطلاعات آمده در انجمله یا ظه‌ر نسخه‌های خطی به تحقیق درباره تاریخ تشیع در سده‌های گذشته بپردازد؛ کاری که هنوز در ابتدای آن هستیم و در مقاله‌ای مفصل اهمیت گردآوری چنین اطلاعاتی برای شناخت خاندان آل حسام شام را به تفصیل نشان داده‌ام^۱ و استاد ارجمند حجت الاسلام والمسلمین حسین واثقی نیز در دو کتاب

۱. محمد کاظم رحمتی، «آل حسام خاندانی شیعی از جبل عامل»، میراث شهاب، شماره ۸۳، سال بیست و دوم (بهار ۱۳۹۵ش)، ص ۳-۴۰. درباره تشیع در شام و اساس سنت‌های جوامع شیعه نشین تا پیش از قرن دهم به نحو عام و اخذ اجازه توسط علما امامی از همتایان سنی خود، این نکته را در جایی دیگر به تفصیل متذکر شده‌ام که اساساً اخذ چنین اجازاتی بر اساس تقیه بوده و علما امامی برای رفع خطرات احتمالی و یا تصدّی سمت تدریس در مدارس اهل سنت که تدریس فقه شیعه در آنها ممنوع بوده، به اخذ اجازات اهتمام داشته‌اند هر چند اخذ چنین اجازات فواید علمی دیگر نیز داشته است (بنگرید به توضیحات محقق کرکی در ضمن اجازه خود به قاضی صفی‌الدین عیسی در بحار الانوار، ج ۱۰۵، ص ۷۹-۸۰). دشواری زندگی شیعیان در شام به گونه‌ای بوده که گاه علما امامی که متصدی سمت‌هایی بوده‌اند، به دلیل بیم از شناخته شدن به تشیع اجازه روایت یا حتی استنساخ آثار خود را به دیگر علما امامی معاصر خود نداده‌اند. این مطلب در شرح حال ابوالاعز

ارزشمند التراث المکی (قم، ۱۴۳۱) و المدنیات (قم، ۱۴۳۳/۱۳۹۱ش) نیز با تمرکز بر نسخه‌های خطی، اطلاعات ارزشمندی درباره تشیع در مکه و مدینه گردآورده‌اند که برای مطالعه تاریخ این دو شهر در سده‌های گذشته منبعی بسیار ارزشمند است. دو شهر حله و استرآباد نیز از شهرهای هستند که تاریخ محلی ندارند اما اطلاعات فراوانی درباره آنها در نسخه‌های خطی و انجامة نسخه‌ها موجود است که استخراج آنها برای مطالعه تاریخ دو شهر اخیر و شناخت خاندان‌ها و عالمان شیعی ساکن در این دو شهر مهم که پیش از صفویه از مراکز مهم علمی تشیع بوده‌اند، بسیار ضروری است. به عنوان مثال نسخه‌ای مشتمل بر بخشی از کتاب ارشاد الازهان علامه حلی در کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۶۷۱۹ موجود است که کاتب آن شخصی است به نام حسین بن حسن بن حسین حاجی استرآبادی. وی در انجامة کتاب از کتابت نسخه خود در هنگام عصر روز چهارشنبه اوایل رجب سال ۷۹۹ در مدرسه استادش سخن گفته اما متأسفانه این بخش نسخه چندان خوانا نیست (تم کتاب و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله اجمعین الطیبین الطاهرین و فرغ من نقله وقت العصر یوم الاربعاء من اوایل شهر رجب المرجب سنة تسع و تسعین و سبعمائة علی ید العبد الضعیف النحیف حسین بن حسن بن حسین حاجی استرآبادی فی مدرسه مولانا معظم مولانا ادام...). به فارسی در کنار انجام کاتب نوشته است: خدایش بیامرز هر کس که بدین کتاب ارشاد رسد / ما را بیک فاتحه فریاد رسد. نسخه را بعد ها کسی به نام برهان بن صفی الجرجانی خریده است (نقل الی هذا الكتاب بالبیع الشرعی و انا العبد برهان بن صفی

اشرف بن اغر حسنی مشهور به تاج العلی که در روز یکشنبه آخر صفر ۶۱۰ در حلب درگذشته، مورد تصریح ابن ابی طی قرار گرفته و او ضمن نام بردن از تعدادی از آثار تاج العلی گفته وی در پاسخ به تقاضایش که اجازه استنساخ آنها و قرائت بر او را داشته، متصدی سمتی در نزد ایوبیان را ذکر کرده و از دادن چنین اجازه‌ای به ابن ابی طی اجتناب کرده است (..فسالته أن یاذن لی فی نسخ هذه الكتب و قراءتها، فاعتذر بالتقیة و أنه مستزق من طائفة النصب..). بنگرید به: محمد بن احمد ذهبی، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، تحقیق بشار عواد معروف (بیروت، ۱۴۲۴/۲۰۰۳)، ج ۱۳، ص ۲۳۶. تاج العلی اجازاتی از همتایان سنی خود داشته هر چند در خصوص طرق روایی او حرف و حدیث‌های نیز بوده است. برای شرح حال تفصیلی او بنگرید به: ابن عدیم، بغیة الطلب فی تاریخ حلب، حقه و قدم له سهیل زکار (بیروت، ۱۴۰۸/۱۹۸۸)، ج ۴، ص ۱۸۷۵-۱۸۸۴.

الجرجانی). همچنين بنگريد به: سيد عبدالعزيز طباطبائي، مكتبة العلامة الحلي، ص ۳۶. دربارهٔ مدرسه زينيه حله كه يكي از مدارس مشهور شهر حله براي چند قرن بوده، در مقاله اي ديگر سخن گفته ام (بنگريد به: محمد كاظم رحمتي، «مدرسه زينيه حله»، ميراث شهاب، سال بيست و يكم، شماره سوم و چهارم، مسلسل ۸۱-۸۲ (پاييز و زمستان ۱۳۹۴ش)، ص ۱۵۹-۱۶۸) اکنون اين مطلب را نيز بايد به آن مقاله افزود كه نسخه ۶۷۳۲ كتابخانه آيت الله مرعشي كه نسخه اي از كتاب تحرير الاحكام مشتمل بر قاعده اول و دوم است توسط محمود بن محمد بن بدر در روز سه شنبه ششم رجب ۷۲۲ در مدرسه زينيه، در كنار مقام صاحب الزمان كتابت شده جز آنكه نام مدرسه پاك شده است (...تقت القاعدة الاولى وهي العبادات من كتاب التحرير ويتلوه الجزء الثاني منه وهي القاعدة الثانية في المعاملات وفرغ من تسويده مصنفه حسن بن يوسف بن مطهر في... الثلثاء عاشر ربيع الاول من سنة تسعين وستمائة والحمد لله وحده و صلى الله على سيدنا محمد النبي وآله الطاهرين. هذه صورة خط المصنف دام الله .. و فرغ العبد الاصغر من كتابته وهو محمود بن محمد بن بدر... سادس من شهر رجب الاصم عام ثلاث عشرين و سبعمائة .. غفر له ولوالدينا وجميع المؤمنين و المؤمنات بحق محمد وآله الاخيار الابرار... صاحب الزمان بحروسه الحلة حماه الله ..). ارجاع اخير مطلب مهمي است كه از شهرت مدرسه زينيه و مقام صاحب الزمان در روزگار علامه حلي خبر مي دهد. در كنار انجامة نسخه علامه حلي انهاء قرائت ظاهرا براي كاتب نوشته است (انها ايده الله تعالى قراءة و بحثاً و فهماً و ضبطاً و استسراحاً و ذلك في مجالس آخرها سادس عشرين جمادى الآخرة من سنة اربع و عشرين و سبعمائة و كتب حسن بن يوسف المطهر الحلي... مصلياً مستغفراً)¹.

۱. همچنين بنگريد به: سيد عبدالعزيز طباطبائي، مكتبة العلامة الحلي، ص ۷۹؛ احمد على مجيد الحلي، تاريخ مقام صاحب العصر والزمان عليه السلام في الحلة (قم: دليل ما، ۱۴۲۶)، ص ۴۲-۴۶. همين گونه شهر نجف كه روزگار درازي است كه مركز علمي تشيع بوده وهست، فاقد تاريخ محلي است اما اطلاعات بسيار فراواني در خصوص فعاليت هاي علمي عالمان امامي در ادوار مختلف تاريخي دربارهٔ آن در نسخه هاي خطي وجود دارد. به عنوان مثال نسخه اي كه ن احتمالاً از قرن هفتم از كتاب الارشاد شيخ مفيد به شماره ۷۲۲ در كتابخانه آيت الله مرعشي وجود دارد كه فردي به نام سلمان / سليمان بن محمد بن سلمان / سليمان الحائري كتابت کرده و گاه تعليقاتي نيز در حاشيهٔ نسخه افزوده است. وي در پايان جزء اول در انجامة نوشته است: «...تم الجزء الاول تعليقاً

همچنین به دلیل اطلاعات بسیار اندک از حیات علمی جوامع شیعه در بحرین قدیم مشتمل بر اوال، احساء و قطیف، مراجعه به نسخه های خطی کتابت شده در این مناطق می تواند اساس مهمی برای مطالعه تاریخ تشیع در این منطقه گردد کاری که استاد گرانقدر عبد الخالق بن عبد الجلیل جنبی در تحقیقات مهم خود از جمله تاریخ التشیع لأهل البیت فی إقليم البحرين القديم (بیروت: دار المحجة البيضاء، ۱۴۳۶/۲۰۱۵) و کتاب بحوث تاریخیة و جغرافیة ذات علاقة بشرق الجزيرة العربية (بیروت: دار المحجة البيضاء) انجام داده اند.^۱ به

فی اوقات متفرقة على يد اضعف العباد واققرهم واحوجهم الى رحمة مالك الدنيا والمعاد، اسير ذنبه المرتين بعمله، الراجی بشفاعة سادته ومواليه العفو والصفح عن خطئه وزلله وسوء عمله، سلمان بن محمد بن سلمان الحائری الجاور بالظل الاشرف الغروی صلوات الله ورحمته وبركاته على مشرفه؛ اللهم اغفر ذنوبه واستر عيوبه و عجل له الفرج بجمع شمله بمواليه وسادته واحسن بهم خاتمه و عاقبته و ابداء بالمؤمنين والمؤمنات وبصاحبه و بوالديه و من به یارب العالمين و یارحم الراحمين بحق محمد وآله الطيبين الطاهرين». تعبیر مجاور و نمونه ای دیگر که در مقاله آمده نشان از سنت متداول در میان عالمان امامی سده های گذشته دارد که عموماً در اواخر عمر به قصد مجاورت به نجف مهاجرت کرده و در همانجا نیز به خاک سپرده می شده اند. فرد اخیر خود اهل کربلاء بوده با این حال به نجف مهاجرت کرده است. نسخه اخیر زمانی در تملک فتحعلی شیرازی، شاگرد میرزا محمد اخباری بوده و در کنار انجامه جزء اول او در یادداشتی به تملک خود بر نسخه اشاره کرده است (اللهم اغفر لجدی الاحبذ الحاقان المغفور والسلطان المحبور المجد محمد کریم خان زند و ارفع درجاته و لوالدی ولی و لجمع المؤمنین و المؤمنات بمحمد و اهل بیته الهداة حرر فی لیلۃ الخمیس من شهر رجب المرجب من سنة ۱۲۴۷ بشیراز صانها الله عن الاعواز فتحعلی عفی الله عنه).

۱. در کتابخانه آیت الله مرعشی نسخه ای از جوامع الجامع فضل بن حسن طبرسی مشتمل بر نیمه اول به شماره ۳۶۰۱ در دست است که کاتب آن ناصر بن سلیمان بن یحیی بن علی بن ابراهیم بن علی بن النجیل (النجیل یا البخیل) بن الاشراف الاولی معرفی شده که از کتابت نسخه در روز پنجشنبه ۲۸ ربیع الآخر ۹۶۵ فراغت حاصل کرده است. بنگرید به: فهرست کتابهای خطی کتابخانه آیه الله مرعشی، ج ۱۰، ص ۰۳. همچنین در کتابخانه آیت الله بروجردی کرمانشاه مجموعه ای است (به شماره ۱۲۳) مشتمل بر نیمه دوم جوامع الجامع ابوعلی فضل بن حسن طبرسی و الناسخ و المنسوخ ابوالقاسم هبة الله بن سلام نحوی که کاتب جوامع الجامع ناصر بن سلیمان بن یحیی بن علی بن ابراهیم البخیل است که از کتابت نسخه در روز ۲۴ ربیع الثانی ۹۵۲ فراغت حاصل کرده (فرغ العبد المذنب المحتاج الی ربه الغنی ناصر بن سلیمان بن یحیی بن علی البخیل من کتابته و توقيعه فی الیوم الرابع و العشرين من شهر ربیع الثانی لسنة اثنی و خمسين و تسعمائة و الحمد لله حق حمده و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين و ذلك بقریة بنی حمرة من قراء اوال حمیت عن الاهوال و الزلزال بمحمد و آله غفر الله لکاتبه و لمالکه و لناظره و لمصنفه و للمؤمنین) و در پایان الناسخ و المنسوخ خود را کاملتر سلیمان بن یحیی بن علی بن ابراهیم البخیل بن الاشراف البحرانی الاولی معرفی کرده و سال کتابت نسخه ۹۵۳ است (... ليقرب علی من الناظره فیه

عنوان مثال مرحوم علامه سید محمد علی روضاتی در ضمن معرفی نسخه‌های خطی کتابخانه خود، به نسخه ای از کتاب الاستبصار به شماره ۲۶ اشاره می کند که فردی به نام محمد بن عبدالله بن ابی الفتیة البحرانی الأوالی کتابت کرده و مشتمل بر جزء اول تا اواخر جزء دوم یعنی کتاب الحج است. تاریخ پایان کتابت نسخه نیز ۲۲ شوال ۹۶۵ است. با این حال از فرد اخیر نامی در احیاء نیامده است و از فرد مذکور نیز نامی در فهرس دیگر نیافتیم. به احتمال بسیار فرد مذکور باید از عالمان بحرانی اهل اول باشد. نسخه اخیر بعد ها در اختیار دانشمندی بوده که او آن را نزد سید محمد بن علی بن ابی الحسن عاملی یعنی صاحب مدارک قرائت کرده و در حواشی آثار مقابله و تصحیح آمده و در پایان کتاب صوم اجازة روایت کتاب را دریافت کرده است. حواشی بسیاری با رمز «م د سلمه الله یا مد ظله» از اول تا اواخر جزء دوم نوشته شده که ظاهراً از سید محمد مذکور و به خط مجاز است. متأسفانه متن اجازه در فهرست نیامده و تصویری از آن نیز ارایه نشده است. درباره بخشی از نام کاتب یعنی ابن ابی الفتیة امکان دارد که قرائت بدیلی را بتوان ارایه کرد. دوست عزیز و استاد ارجمند عبدالحق جنبی در خصوص صورت محتمل قرائت نام فرد اخیر متذکر شدند که:

يسال من الله السلامة من الزيادة والتقصان والمنعة من عنده تمّ الناسخ والمسنوخ بعون الله تعالى وحسن توفيقه صلى الله على سيد رسله محمد النبي وآله الطاهرين وسلم تسليماً كثيراً برحمتك يا ارحم الراحمين تمّ على يد العبد الضعيف سليمان ابن يحيى ابن على بن ابراهيم البخيل ابن الاشم البحراني الاوالى النازل بقرية بنى جمرة من قراء اول حميت عن الذلل والاختلال سنة ثلاث وخمسون وتسعمائة والحمد لله رب العالمين). نسخه در اختيار ابوالقاسم بن فتح الله حسيني بوده و در ماه رجب ۹۷۵ در نجف آن را مقابله و تصحیح کرده است (هو الموفق؛ قد تشرف بتوفيق مقابله من اوله الى آخره مع النسخ المتعددة بعضها لا يخلو من صحة وتوثيق و... مباحثه و تحشيته و تصحيحه و تنقيحه من اوله الى قريب بأخر سورة آل عمران و نرجو من الله اتمام مطالعته على النهج... عبيد عبيد عتبة سلطان ولاية الولاية منجى مستمسكها من الضلالة والغواية اقدر الفقراء الى كرم الله الغنى ابوالقاسم بن فتح الله الحسيني جعل الله قلبه جوامعاً جامع تفسير معضلات التبيان ولسانه مصفحاً عن مجملات مجمع البيان في مجالس متعددة آخرها اخر شهر الله الاصب رجب المرجب عام خمس وسبعين وتسعمائة الهجرية المصطفوية على منسوها الف التحية موافق توشقان بيل في النجف الاشرف الابهي الاسن حامداً مصلياً مسلماً مستغفراً لله). بنگرید به: سید احمد حسینی اشکوری، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه آیت الله بروجردی (کرمانشاه - ایران)، ص ۹۸-۱۰۱. اشغال احساء و قطیف در ۹۵۷ توسط عثمانها و فشارهای آنها بر شیعیان در سالهای بعد باعث مهاجرت برخی از شیعیان آن منطقه شده است.

«...ألا يجوز أن يكون ابن أبي الفتيه هو تحريث ابن أبي ظبية وعليه يكون اسمه الصحيح هو محمد بن عبدالله بن أبي ظبية الأوالى البحرانى. وعلى الرغم من أنني لا أعرف شخصاً بهذا الاسم إلا أن أسرة آل أبي ظبية أسرة أوالية علمية كانت معروفة فى القرن الحادى عشر، وخرج منها علماء معروفون، ولعل الأخوة الأوليين يفيدوننا أكثر».

با این حال همان مقدار اطلاعات آمده در فهرس را باید غنیمت شمرد و با دقت بررسی کرد و از طریق همان مطالب به تکمیل اطلاعات در فهرس مختلف پرداخت.^۱ به عنوان مثال نسخه ای از کتاب الاستبصار در کتابخانه آیت الله مرعشى به شماره ۵۸۹ موجود است که در حاشیه تصحیح شده و عبارت «بلغ تماماً أیده الله تعالى» دال بر بلاغ نسخه در صفحات مختلف آمده است. حاشیه نویسی اندکی با نشان «س م د ر حمه الله» دارد و تملک حسین بن محمد بن ابی الحسن الحسینی فرزند صاحب مدارک را دارد. شاید نسخه اخیر با نسخه ای که مرحوم روضاتی از آن سخن گفته اند، ارتباطی داشته باشد اما تصویری از هیچ یک از دو نسخه در اختیار بنده نبود که بتوان این حدس را بررسی کنم. گاه بررسی نسخه می تواند اطلاعات بیشتری در اختیار ما قرار دهد اما در این موارد نیز تنها برگی از نسخه در اختیار ما بود.

۱. توجه به جنبه های نسخه شناسی اهمیت های دیگری نیز دارد. در ادوار گذشته نسخه های خطی متعددی را می شناسیم که کاتبان برای عرضه و فروش به افرادی جز مؤلف اصلی نسبت داده اند و عموماً به دلیل شهرت برخی افراد نام اصلی مؤلف یا حذف شده یا توسط کاتب به دلایل مختلفی چون عدم ذکر نام مؤلف اصلی در نسخه اساس کاتب به فرد دیگری نسبت داده شده است (برای نمونه هایی از انتساب نسخه های به مؤلفانی دیگر بنگرید به: محمد کاظم رحمتی، «جا حظ و کتاب التاج منسوب به او»، جستارهایی در تاریخ اسلام و ایران (تهران: بصیرت، ۱۳۹۰ ش)، ص ۱۰۱-۱۱۴؛

Ismail K. Poonawala, "Anonymous Works and Their Ascription to Famous Authors: Are They Cases of Mistaken Identity of an Outright Forgery?", *Arabica* 62 (2015), pp.404-410; Mohsen Zakeri, "Yet Another Pseudo-al-Jāhīz? Kitāb al-Hjāb and its Probable Author Ibn al-Marzbān (d. 309/921)," *Journal of Abbasid Studies* 3 (2016), pp.1-28; Louise Marlow, "Abū Zayd al-Balkhī and the Naṣīḥat al-mulūk of Pseudo-Mawardī," *Der Islam*, Volume 93, Issue 1, pp.35-64.

گاه توجه به چنین مشکلاتی می تواند به پژوهشگران در خصوص بحث از عقاید و منظومه فکری برخی عالمان که بر اساس پذیرش انتساب اثری مورد بحث قرار می گیرد، کمک کند.

نسخه ای از کتاب الدروس الشرعية شهید اول به شماره ۷۶۴۷ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است که در مسجد جویدی کتابت شده و کاتب در انجامه نسخه خود را چنین معرفی کرده است:

«...وكان الفراغ من تسويد بياضه عصر الخميس آخر شهر رمضان اثنین و ستین و تسعمائة هجرية بمسجد الجويدی کتب من اوله الى آخره...تمت بعون الله على يد اقل عباد الله و احوجهم الى رحمة ربه الغنى غريق بحر الذنوب و الخطايا لنفسه على عجله مع اشتغال البال محمد بن الشيخ حسن بن على الاحسائي مولداً و منشأ و الاولى اصلاً من آل بن العاقل من القرية و الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطيبين الطاهرين آمين رب العالمين و سلم كثيراً برحمتك يا ارحم الراحمين.»

کاتب در دو طرف انجامه اشعاری نیز نوشته است. در سمت راست:
«يبقى الكتاب و تفنى الكاتبون له و فاعل الخير فى الفردوس محبوراً
...يا هذا و كن حذراً من الكتاب الذى يلقاه مسطوراً.»

و در سمت چپ:

«يبقى الكتاب و يفنى يد كاتبه كم حل دارالبلى من كف خطاط
و كم اباد صروف الدهر من رجل قد كان للعلم جماعاً و محتاطاً.»

دوستان قظیفی در تکمیل اطلاعات آمده در خصوص مطالب آمده در نسخه اخیر تذکراتی برای بنده دادند. در القاره مسجدی به نام مسجد النیدی وجود دارد که دستکم از حیث نوشتاری با نام مسجد الجویدی یا الحویدی تشابه بسیار دارد. در خصوص مکان قریه دوست گرامی الفیصل متذکر شدند که: «توجد منطقتان فى البحرين تعرفان باسم القرية، مع الاختلاف فى الضبط، إحداهما فى جزيرة سترة و الأخرى قرب الجنبية. القرية بكسر القاف و سکون الراء و فتح الیاء فى جزيرة سترة و القریة بضم القاف و فتح الراء و تشدید الیاء مع الفتح مصغر القرية (بفتح القاف و سکون الراء) منطقة قرب الجنبية». که با توجه به آنکه کاتب ضمه بر روی حرف قاف نهاده مرادش مکان نزدیک جنبیه است. خاندان عاقل نیز اکنون در روستای عالی زندگی می کنند. مکان مسجد جویدی احتمالاً جای مابین تیمیه و رمیله است (هذه الوثيقة المخطوطة

...کشفتم لنا عن شخصية اصلها بجراني انتقلت الى الاحساء في منتصف القرن العاشر الهجري، ونسخت بعض الكتب وكشف لنا عن وجود مسجد الجويدى وتوقع وجوده ما بين بلدة التيمية وبلدة الرملية بالاحساء وكشفت لنا انه من اسرة آل عاقل، من بلدة القُرية بجزيرة البحرين، اوال وكذلك ان اول فى منتصف القرن العاشر تطلق على جزيرة البحرين الحالية). دوست گرامى احمد البدر الاحساى به تفصيل بيشر در خصوص نسخه اخير متذکر شدند که: «...ناسخ الوثيقة هو الشيخ محمد بن الشيخ حسن بن على الأوالى الأحساى، من قرية الرملية كما نسب نفسه لها فى بعض النسخ المخطوطة، له ذكر وترجمة فى بعض المصادر ومنها أعلام هجر، هاجر إلى منطقة جبل عامل وتلمذ بها على يد بعض علمائها، نسخ عدد من الكتب العلمية وذكر فى بعض المصادر بإسم محمد بن الشيخ حسن وبعضها محمد بن الشيخ حسين ويبدو أن الأصح محمد بن الشيخ حسن كما هو مكتوب بخطه فى الوثيقة المعروضة، أما بالنسبة لمسجد الجويدى فإن صح أنه فى الأحساء، هو الإحتمال الأرجح كون الناسخ أحسائى، فالأقرب أنه بقرية الرملية بلدة الناسخ ولا أرى سبب إقحام قرية التيمية بالموضوع ولو كان بقرية أخرى غير قرينته فن المفترض ذكرها للتوضيح أنه خارج بلد الناسخ». دوست گرامى عبد الخالق الجبنى نیز متذکر شدند که: «بخصوص ورقة ..التى ورد فيها مسجد الجويدى... ويبدو أن هذا المسجد منسوب إلى شخص اسمه جويد، ويوجد عائلة أحسائية عريقة يقال لهم آل جويد فلعل هذا المسجد له علاقة بمجدهم جويد أو أحد أولاده والله اعلم». دوست ديگرى متذکر شده که: «عائلة آل جويد موجودة أيضاً فى القارة ومنها القارى الحسينى المعروف الملا جويد، لكن حسب معرفتى المتواضعة لا يوجد مسجد الجويدى فى القارة» يا آنکه «متوقع ان المسجد موجود فى بلدة الصبايخ لأن العائلة موجودة هناك». نسخه اى از كتاب اختيار مصباح السالكين ابن ميثم بجرانى به شماره ۷۰۴۶ در كتابخانه آيه الله مرعشى موجود است که بر ظهران اجازه اى از عبدالمحمود بن امير حاج عاملى به عالمى احسائى در نجف وايتام مجاورت عاملى دارد. متن اجازه که دوست عزيز ابو جعفر حلى آن را خوانده اند، چنین است: «بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين والحمد لله رب العالمين والصلوة على خير المرسلين محمد وآله الطيبين الطاهرين وسلم تسليماً؛ اما بعد فقد اجزت رواية هذا الكتاب والعمل بما فيه للمولى

الشیخ العالم، الفاضل الكامل، شمس الدین محمد بن المولی العالم الفاضل الكامل الشیخ جمال الدین احمد الفقیه للحسوی، كما أجازنی المولی الشیخ العالم الفاضل المحقق المدقق، لسان الحكماء والمتكلمين، وارث علوم الانبياء والمرسلين ابو عبد الله المقداد الاسدي - قدس الله سره - ... شیخه الامام العلامة السيد جلال الملة والحق والدين شرفشاه الحسيني - طاب ثراه - عن شیخه المولی الامام الاعظم، قدوة علماء الأمة، فائق المجتهدین الشیخ فخر الملة والدين ابی طالب محمد عن والده المولی الشیخ العالم الفاضل الكامل المکمل، قدوة العلماء ولسان الحكماء وسلطان المجتهدین جمال الملة والدين ابی منصور الحسن بن سدید الدین یوسف بن مطهر عن مصنف هذا الكتاب؛ فأجزت له قراءة هذا الكتاب متنه وشرحه وروایتهما فلیرو ذلك محتاطاً بالشرائط المعتمدة لمن شاء وأحب وكتبه الفقیر الی الله تعالی عبدالمحمود بن امیر حاج المجاور عفا الله عنهما فی تاریخ سادس عشر شهر محرم الحرام سنة احد واربعین و ثمانمائة والحمد لله وحده». درباره محمود بن امیر حاج عاملی اطلاع چندانی در دست نیست جز آنکه از شاگردان حسن بن یوسف بن عشره کسروانی بوده و اجازه اخیر که باید در اواخر عمر او صادر شده باشد نشان از مهاجرت وی از جبل عامل به نجف دارد، جایی که او به قصد مجاورت اقامت گزیده است.^۱

کاتب در انجامه به صراحت تصریح دارد که کتاب را برای استفاده خود کتابت کرده و اساساً کتابی چون الدروس الشرعية کتابی است که تنها به کار فردی متبحر در فقه می آید و این خود نشانگر آن است که کاتب فردی عالم است. اشاره مهم کاتب به مسجد جویدی با توجه به نبود هیچ اثر تاریخی نگاری در خصوص احساء و قطیف در ادوار گذشته، بسیار مهم است.

همین گونه اطلاعات فراوانی درباره جبل عامل و منطقه شام در نسخه های خطی موجود است و تدوین و استخراج مطالب در خصوص آنها بر اساس نسخه های خطی کاری است که باید صورت گیرد. به عنوان مثال نسخه ای از کتاب شرائع الاسلام به شماره ۷۴۶۳ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است که محمد بن حسن بن محمد غزنوی از کتابت جزء اول آن در نهم صفر ۷۳۸ فراغت حاصل کرده است (...یتلوه الجزء الثانی.. کتاب النکاح و کتبه

۱. همچنین بنگرید به: طبقات اعلام الشيعة: الضياء اللامع في القرن التاسع، ص ۱۳۵.

الفقیر الی الله الغنی محمد بن حسن بن محمد الغزنوی فی تاسع صفر ختم بالخیر والظفر من سنة ثمان وثلاثین و سبع مائة هجرية و المنة لله سبحانه). نسخه تصحیح شده و در کنار جزء اول انہائی توسط حسن بن الحداد العاملی به تاریخ ۲۱ محرم ۷۳۹ به احتمال بسیار برای کاتب نسخه موجود است (انہاء ایدہ الله تعالی و ابقاہ قراءة و بحثاً و شرحاً و استشرحاً و فہماً و ضبطاً لمسائلہ نفعہ الله تعالی و ايانا بذلک بمحمد و آلہ الطاہرین و ذلک فی عدّة مجالس آخرها الحادی و العشرون من المحرم الحرام من شهور سنة تسع و ثلاثین و سبع مائة کتبه اضعف العباد حسن بن الحداد العاملی حامداً لله تعالی و مصلياً علی رسولہ و آلہ و مستغفراً و مسلماً.. و الحمد لله رب العالمین). اشاره ای به مکان سماع و قرائت نسخه و برگزاری مجالس درس نشده اما به احتمال بسیار با توجه به آنکه حسن بن حداد ساکن در جبل عامل بوده، کاتب نسخه از جمله فقیهان و عالمان امامی بوده که برای طلب علم به جبل عامل سفر کرده است. در حقیقت از اواخر قرن هشتم و در قرون نهم و دهم فقیهان امامی بسیاری را می شناسیم که از مناطق مختلف ایران برای تحصیل علم به جبل عامل سفر می کرده اند و مدتی در نزد عالمان آن سامان به خواندن برخی متون فقهی می پرداخته اند. از خاندان حداد عاملی افراد دیگری را می شناسیم که در قرن نهم می زیسته اند. در کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۵۴۳ نسخه ای از مجلد اول کتاب تحریر الاحکام الشرعیة علامه حلی موجود است که احمد بن محمد بن علی الحداد العاملی در روز چهارشنبه ربیع الآخر ۸۵۷ از کتابت جزء اول آن فراغت حاصل کرده و جزء دوم را محمد بن احمد بن الرکن در روز سه شنبه ششم جمادی الاولی ۸۶۵ کتابت کرده است (درباره او بنگرید به: الضیاء اللامع، ص ۵). در انجامة جزء اول آمده است: «تمت القاعدة الاولى و هی العبادات من کتاب التحریر و هو آخر الجزء الاول و يتلوه فی الثانی القاعدة الثانية المعاملات فرغ من ... العبد الفقیر الی رحمة رب الجواد احمد بن محمد بن علی الحداد العاملی بتاريخ نهار الاربعاء من شهر ربیع الآخر من شهور سنة سبعة و خمسين و ثمان مائة حامداً مصلياً علی محمد و ...». در دو طرف انجامة عبارت «قوبل علی حسب الجهد و الطاقة الا ما زاغ عنه البصر و حسر عنه النظر» توسط ابن حداد نوشته شده است. در پایان انجامة جزء دوم کاتب چنین نوشته است: «.. و يتلو ذلک فی المجلدة الثالثة کتاب النکاح الذی فیہ القاعدة

الثانية من كتاب تحرير الاحكام الشرعية على مذهب الامامية ولكن اضيف كتاب النكاح الى الموضوع المذكور ليتساويا حجماً وكتب يوم الثلاثاء السادس من شهر جمادى الأول من شهور سنة خمسة وستين وثمانمائة هجرية نبوية على مشرفها السلام بقلم العبد الفقير الى الله تعالى محمد بن احمد بن الركن غفر الله له ولوالديه وللمؤمنين آمين يارب العالمين وصلواته على محمد وآله وصحبه وسلم وحسبنا الله نعم الوكيل»^۱.

اطلاعات گسترده ای که در میان نسخه‌های خطی درباره عالمان منطقه جبل عامل می‌توان یافت بسیار با اهمیت است. اثر اصلی درباره عالمان عاملی کتاب امل الآمل است که شیخ حر عاملی (متوفی ۱۱۰۴) تألیف کرده است. شیخ حر عاملی اطلاعات خود درباره عالمان عاملی را با مراجعه به اجازات، نسخه‌های خطی و مطالب شفاهی متداول در سمت جبل عامل گردآوری کرده است و علیرغم آنکه کتاب وی اهمیت بسیاری برای تحقیق و پژوهش در خصوص عالمان جبل عامل دارد، مطالب فراوانی وجود دارد که در کتاب وی نیامده است. در مواردی نیز اطلاع دقیقی درباره عالمان جبل عاملی نداریم جز آنکه نامشان در ضمن آثار دیگر عالمان عاملی آمده اما عصر و زمان حیات آنها مشخص نیست. از این دست عالمان شخصی است به نام عزالدین حسن بن ناصر بن ابراهیم بن حداد عاملی که کفعمی از او در آثارش نقل کرده و کتابی به نام طریق النجاة به او نسبت داده است. بر اساس نقل قولهای کفعمی از حسن بن ناصر تنها می‌توان گفت که او از عالمان امامی جبل عاملی پیش از وی بوده اما اطلاع دیگری در باب او بر اساس نقل قولهای کفعمی نمی‌توان گفت و ظاهراً کتاب وی نیز باقی نمانده است. در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۷۰۵ نسخه ای کهن از کتاب قواعد الاحکام علامه حلی موجود است که شخصی آن را نزد حسن بن ناصر بن ابراهیم عاملی خوانده است. در برگ ۲۱۴ الف، انهاء قرائتی توسط حسن بن ناصر بن ابراهیم عاملی برای کسی که نسخه را نزد او خوانده آمده است (انهاه - ایده الله تعالی و ابقاه - قراءة و بحثاً و استشرحاً و حفظاً و ضبطاً لما وصل من معانيه و فقه الله تعالی و ائاننا لذلك بمحمد وآله الطاهرين و ذلك في عدة مجالس آخرها خامس جمادى الآخرة سنة خمس و عشرين و سبعمائة

۱. همچنین بنگرید به: مکتبه العلامة الحلی، ص ۸۹.

و کتبه العبد الضعیف المحتاج الی رحمة الله تعالی و غفرانه حسن بن ناصر بن ابراهیم عاملی حامداً لله و مصلياً و مستغفراً و الحمد لله رب العالمین). این عبارت به صراحت دلالت دارد که حسن بن ناصر بن ابراهیم از عالمان امامی قرن هشتم است و احتمال بسیار دارد که با توجه به قرب عهدش با علامه حلی حتی از شاگردان علامه حلی بوده باشد آنچه که این گمان را تقویت می کند. نسخه بعدها در اختیار محمد بن ابراهیم بوده و ظاهراً وی کسی باشد که نسخه را نزد حسن بن ناصر بن ابراهیم عاملی خوانده باشد. او در برگ ۲۱۴ ب تاریخ درگذشت علامه حلی را شب ۲۰ محرم ۷۲۶ ذکر کرده و در اطلاعاتی درباره فرزندانش خود داده است و گفته فرزندش جمال الدین یوسف بن محمد بن ابراهیم در صبح دوشنبه ۲۳ رمضان ۷۷۳ و خواهر تنی او بنام مریم در شب یک محرم ۷۷۵ متولد شده است. دیگر فرزند او ابوالحسن علی بن محمد بن ابراهیم نزدیک نیمه شب سه شنبه پنجم ذی القعدة ۷۸۳ و برادر تنی او عزالدین حسن در صبح گاه شنبه شانزدهم ربیع الثانی ۷۸۷ دیده به جهان گشوده است.^۱

همین گونه اطلاعاتی که در انجامه یا نسخه های خطی درباره خود خاندان حر عاملی آمده جالب توجه است و نام افرادی از خاندان شیخ حر و اعقاب و اجداد او را می توان در میان نسخه ها یافت که حر عاملی خود ذکری از آنها در امل الآمل نکرده است. در کتابخانه آیت الله مرعشی نسخه ای از کتاب قواعد الاحکام به شماره ۱۲۹۲ موجود است که در روز یکشنبه سوم رمضان سال ۸۴۶ کتابت شده است و متأسفانه در پایان جزء اول و انجامه کاتب، نام کاتب نسخه نیامده است. نسخه مقابله شده و نزد استادی خوانده شده و سراسر نسخه پراز

۱. دو نقل در برگ ۲۱۷ ب است که در آن آمده است: «نقلت عن شیخنا الشیخ جمال الدین دام ظلّه...» و «نقلت عن شیخنا جمال الدین دام ظلّه عن الشیخ زین الجبعی عن الشیخ عزالدین ابن عبدالعالی انه وجد بخط الشهدید...» که متعلق به مالکان بعدی نسخه است و باید توسط عالمی از قرن دهم نوشته شده باشد. برای گزارشی از نسخه و چند تصویر از آن بنگرید به: محمد تقی دانش پژوه، فهرست کتابخانه اهدائی آقای سید محمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران، ج ۵ (تهران، ۱۳۳۵ ش)، ص ۱۹۷۵-۱۹۷۸. اطلاع اخیر نشان از وجود عالمان جبل عاملی با همین شهرت در قرن هفتم در میان شاگردان علامه حلی دارد. آقابزرگ تنها از حسن بن ناصر بن ابراهیم بن حداد عاملی در میان عالمان امامی قرن نهم نام برده اما با توجه به اطلاع اخیر وی باید در میان عالمان امامی قرن هشتم ذکر شود. بنگرید به: طبقات اعلام الشیعة: الضیاء اللامع فی القرن التاسع، ص ۴۵.

حواشی مختلف است. در برگ انجامة نسخه، کاتب یادداشتی در حاشیه نوشته که نشان از ارتباط کاتب نسخه با حسین بن حسام دارد. عبارت کاتب چنین است:

«بخط الشيخ الحاج حسين بن الحسام نقلت عن الشيخ عزالدين ابن فضل عن الشيخ... الزاهد فتاوى جمال الدين وفخر الدين وعميد الدين وكذا كل حاشيه تنيس الى ابن النجار مع صحتها وكذا ما يوجد بخط الشهيد قدس الله نفسه يجوز العمل به ونقله الى الغير وكذا التنقيح للشيخ المقداد فتاويه منقولة عن مصنفه يجوز العمل به وكتب.. حسين بن على بن الحسام عفى الله عنهم بمّنه وكرمه وكتب حسين بن الحر».

در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۱۷۵۷ نسخه ای از کتاب فتح الابواب ابن طاووس وجود دارد که در برگ آخر آن شیخ محمد بن حر در سال ۹۴۵ از تصحیح و مقابله نسخه سخن گفته و در اشاره به مقابله نسخه نوشته است:

«نظر فی هذا الكتاب المبارك من أوله إلى آخره أحقر عباد الله محمد بن الحر ابن مکی العاملی عامله الله بلطفه الخفی وأصلح منه ما أمکنه من التحریف والتصحیف ابتغاءً لوجه الله سبحانه، ورجاءً لصالح دعوات مالک، وهو الولد الصالح النقی الفالح، العالم العامل الجلیل، الفاضل الكامل النبیل... حفظه الله وأسعده وربّاه وسرّ بطول بقائه وتماز ارتقائه أباه، وهو المولی الفاضل المعظم، العالم العامل المکرم... ختم الله له بصالح الأعمال، ورقاه فی العلم والعمل إلى غاية الکمال، ورزقه فی ولديه ما یتمناه ويحبه ومهواه بمحمد النبی وآله الطیبین الطاهرین، وذلك فی شهر رمضان المعظم قدره من شهور سنة خمس وأربعین بعد تسع مئین من هجرة سيد المرسلین والحمد لله رب العالمین».

ظاهراً این نسخه در تملک شیخ حر عاملی بوده و نسخه خانوادگی آنها باشد و کاتب عبارت های اخیر به احتمال بسیار پدر شیخ عزالدین بن شمس الدین حسین است. از افراد خانواده حر، علی بن محمد بن حر عاملی را می شناسیم که در صفر سال ۸۴۳ نسخه ای از کتاب البیان شهید اول را کتابت کرده و در انجامة نسخه اخیر که ضمن مجموعه شماره ۶۷ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است، خود را چنین معرفی کرده است:

«...فرغ من تعلیقه العبد الفقیر الراجی عفوربه علی بن محمد بن حر العاملی من قرية حدائنا

وذلك يوم ثمانية وعشرين من شهر صفر سنة ثمانمائة وثلاث واربعين هجرية حامداً مصلياً على محمد وآل محمد». در کنار انجامهٔ اخیر آنها قرائت نسخه به خط احمد بن محمد بن علی بن خاتون بدون اشاره به نام فردی که نسخه را خوانده، چنین آمده است:

«انها ائده الله قراءة و بحثاً و فهماً و فقه الله و ائانا لمراضيه و اعانه و ائانا على اجتناب معصيته و الانزجار عن نواهيه في عدة مجالس آخرها يوم الأحد ثاني عشرى ذى قعدة من شهر سنة سبع و تسعمائة هجرية نبوية على مشرفها الصلوة و السلام و كتب ذلك اقرع عباد الله و احوجهم الى عفوه احمد بن محمد بن علی بن خاتون حامداً مصلياً مسلماً مستغفراً».

نام برخی از روستاها که در نسخه های قرن هشتم و نهم یادی از آنها رفته اکنون شاید موجود نباشد و این شواهد سوای اهمیت برای جغرافیای تاریخی منطقهٔ جبل عامل نشان از وجود جریان های علمی در بخش های مختلف جبل عامل دارد و نشان از توجه عالمان و فقیهان عاملی به میراث فقیهان جبل عامل نیز دارد و عموماً مطالب آمده بر ظهر نسخه های خطی، دانسته های ما دربارهٔ فقیهان امامی را وسعت می بخشد. به عنوان مثال انهایی از علی بن محمد الحسام در پایان جزء اول شرائع به شمارهٔ ۶۷۵۷ در کتابخانهٔ مرعشی موجود است. نسخهٔ اخیر را فردی به نام احمد بن محمد بن حسن بن المصیرد البلیدایی که از کتابت نسخه در روز یکشنبه ۲۲ صفر ۸۹۹ فراغت حاصل کرده، استنساخ نموده و شهرت بلیدایی اشاره به نام روستای بلیدا دارد. روی برگ اول چند تاریخ تولد و وفات و تملک عبدالعالی بن لطف الله عاملی با مهر مربع «عبده عبدالعالی بن لطف الله» که ظاهراً فرزند شیخ لطف الله میسی باشد، آمده است. آنها علی بن محمد بن الحسام برای کاتب نسخه که کتاب را نزدش خوانده، نوشته شده است. انجامهٔ جزء اول چنین است: «تم الجزء الأول من کتاب شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و ما الحرام و یتوه الجزء الثانی ان شاء الله کتاب النکاح و الحمد لله رب العالمین. فرغ تعلیقه لنفسه اضعف عباد الله و احوجهم الى رحمة و غفرانه احمد بن محمد بن حسن بن المصیرد البلیدایی غفر الله له و لوالديه و لمن قرأه و دعا لهم بالمغفرة و ذلك لظهر يوم السبت لست خلون من شهر شعبان المبارك سنة سبع و تسعين و ثمانمائة هجرية نبوية على مشرفها الصلوة و السلام». ابن حسام در حاشیه نوشته است: «انها ادام الله توفيقه و سهل الى كل

خیر طریقہ و هو الولد العزیز الشیخ احمد بن الفقیہ محمد الشهر بصبیص قرآة مرضیة و بحثا و شرحا بحسب الجهد والطاقة و ذلك فی عدّة مجالس آخرها الرابع والعشرون من شهر الله المعظم من شهور ثمانية وتسعين وثمان مائة وكتب ذلك اقل عباد الله علی بن محمد بن الحسام عفا الله عنه والحمد لله وحده و صلى الله على سيدنا محمد وعلى آله وصحبه وسلم». عبارت «بلغت قراءة ايده الله تعالى» نیز در این صفحه و صفحات دیگر نسخه نیز آمده است. در پایان جزء دوم همان کتاب چنین نوشته است: «فرغ من تسويده لنفسه اضعف عباد الله تعالى واقلمهم عملاً احمد بن محمد بن حسن عرف بالمصيرد في قرية بليدا وذلك بمجلس الشيخ ظهير الدين - قدس الله سره - يوم الأحد لثمان بقين و شهر صفر ختم بالخير والظفر من شهور سنة تسعة وتسعين وثمانائة على مشرفها السلام والحمد لله وحده و صلى على من لا نبى بعده». در صفحه آخر نیز بلاغ مقابله (بلغت قراءة ايده الله تعالى) نیز آمده است.

در کتابخانه رئیس کتاب استانبول به شماره ۸۹۷ نسخه ای به نام حدیقه النفوس و حجة العروس موجود است که به قلم خود کفعمی است و به لطف دوست گرامی جناب آقای سید محمد حسین حکیم دسترسی به تصویری از آن میسر شد. کتاب فاقد مقدمه و خطبه است اما درد و جا و در ضمن عبارتی به نام کتاب تصریح شده است؛ در برگ ۶۰ (قلت: و من محاسنها کتابنا هذا الذي نحن بصده و هو کتاب حدیقه النفوس و حجة العروس و کذا غیره من کتبنا مثل کتاب الحدیقة الناظرة و کتاب مشکوة المصباح و کتاب نهاية الإرب و غیر ذلك) و جایی دیگر در ضمن شرح حال خود نوشت کفعمی که از نام کتاب سخن رفته است (کتاب حدیقة النفوس و حجة العروس و هو هذا الكتاب). در جایی از کتاب (۱۹۰ پ- ۱۹۱ پ) کفعمی شرح حال خود را نسبتاً به تفصیل آورده است. بر اساس گفته های خود کفعمی وی هنگام نگارش اثر اخیرش در جعب ساکن بوده است. کفعمی بعدها نسخه حاضر را به یکی از سادات نجف به نام سید محمد بن شرف الدین لیث حسینی نجفی در ۹۰۳ فروخته و فرد اخیر در حاشیه شرح حال کفعمی یادداشتی در خصوص تاریخ وفات کفعمی آورده که ضمن آنکه تاریخ دقیق درگذشت کفعمی را نشان می دهد، دلالت دارد که کفعمی پس از ۸۸۸ و در حدود ۸۹۰ جعب را ترک کرده و تا آخر عمر خود در کربلا ساکن شده است. عبارت سید محمد

حسینی چنین است:

«تم انتقل شیخنا المرحوم المبرور تقی الدین ابراهیم الجبعی الکفعمی المذكور من بلده جبع المذكور الی المشهد الشریف الحایری الحسینی - علی مشرفه السلام - و أقام به مدة عشر خمسة عشر (کذا) سنة مشتغلاً بالعبادة و الإفادة إلی أن توفی إلی رحمة الله و رضوانه فی شهر رجب المرجب من شهور سنة خمس و تسعمائة و دفن بأرض کربلاء تغمده الله تعالی برحمته و رضوانه و أسکته بجبوحه جنازه بمحمد و آله و کتبه الفقیر الی رحمة الله الغنی محمد بن شرف الدین لیث الحسینی النجفی عفا الله عنه».

کفعمی نسخه حدیقه النفوس را در محرم ۹۰۳ به شمس الدین محمد بن شرف الدین یحیی بن لیث حسینی نجفی فروخته و نسخه را برای او که ظاهراً باید در نجف ساکن بوده باشد، فرستاده است. کفعمی خود عبارت مبیعه نامه ای بر ظهر نسخه، هنگامی که پول نسخه را دریافت کرده، نوشته و نسخه را پس از دریافت پولش برای سید محمد حسینی فرستاده است. عبارت مبیعه نامه که کفعمی خود بر ظهر نسخه نوشته، چنین است:

«انتقل هذا الكتاب من العبد الكاتب تقی الدین ابراهیم بن علی الجبعی الکفعمی عفا الله عنه بالابتیاع الصحیح الشرعی إلی ملک السید الحسیب النسیب الأعظم، خلاصة نوع بنی آدم شمس الملة و الحق و الدین محمد بن السید الأعظم شرف الدین یحیی بن لیث الحسینی النجفی و وصل ثمنه إلی کاتبه تماماً کاملاً فی شهر المحرم سنة ثلاث و تسعمائة هجرية علی مشرفها السلام».

کفعمی اشاره ای به اینکه هنگامی که پول کتاب بدستش رسیده نکرده اما از گفته خود سید محمد حسینی نجفی می توان دریافت که به احتمال بسیار در آن هنگام کفعمی در کربلا بوده و پس از دریافت پول کتاب، گواهی دال بر بیع کتاب بر ظهر آن نوشته و نسخه را برای شمس الدین محمد بن شرف الدین یحیی بن لیث حسینی فرستاده است. پس از آنکه نسخه به نزد شمس الدین رسیده، او در گوشه چپ و بالای عبارت بیع نامه کفعمی، عبارتی دال بر تملک نسخه نوشته است (فی نوبة الفقیر الی عفوربه الغنی محمد بن شرف الدین بن لیث الحسینی النجفی بالوجه الصحیح الشرعی) و مهری ناخوانا نیز در زیر عبارت او آمده که به

اهمیت نسخه‌های خطی برای مطالعه تاریخ تشیع

احتمال بسیار سجع اوست. در زیر عبارت کفعمی چندین گواهی نامه بریعی نسخه و دریافت پول آن آمده است. در سمت راست و در زیر عبارت کفعمی، گواهی نامه محمد مساعد بن حسن الحسینی الحائری آمده است (انتقل هذا الكتاب الى ملك السيد الأعظم الافخرو الاكرم السيد محمد لیث بالانتقال الشرعی و شهدت بذلك علی صاحب الشیخ تقی الدین المشار الیه اعلاه و كتب علیها... شهدت بصحة البیع و القبض علی البایعین و كتب محمد مساعد بن حسن الحسینی الحائری عفی الله عنهما) ^۱ در زیر عبارت او شخصی که به سختی

۱. در کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۱۴۳۶ نسخه ای از کتاب الدروس الشرعیة شهید اول موجود است که ابراهیم بن علی کفعمی در ۸۵۰ کتابت کرده و بر ظهر نسخه صورت قرآنی با امضاء محمد بن مساعد بن حسن حسینی به تاریخ ۹۱۰ است که همین شخص مذکور است (انهاه وقع الله تعالی لمراضیه و اعاننا و ایاه لامثال اوامره و الانزجار عن نواهیة قراءة و تحقیقاً و بحثاً و تدقیقاً و ذلك فی عدّة مجالس آخرها سابع عشری ربیع الاول لسنة عشر و تسعمائة و كتب الفقیر الی الله تعالی محمد مساعد بن حسن الحسینی الحائری عفا الله عنهما حامداً مصلیاً مستغفراً). در کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۱۷۹۹ نیز نسخه ای از کتاب الدروس الشرعیة موجود است که ابراهیم بن علی کفعمی از کتابت آن در ۵ رجب ۸۵۶ فراغت حاصل کرده است. دوست عزیزم سید علاء الموسوی در اشاره به سید محمد حسینی و مطالب آمده در ظهر نسخه حاضر در تذکری مکتوب متذکر شدند: «الشاری هو السيد الجلیل شمس الدین محمد بن شرف الدین یحیی بن لیث الحسینی التجفی، العالم الزاهد، المترجم فی ماضی النجف و حاضرها نقلاً عن حبیب السیر علی مافی البال. و السيد ابن لیث هذا ترجم له السيد عبدالرزاق کمونته فی منیة الراغبین نقلاً عن ماضی النجف و حاضرها إلا أنه توهم أن المترجم أعرجی النسب، و الحال أن المترجم زیدی النسب، و عندی نسبه کاملاً. و نص شراء السيد ابن لیث كتبه السيد محمد المعروف بمحمد مساعد و هو والد السيد حسین المعروف بعبدالحسین النسابة، صاحب نسخة العمدة المعروفة باسمه، نسخة ابن مساعد، و يظهر خطه أعنی خط السيد حسین بن مساعد فی زاویة اليسری للصفحة، تحت عبارة (صح مضمونه) حسین بن مساعد الحسینی) و يظهر كذلك خط السيد حسن الحسینی الحائری، و هو علی مافی البال ابن السيد محمد مساعد، أو ابن أخیه، لا یحضرنی الآن بالضببط. و كذلك يظهر فی زاویة اليسری العلیا للصفحة، تملك السيد محمد ابن لیث اللکتاب www.agorahqgs.ir: (فی نوبة الفقیر الی عفوربه الغنی محمد بن

سمت چپ نسخه آمده که به درستی خوانده نمی شود. نسخه حدیقه النفوس مشتمل بر ۴۳۷ برگ است و میان سالهای ۸۸۴ تا ۸۸۸ تألیف شده است.^۱ در کنار مهاجرت عالمان جبل عامل و دیگر مناطق شیعی خارج از قلمرو صفویه، باید به سادات مهاجر به ایران نیز اشاره کرد که برخی از آنها حتی پیش از صفویه به ایران سفر کرده و گاه به مقام نقیب الثقبائی نیز می رسیده اند. اطلاعات اندکی درباره این افراد در کتابهای نسب موجود است اما با مراجعه به نسخه های خطی می توان دست کم اطلاعات بیشتری درباره حیات علمی آنها یافت. از این افراد می توان به سید حیدر بن علاء الدین علی حسنی سبزواری بیزه ای / بیزئی (بیزوی) اشاره کرد که خاندانش در حله ساکن بودند و او به روستای بیزه سبزواری مهاجرت کرده و در همانجا ساکن شده است. وی از عالمان و مشایخ اجازه قرن دهم بوده و اطلاعات چندی در خصوص او در بخش اجازات بجا آمده و دانسته است که شماری از نسخه های خطی شیعی را نیز کتابت کرده است. سید حیدر بن علاء الدین علی بن حسن الحسنی البیزئی که نسخه ای از عیون اخبار الرضا را در سال ۹۸۰ در شهر مشهد کتابت کرده و اکنون این نسخه به شماره ۷۸۵ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است. وی در انتهای کتاب در انجمله ای نسبتاً طولانی چنین نوشته است:

«شرفت بکتابه هذا الكتاب اعنى كتاب عیون اخبار الرضا صلوات الله عليه و علی آبائه و

اولاد الطاهرين تألیف الشیخ الخیر علی لسان القايم علیه السلام الصدوق ابی جعفر محمد بن

۱. برای فهرستی از مطالب حدیقه النفوس بنگرید به: الصحیفة السجادية الكاملة للامام زین العبادین علی بن الحسین علیهما السلام، نسخه برگردان دستخط ابراهیم بن علی کفعمی مورخ سنة ۸۶۷ هجری قمری از مجموعه سید جلال الدین یونسی، با مقدمه سید محمد حسین حکیم (تهران: کتابخانه ملی و بنیاد طباطبائی، ۱۳۹۴ ش)، ص ۱۶۵-۱۶۷. کتابت برخی آثار شیعی برای کتابخانه های سلطنتی نشان از تمایلات شیعی سلطان مذکور دارد. به عنوان مثال نسخه ای کهن از کتاب المصباح الکبیر شیخ طوسی مشتمل بر جزء چهارم موجود است که برای کتابخانه طغرلنکین ابومظفر مسعود بن مودود بن زنگی آق سنقر (متوفی ۵۸۹) کتابت شده و به شماره ۱۴۲۲۶ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است. در آغاز جزء چهارم کتاب کاتب در اشاره به کتابت نسخه برای امیر مذکور نوشته است: «لخزانة كتب مولانا المولى الملك العادل العالم المؤيد المظفر المنصور عز الدنيا والدين، ركن الإسلام و المسلمين، ملك امراء الشرق والغرب، طغرلنکین اتابک ابی المظفر مسعود بن مودود بن زنگی بن آق سنقر نصیر أمير المؤمنين».

علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی رضی الله عنه فی مشهد سیدنا و امامنا و مقتدانا بضعة رسول رب العالمین سمی وصی خاتم النبیین ثامن الأئمة الاطیبین الطاهیرین ابی الحسن علی بن موسی الرضا علیه و علی آباءه و اولاده الطاهیرین الف الف صلوة و الف الف ثنا فی کل صباح و مساء یوم الخمیس سادس شهر ذی الحجة من سنة ثمانین و تسعمائة هجرية نبوية علیه و آله الف صلوة و تحية و انا العبد المحتاج الی عفو الله الغنی حیدر بن علاء الدین علی بن حسن الحسینی البیزئی عفا الله عنهم ب محمد سید المرسلین و آله الطاهیرین حامداً علی نعمه العظام و مصلياً علی نبیه و آله الکرام علیهم الصلوة و السلام و مسلماً».

نوع تعابیر به کار رفته در این انجامة نشانگر آن است که فرد اخیر از عالمان امامی این قرن است. نام سید حیدر بن سید علاء الدین علی بن حسن حسینی بیزئی در بخش اجازات بحار و نام مشایخ سید حسین بن حیدر کرکی (متوفی ۱۰۴۱) نیز آمده است اما تصحیفاتی در متن چاپی رخ داده است. نخست شهرت حسینی او که به صراحت در نسخه مرعشی آمده متأسفانه به حسینی تصحیف شده است. دیگر آنکه شهرت او یعنی بیزئی که اشاره به روستای بیزه در اطراف سبزوار دارد، به صورت های مختلفی چون البیروی، البیزوی، التبریزی یا النیروبی تصحیف شده است (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۶، ص ۱۶۵ عبارت علاء الدین بن علی را که در صدر اجازه آمده به صورت علاء الدین علی اصلاح کنید؛ ۱۷۰، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶). به تصریح خود سید حیدر بن علاء الدین حسینی، او از مجازین حسین بن عبدالصمد حارثی است که پیش از ۹۸۴ وی را دیده و از او اجازه روایت اخذ کرده است. در کتابخانه آستان قدس رضوی مشجره ای موجود است که به صدر الدین محمد دشتکی (متوفی ۹۰۳) نسبت داده شده و در اختیار میرزا علی اصغر بن محمد جعفر نسابه خراسانی (متوفی ۱۰۹۸) بوده است. وی بر مشجره دشتکی تعلیقاتی دارد از جمله در خصوص سادات بیزه (بالباء الموحدة ثم المثناة التحتانية ثم الزاء المعجمة) و اشاره نموده که بیزه یکی از روستاهای سبزوار است و گفته که سادات بیزه از جمله سادات حسینی هستند که از حله به آنجا آمده اند. تاریخ فراغت از تعلیقه نویسی میرزا علی اصغر بر مشجره مذکور ۱۰۹۶ است. از دوست عزیزم سید علاء الموسوی که این معلومات را در اختیارم قرار داد، سپاسگزار هستم. توجه به آمدن نام سید حیدر در بخش

اجازات بحار نیز مرهون تذکر دوست دیگرم، حجت الاسلام والمسلمین سید حسن موسوی بروجردی است. سید حیدر بن علاء الدین حسنی البیڑی تا سال ۱۰۰۳ که در کربلاء به سید حسین بن حیدر کرکی اجازه روایت دیگری داده، در قید حیات بوده است (بنگرید به: بحار الانوار، ج ۱۰۷، ص ۹). نام سید حیدر بیڑی در الروضة النضرة، ص ۱۹۲-۱۹۳ آمده و شهرت او به التبریزی ضبط شده است. همچنین شهرت حسنی او حسینی آمده و نام جد اعلی او یعنی علاء الدین علی به صورت سید حیدر بن علاء الدین بن علی بر اساس تصحیف رخ داده در تصحیح بحار الانوار، ذکر شده است. همین اشکالات در اعیان الشیعة، ج ۶، ص ۲۷۱ نیز رخ داده است. در کتابخانه مسجد اعظم قم به شماره ۴۲۳ نسخه ای از امالی شیخ طوسی موجود است که حیدر بن علاء الدین علی بن حسن حسنی سبزواری بیڑی از کتابت آن در روز پنج شنبه غره ذی قعدة ۹۸۳ فراغت حاصل کرده است که کسی جز شخص مورد بحث نیست که فهرست نگار نسبت او را صحیح خوانده است. بنگرید به فنخا، ج ۴، ص ۸۳۵-۸۳۶. از دیگر آثار سید حیدر بن علاء الدین حسنی بیڑی الاربعون حدیثاً است که او آن را به نام حاکم خراسان ابراهیم میرزا (حکومت ۹۴۶-۹۸۴) تألیف کرده و نسخه ای از آن به شماره ۱۴۹۷۳/۲ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است (ج ۳۷، ص ۶۳۹) که احتمالاً در حیات مؤلف کتابت شده و دارای حواشی با نشان «شیخ بهاء الدین دام ظلّه» است. بنگرید به: فنخا، ج ۲، ص ۹۳۳. همچنین بخشی از کتاب کافی - بخشی از اصول و کتاب الزکات و الصوم - در کتابخانه مرکز احیاء به شماره ۱۶۸۰ موجود است که تصحیح شده و حواشی از سید حیدر حسنی بیڑی دارد که در فهرست به خطا بیڑی آمده است (فنخا، ج ۲۵، ص ۶۷۷). در کتابخانه مرحوم مشکات به شماره های ۷۱۹ و ۷۲۰ نسخه ای از کتاب ذکری الشیعة فی احکام الشرعیة شهید اول موجود است که تاریخ آمده در پایان نسخه اول ذی الحجة ۹۷۹ است و کاتب آن سید حیدر بن علاء الدین سبزواری است که کسی جز همین شخصیت مورد بحث یعنی سید حیدر بن علاء الدین بیڑی نیست. بنگرید به: محمد تقی دانش پزوه، فهرست کتابخانه اهدائی آقای سید محمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران، ج ۵ (تهران، ۱۳۳۵ش)، ص ۱۸۸۲-۱۸۸۳. در کتابخانه مجلس رساله ششم مجموعه ۸۹۰۰، برگ های

۱۱۴ پ-۱۳۳، نسخه ای موجود است که نامش موالید النبى والأئمة الطاهرة نام دارد و مؤلف آن سید حیدر بن علاء الدین حسینی بیژنی معرفی شده است که وی همین شخص مورد بحث ماست و نسبت حسینی که در نسخه به علت بدخوانی کاتب چنین آمده باید حسنی باشد.^۱ افراد اخیر نقش مهمی در گسترش تشیع در عصر نخست صفویه داشته اند.



۱ بنگرید به: سید محمد حسین حکیم، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۲۹، بخش اول، ص ۲۶۷-۲۶۸.